



۲

# مجله فرارشد



وزارت آموزش پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر ارتباطات و فناوری آموزشی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
www.roshdmag.ir | دوره نوزدهم، آبان ۱۴۰۱ | شماره پیاپی ۱۴۴ | صفحه ۳۸



## تولید، درآمد، ثروت مسئله، این است؟!



دکتر بهزاد بیگ بوریان  
آینده شغلی



محمدحسین جوکار  
واکاوی درس  
کار و فناوری



روح اله رضاعلی  
کار آفرینی  
هدفمند



گفتگو با سیدحسن و کیلی  
مدرسه مهارت



مراکز مهارت آموزی مدرسه «معلم»

بازارچه مدارس







دائرة آموزش پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

# رشد مجله فروردین ۱۴۰۱

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و  
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
شماره پدیداری ۱۴۴ | دوره نوزدهم، آبان ۱۴۰۱  
صفحه ۴۸ | www.roshdmag.ir

خانواده مجلات رشد  
همه تلاش خود را کرده است  
تا این مجله در دسترس عموم  
جامعه تربیتی کشور باشد و همه  
مخاطبان در مهبین عزیز اسلامی مان  
امکان تهیه آن را داشته باشند.

۷۵۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد صالح مذبني  
سرديبير: فریدالدین حداد عادل  
مدیر داخلی: مریم موسوی  
مدیر هنری: کوروش پارسنازاد  
ديبير عكس: اعظم لاریجانی  
ویراستار: کبری محمودی  
طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۵۸۵  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ داخلی ۵۰۴  
تلفن های امور مشترکین:  
۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸  
صندوق پستی امور مشترکین:  
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
وبگاه:  
www.roshdmag.ir  
رایانامه:  
Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست



برای اشتراک  
مجلات رشد رزمینه  
را بپوش کنید

ديبير این شماره با

موضوع:

«تربیت اقتصادی در مدرسه»

دکتر عظیم محبی



- تولید، درآمد، ثروت، مسئله این است؟! / فریدالدین حداد عادل ۲
- نان آوران فردا / دکتر عظیم محبی ۳
- آینده شغلی / تنظیم کننده گفت و گو: مریم موسوی ۶
- کارآفرینان بالقوه / گفت و گو کننده: لیلا صمدی ۹
- مسیر جدید تربیت اقتصادی / محسن کیاشکی / فائزه سادات ابراهیمی ۱۲
- آشتی با کتاب / محسن قنبری شهواری / سکینه جنگچی مینایی ۱۴
- کارآفرینی هدفمند / روح اله رضاعلی ۱۶
- رشد درک مالی / دکتر مینا خداپناه / دکتر نعمت اله موسی پور ۱۹
- حرمت کار / الهام مقیسه ۲۲
- مدرسه مهارت / گفت و گو با سیدحسن و کیلی ۲۴
- واکاوی برنامه درسی از نظر سواد مالی / دکتر نعمت اله موسی پور و دکتر مینا خداپناه ۲۷
- هدایت تحصیلی؛ چالش ها و راهکارها / ناصر حیدری ۳۰
- تربیت شهروندان مسئولیت پذیر / دکتر احمد شریفان ۳۲
- درمان بیکاری / معصومه پورقربانی و محبوبه منتظرعائنی ۳۴
- آموزش زندگی / مترجم: مهناز نجیب زاده و امق آبادی ۳۶
- بوم اقتصادی / فاطمه پازوکی ۳۹
- تغییر ماهیت مشاغل / دکتر بهزاد بیگ پوریان ۴۰
- واکاوی درس کار و فناوری / محمدحسین جوکار ۴۲
- مهارت آموزی با کدام رویکرد؟ / ترجمه دکتر احمد شریفان ۴۵
- معرفی کتاب / گام دوم ۴۸

## نویسندگان و مترجمان محترم!

این مجله متعلق به شماسست، تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربه های شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقالات حاوی مطالب کلی و گردآوری نباشند.
- مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود.
- در نگارش مقاله از منابع و مآخذ معتبر استفاده شود و در پایان آن، فهرست منابع بیاید.
- آرای مندرج در مقاله ها و گفت و گوها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



# تولید، درآمد، ثروت مسئله این است؟!

فریدالدین حداد عادل



دوری می‌کنیم، اما در پهنه جامعه این مسئله هر روز بیشتر ذهن و عمل نوجوانان ما را فرا می‌گیرد.

۴. توجه ویژه نوجوانان به رشته تجربی و علاقه وافر این نسل به «فقط پزشک‌شدن»، حکایت از پررنگ‌شدن جنبه‌های مادی در ذهن کودکان و نوجوانانی است که شیفته «پزشک» یا «دندان‌پزشک» شدن هستند. یعنی عرصه کلان علم و دانش عمومی همه چیز و همه مشاغل کنار گذاشته شده است و فقط یک شغل پردرآمد، انرژی بسیاری از دانش‌آموزان را به خود جلب کرده است.

۵. باید توجه داشته باشیم، اگر درباره ثروت و روش‌های کسب آن هوشمندانه حرف نزنیم، نمی‌توانیم در مورد خیلی از امور دیگر نیز صحبت کنیم: ربا، رشوه، صرفه‌جویی، صرف مال در امور خیریه، مقوله قرض‌الحسنه، سپرده‌گذاری در بانک، خرید سهام و تبعات مثبت و منفی آن. حتی در مورد برخی رشته‌های علمی و کاری هم نمی‌توانیم به‌خوبی صحبت کنیم، چون مسئله محوری و اصلی آن‌ها مورد توجه و عنایت ما نیست.

۱. همه آدم‌ها باید یاد بگیرند که کسب درآمد کنند، اما ما گاهی از این موضوع غفلت می‌کنیم. برای اینکه مخاطبان ما مادی نشوند، اصل موضوع را حذف می‌کنیم. در نتیجه، گاهی انسان‌های نخبه‌ای تربیت می‌کنیم که حساب پول جیبشان را هم ندارند و از پرسیدن چند سؤال ابتدایی درباره بیمه و مدل دستمزد خود ناتوان هستند.

۲. گاهی ما نفس کسب درآمد و تولید ثروت را مذموم می‌دانیم، چون دغدغه داریم از علم و فضل دور شویم. اما توجه نداریم که همه ما انسان‌ها در کنار تنظیم شیوه پول‌درآوردن خود، باید یاد بگیریم:

(الف) چگونه سرمایه به‌دست بیاوریم؟

(ب) چگونه سرمایه و درآمدمان را خرج کنیم؟ یعنی سبک زندگی مالی در زمینه نحوه خرج کردن چگونه است. روش خرج کردن چگونه باشد؟

(ج) درآمد خود را در کجا خرج کنیم؟

۳. در مدرسه، به خطا، گرد مباحث مالی

خط قرمز کشیده‌ایم، اما دانش‌آموزان

ما به‌شکل روزافزونی در پی درآمد

بیشترند. در ادبیات رسمی

آموزش و پرورش از این واقعیت



# نان آوران فردا

تأملی بر تربیت کارآفرینانه

دکتر عظیم محبی | سید میثم موسوی

تصویرگر



خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت اجرا و نتایج آن را تحلیل کند؛

- با درک مفاهیم اخلاق اقتصادی (کار و تلاش، رعایت حق الناس، نیکوکاری، امانت‌داری، پرهیز از اسراف و تبذیر)، رفتار خود را در زندگی شخصی و ارتباط با دیگران بر مبنای آن سازمان دهد و عمل کند.

## دوره اول متوسطه

- با شناسایی مفاهیم اصلی اقتصاد خانواده و درک شیوه‌های مالی شخصی (پس انداز، مدیریت و خطرپذیری) مصداق‌های آن را در زندگی به کار گیرد و در بهبود اقتصاد خانواده فعالانه مشارکت کند؛

- با شناخت حرفه‌ها، مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه در تولید و عرضه محصول، متناسب با علاقه‌ها، استعداد و جنسیت، برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود برنامه‌ریزی کند؛

- با شناخت رفتار اقتصادی سازنده (شکر، قناعت، تعاون،

یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت که به‌طور مستقیم با کارآفرینی مرتبط است، اهداف ساخت اقتصادی و حرفه‌ای در دوره ابتدایی و متوسطه اول است. این اهداف به این صورت در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شده‌اند:

## دوره اول ابتدایی

- با درک مفاهیم پایه اقتصاد (فایده، هزینه و مصرف) روش‌های مصرف بهینه را در زندگی شخصی و خانوادگی به کار گیرد؛

- با کسب مهارت‌های ساده کارآفرینی، قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید یک محصول یا خدمت به کار گیرد.

## دوره دوم ابتدایی

- با شناسایی مفاهیم عمومی اقتصاد (تولید، توزیع و مصرف) و درک نقش مسئولیت‌پذیری و انطباق مالی در فعالیت‌های اقتصادی، روش‌هایی را برای حل مسائل ساده اقتصادی شناسایی کند و به کار گیرد؛

- با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی، قدرت تخیل و

منافع جمعی، رعایت حلال و حرام، و حمایت از تولید ملی) تأثیر آن را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی تحلیل کند و روش‌هایی برای بهسازی رفتارهای اقتصادی پیشنهاد دهد.

## سؤال کلیدی

**– فرایند آموزش این اهداف در مدرسه چگونه باید باشد؟**

این اهداف به صورت درهم‌تنیده در همه برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی مورد توجه قرار می‌گیرند و معلمان در تدریس هر یک از کتاب‌های درسی زمینه تربیت این شایستگی‌ها را در دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. در عین حال، نیازمند اقدامات زیر هستیم:

۱. آموزش مستقیم مفاهیم و مهارت‌های کارآفرینی در مدرسه: این آموزش‌ها می‌تواند در فعالیتهای فوق برنامه و برنامه ویژه مدرسه (بوم طراحی و اجرا شود).
  ۲. آموزش غیرمستقیم و اتخاذ رویکرد کارآفرینی محور در فعالیتهای تدریس و امور فرهنگی مدرسه که چگونگی آن توضیح داده می‌شود.
- در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تدریس را به سه رویکرد تقسیم کرد:

### – تدریس و سنجش موضوع محور (انتقالی)

در این رویکرد تدریس شامل سه مرحله است:

۱. انتقال محتوا از معلم به دانش‌آموز؛ ۲. شنیدن و تمرین کردن دانش‌آموزان؛ ۳. سنجش اطلاعات دانش‌آموزان.

### – تدریس و سنجش فرایند محور

در این رویکرد تدریس شامل مراحل زیر است:

۱. زمینه‌سازی برای تفکر و کاوشگری؛ ۲. هدایت برای تولید مفهوم؛ ۳. سنجش مهارت‌های تفکر.

### – تدریس و سنجش کارآفرینی محور

در این رویکرد تدریس شامل مراحل زیر است:

۱. زمینه‌سازی برای انجام فعالیت در محیط‌های واقعی؛
۲. زمینه‌سازی برای گزارش پروژه‌های انجام شده؛
۳. سنجش از عملکرد دانش‌آموزان؛

با توجه به نکات گفته‌شده، تدریس و سنجش کارآفرینی محور:

– پروژه محور است؛

– مشارکت محور است؛

– بر مسائل واقعی فضای کسب و کار مبتنی است؛

– زمینه‌ساز دست‌ورزی، ساخت و تولید است؛

– تمرین خطرپذیری و نوآوری را زمینه‌سازی می‌کند؛

– مبنای سنجش خودارزیابی و عملکردی است؛

– زمینه‌ساز رشد ابعاد شخصیتی و مدیریتی است.

## فعالیت‌های فرهنگی مدرسه با رویکرد کارآفرینی

علاوه بر نقش معلمان در تربیت روحیه کارآفرینی، باید بر فعالیتهایی که در مدرسه به‌عنوان فوق برنامه، مکمل و اوقات فراغت مطرح می‌شوند نیز تأمل کنیم. یکی از رسالت‌های فعالیتهای مربوط به فوق برنامه در قالب مسابقات علمی، عملی، فرهنگی، هنری و ... زمینه‌سازی برای تقویت روحیه کارآفرینی است. مربیان تربیتی و مشاوران در کنار معلمان به‌صورت هماهنگ و منسجم می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرین باشند. تقویت روحیه کارآفرینی به‌عنوان یک رویکرد باید در فعالیتهای فرهنگی و هنری مدرسه مورد عنایت قرار گیرد (رویکرد تلفیقی). چند فعالیت در همین زمینه پیشنهاد می‌شود:

■ واگذاری اداره و مدیریت فعالیتهای مدرسه به دانش‌آموزان (به‌گونه‌ای که حداقل هر دانش‌آموز در سال یک فعالیت را در مدرسه مدیریت کند). این کار روحیه خطرپذیری را تقویت می‌کند؛

■ برپایی بازارچه‌های کسب و کار (برای تمرین مهارت خطرپذیری و مهارت‌های کسب و کار)؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در طراحی و اجرای اردوهای دانش‌آموزی؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در مسابقات علمی، عملی و فرهنگی مدرسه (هر دانش‌آموز بر اساس علاقه‌های خود حداقل در یک مسابقه شرکت کند)؛

■ مشارکت دانش‌آموزان در تحقیق‌های مربوط به ساحت و تولید متنوع در مدرسه؛

■ هدف‌دار کردن بازدیدهای علمی از صنایع و کارخانه‌ها بر اساس شناخت از مشاغل و دریافت گزارش از آن‌ها با مفاهیم دنیای اقتصادی و کارآفرینی (محصول، قیمت، توزیع، فروش، مشتریان، سهام و بازاربها (بورس))؛

■ تکمیل بسته‌های یادگیری (کتاب و فیلم) در کتابخانه، با مفاهیم دنیای کار (با تأکید بر مفاهیم پس‌انداز، درآمد، سود و ...)

■ برگزاری مسابقات به‌منظور تولید کتاب داستان، پویانمایی و روزنامه‌دیواری با مفاهیم اقتصادی و ...

■ بازدید از بانک‌ها و افتتاح حساب برای آن‌ها؛

■ تمرین ایده‌پردازی و طراحی مدل کسب و کار؛

■ بازدید و تمرین ثبت شرکت و نحوه کار بیمه‌ها.

## جهت‌گیری آموزش خانواده با رویکرد کارآفرینی

هر خانواده‌ای تمایل دارد فرزندش به‌گونه‌ای تربیت شود که شغل مناسب را، بر اساس استعداد خود، اختیار کند. در عین حال آن شغل را دوست داشته باشد و در فرایند انجام



آن شغل و حرفه موفق باشد و احساس رضایت کند. این هدف و انتظار بسیار مطلوب است، اما خانواده‌ها کمتر به فرایند و چگونگی تربیت فرزندان در این زمینه می‌اندیشند. خانواده‌ها تصور می‌کنند فرزندشان با توجه به رشته تحصیلی، شغل مناسب خود در اداره‌های دولتی (کارمند) شناسایی و استخدام می‌شوند. اما واقعیت آن است که مشاغل دولتی جوابگوی فارغ‌التحصیلان نیستند. لذا خانواده‌ها باید فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند متناسب با نیاز بازار، کسب و کاری مناسب برای خود ایجاد کنند.

مهم‌ترین خصیصه مربوط به کارآفرینی، بهره‌گیری مناسب از خلاقیت و ظرفیت‌های فکری است. یعنی خانواده‌ها از همان دوران کودکی با روش‌های گوناگون باید زمینه رشد خلاقیت فرزند خود را فراهم آورند و آن‌ها را در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی و شرایط کسب و کار قرار دهند تا چالش فکری برای او به وجود آید. در هر صورت، داشتن ایده‌های نو برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، یکی از عوامل مؤثر بر بروز روحیه کارآفرینی است. البته خانواده‌ها باید اجازه دهند فرزندشان ایده‌های خود را به نوآوری هم تبدیل کنند. اگر فرزندشان ایده مناسبی در خصوص ساخت وسیله‌ای دارد، زمینه آن را فراهم آورند تا وسیله را بسازد. در عین حال، به او کمک کنند تا زمینه تجاری‌سازی آن نیز فراهم شود. این نوع نگرش خانواده به بچه‌ها امکان می‌دهد از همان دوران کودکی به سمت کارآفرینی سوق پیدا کنند.

در این فرایند، نوع رفتار خانواده که بر انگیزه فرزندان به این روحیه می‌افزاید، بسیار اثربخش خواهد بود. روحیه خلاقیت و نوآوری کمک می‌کند فرزندان همواره نسبت به تغییرات و نیازهای جدید بازار حساس باشند. تغییرات فناوری و صنعتی را به‌طور مرتب رصد کنند، متناسب با

فرایند تغییرات، یا خودشان عامل تغییر و تحول شوند یا با تغییرات همراه شوند و از آن به‌عنوان یک موقعیت راهبردی کسب و کار بهره بگیرند.

با توجه به نکات گفته‌شده، برخی شاخص‌های خانواده کارآفرین عبارت‌اند از:

۱. راه‌اندازی کسب و کار خانوادگی؛
۲. واگذاری مسئولیت امور بانکی به بچه‌ها؛
۳. مشارکت فرزند در کارهای منزل؛
۴. خرید اسباب‌بازی با زمینه کار؛
۵. خرید کتاب‌های داستانی با موضوع کار؛
۶. خرید بازی‌های رایانه‌ای با زمینه کار؛
۷. زمینه‌سازی برای آموزش انواع مهارت‌های زندگی و کارآفرینی به جای کلاس‌های آزمون (تست)؛
۸. بازدیدها و سفرهای هدفمند به‌منظور آشنایی با مشاغل.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۸.
۲. برنامه ویژه مدرسه از سال ۹۷ در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول در حال اجراست.
۳. محبی، عظیم. تربیت مهارت‌های تفکر و کارآفرینی. انتشارات مرات. ۱۳۹۸.





# آینده شغلی

تنظیم‌کننده گفت‌وگو: مریم موسوی

## اشاره

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام آموزش و پرورش زمینه‌سازی برای شناخت دانش‌آموزان از استعداد، مشاغل و انتخاب مسیر آینده شغلی است. در این زمینه گفت‌وگویی با سرکار خانم **طاهره فضایی**، معاون دفتر مشاوره وزارت آموزش و پرورش، انجام شده است که با هم می‌خوانیم.

■ **در فرایند هدایت تحصیلی، دانش‌آموزان در پایان متوسطه اول باید بتوانند به خودشناسی برسند. سؤال اینجاست که آیا واقعاً دانش‌آموزان پایه نهم ما به این خودشناسی دست پیدا می‌کنند؟**

■ اگر بخواهیم واقع‌بینانه به این سؤال پاسخ بدهیم، باید بگوییم، با این روند هدایت تحصیلی و شغلی، هیچ‌کدام از دانش‌آموزان ما نه تنها در پایان سال نهم، بلکه در پایه‌های بالاتر، به درک درستی از خود و خودشناسی لازم نمی‌رسند. یکی از مهم‌ترین دلایل آن مقطعی بودن فرایند هدایت تحصیلی و معطوف شدن آن به صورت واقعی به پایه نهم است، در حالی که در تمام دنیا هدایت تحصیلی و انتخاب رشته و مسیر تحصیلی شغلی دانش‌آموزان از همان بدو ورود به مدرسه و از پیش دبستانی آغاز می‌شود. در عین حال، دانش‌آموز برای آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی خود و همچنین استعدادهای و توانایی‌هایش، باید موقعیت‌های مختلف شبیه‌سازی‌شده شغلی را تجربه کند؛ موقعیت‌هایی که او خودش را در آن شرایط ببیند و بارها این کار را تکرار کند تا بتواند بعداً مسیر درست خود را ترسیم کند. در نظام آموزشی ما این فرایند به درستی طراحی و اجرا نمی‌شود.

■ **آیا دانش‌آموزان برای انتخاب مسیر زندگی آینده آمادگی لازم را کسب می‌کنند؟ از لحاظ اعتقادی، جسمی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، شغلی و حرفه‌ای).**

■ دانش‌آموزان ما برای طراحی و انتخاب مسیر زندگی آینده به چند دسته اطلاعات نیاز دارند. ابتدا باید به خودشناسی و درک درستی از خود به‌عنوان دانش‌آموز و نوجوان برسند. در

واقع، باید سؤال اصلی مربوط به فرایند هویت‌یابی را از خود پرسیده و به جوابی برای آن رسیده باشند. اینکه من کیستم و به کجا می‌خواهم بروم؟

برای دستیابی به هویت، نوجوان باید در کودکی و در سنین دبستان به خودآگاهی برسد؛ آگاهی از تمامی ویژگی‌های خود از جنبه‌های جسمی، اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی.

به دلیل نبود نیروی مشاور در مدرسه‌های ابتدایی و نبود محتوای درسی منسجم برای آموزش در این زمینه، متأسفانه این احساس نیاز برای دانش‌آموزان که باید از ویژگی‌های خود به‌عنوان یک انسان آگاه شوند، اتفاق نمی‌افتد. گاهی برنامه‌ها و طرح‌های بسته‌گریخته‌ای در این زمینه‌ها انجام می‌شوند که به دلیل بسیار مقطعی و گذرا بودن، تأثیر زیادی روی دستیابی به خودآگاهی ندارند.

ما باید مانند اکثر کشورهای پیشرفته در دوره ابتدایی، به دانش‌آموزانمان اجازه دهیم خودشان را کندوکاو کنند، خود را در موقعیت‌های گوناگون ببینند، برایشان موقعیت خلق کنیم، به خانواده‌های آن‌ها آموزش دهیم مهم‌ترین کاری که می‌توانید برای فرزندان‌تان انجام دهید، کمک به آن‌ها برای دستیابی به خودآگاهی و در ادامه خودشناسی و دستیابی به هویت یکپارچه و منسجم است؛ هویتی که بر اساس مبانی فرهنگی و دینی جامعه و بر اساس واقعیت‌های زندگی کنونی ما شکل بگیرد.

برای این کار باید حتماً از معلمان دوره ابتدایی و دبیران متوسطه اول به‌عنوان بازوان توانمند و اجرایی استفاده کرد. معلم ابتدایی، به واسطه جایگاه مهمی که در دنیای کیفی دانش‌آموزانش دارد، می‌تواند بهترین



تأثیرات را روی جنبه‌های اعتقادی، اجتماعی، جسمی و اخلاقی شاگردانش بگذارد.

حتماً باید محتوای درسی منسجم و پیوسته‌ای از پایه اول ابتدایی تا پایان پایه نهم طراحی و به برنامه درسی دانش‌آموزان اضافه شود.

اگر این اتفاقات بیفتند، دانش‌آموزان ما در پایان نهم هر کدام مسیر زندگی آینده‌شان را به خوبی ترسیم خواهند کرد، چرا که به خودشناسی کامل و هویت منسجم و یکپارچه‌ای رسیده‌اند. همچنین، با آگاهی و شناخت حرفه‌ها و مشاغل آینده می‌توانند تصمیم آگاهانه و آزادانه اتخاذ کنند.

### ■ آیا معلم، مشاور، مربی و والدین نقش خود را به درستی انجام می‌دهند؟ برای توانمندسازی معلمان و مشاوران چه اقداماتی باید انجام داد؟

■ معلمان دوره ابتدایی با تمام زحمت و تلاشی که برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به خرج می‌دهند، در راستای آماده کردن دانش‌آموزان برای طراحی مسیر زندگی آینده خود اقدام تأثیرگذاری انجام نمی‌دهند. باید در نظر داشت، این اظهار نظر کلی است و هستند معلمان زحمتکشی که نقش خود را در این حوزه به خوبی انجام می‌دهند، اما با توجه به اینکه نظام آموزشی ما با

کمبود نیرو در دوره ابتدایی و به شدت

با کمبود آموزگار روبه‌روست

و تقریباً یک دهه است

که حجم بالایی از کمبود

نیرو از طریق ماده ۲۸

(فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

و جذب از طریق آزمون

استخدامی) جبران می‌شود

و متأسفانه برنامه آموزشی

منسجم و منظمی برای آموزش

نیروهای تازه استخدام شده

وجود ندارد، بنابراین ما در این

زمینه به توانمندسازی معلمان

و به‌خصوص معلمان دوره ابتدایی نیاز داریم.

ما در مدرسه‌های ابتدایی به‌ندرت نیروی مشاور داریم

و معمولاً اولویت تخصیص نیرو با دوره متوسطه اول است.

مشاوران مدرسه‌های ما هم به دلیل حجم بالای طرح‌ها

و برنامه‌ها و کمبود ساعت تخصیص یافته در مدرسه‌ها در

عمل در این حوزه شاید به‌صورت صددرصد نتوانسته‌اند

مؤثر باشند. با توجه به تغییرات خوشایندی که در سند

نظام جامع از لحاظ شاخص تخصیص نیرو اتفاق افتاده

است و همچنین تخصیص نیروی مشاور به مدرسه‌های

ابتدایی به‌عنوان یک راهکار عملیاتی در سند، می‌توان

امیدوار بود که با توانمندسازی مشاوران مدرسه در راستای

استعدادیابی و هدایت تحصیلی فرایندی و همچنین با

کمک تمامی ارکان نظام آموزشی، بتوان به تغییرات مورد

نظر دست یافت. لازم به ذکر است، بسیاری از نیروهای

مشاور از توانمندی بالایی برخوردارند، اما بعضی نیروهای

تازه‌استخدام شده به آموزش و توانمندی نیاز دارند.

بنابراین، باید برنامه جامع و منظمی برای توانمندسازی

مشاوران مدرسه و تجهیز آن‌ها به دانش و اطلاعات علمی

و به‌روز، در راستای دستیابی به اهداف فوق، طراحی و

اجرا کرد.



والدین و اعضای خانواده دانش‌آموزان نیز به‌عنوان بازوهای قدرتمند در تربیت دانش‌آموزان، به آموزش نیاز دارند. طبق نگاه سازمانی و رویکرد سازنده‌گرایی، برای ایجاد تغییرات سازنده باید در نظام به‌صورت یکپارچه شرایط ایجاد تغییر شود. برای همین، ما باید خانواده‌ها و اعضای آن‌ها را نیز در این راستا آموزش دهیم. برای آموزش و توانمندسازی والدین و اعضای خانواده دانش‌آموزان نیز می‌توان برنامه جامع و منسجمی آماده کرد؛ برنامه‌ای که با برنامه‌های مشاوران، معلمان و محتوای درسی دانش‌آموزان هماهنگ باشد تا همگی به‌صورت یکپارچه و فرایندی و گام‌به‌گام در این زمینه کمک کنند و ان‌شاءالله به نحو احسن شاهد پرورش دانش‌آموزانمان باشیم.

### ■ فرایند هدایت تحصیلی چه اصلاحاتی نیاز دارد؟

۱. تدوین نظام جامع استعدادیابی و هدایت فرایندی و استقرار و اجرای آن از دوره پیش‌دبستانی تا پایان متوسطه دوم به‌منظور شناسایی دقیق استعدادها و دانش‌آموزان، هدایت دانش‌آموزان در مسیرهای شناسایی‌شده و برنامه‌ریزی برای کمک به پرورش و شکوفایی استعدادها؛

۲. تدوین و اعتباریابی ابزارهای معتبر و کوتاه‌سنجش استعداد و رغبت‌های دانش‌آموزان بر اساس مراحل رشدی

آن‌ها و همسو با نظام استعدادیابی و اجرای آزمون‌ها در چند مرحله و به‌صورت فرایندی، از ابتدایی تا پایان متوسطه اول؛

۳. آموزش و توانمندسازی آموزگاران ابتدایی و دبیران متوسطه و والدین برای خلق موقعیت بروز استعداد و علاقه‌های دانش‌آموزان و جلب مشارکت تمامی عوامل مدرسه‌ای، اداری، آموزشی، پرورشی، رسانه، خانواده و دستگاه‌های اجرایی مربوط در مسیر هدایت تحصیلی؛

۴. برنامه‌ریزی برای رفع مشکل کمبود نیروی مشاور و تخصیص نیروی مشاور به مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه دوم و توانمندسازی آن‌ها در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان؛

۵. تجهیز هنرستان‌های فنی و کار دانش به امکانات به‌روز و برنامه‌ریزی برای عقد قراردادهای جذب نیروی کار از فارغ‌التحصیلان این مدرسه‌ها با شرکت‌ها، سازمان‌ها و کارخانه‌های کشور که به نیروی کار فنی نیاز دارند؛

۶. راه‌اندازی برنامه‌های تلویزیونی با موضوع هدایت تحصیلی فرایندی و استعدادیابی به‌منظور آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها و ایجاد تغییرات مثبت در باورها و نگرش‌های آن‌ها در جهت اهداف مهم فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته بر اساس واقعیت‌ها و ویژگی‌های فرزندان، نه بر اساس باورهای غلط و نگرش‌های نادرست؛

۷. تهیه و تدوین بانک اطلاعاتی تحصیلی و شغلی متناسب با مراحل رشدی دانش‌آموزان و ارائه اطلاعات به‌صورت فرایندی و گام‌به‌گام به‌منظور توانمندسازی آن‌ها؛

۸. تدارک شرایط و امکانات لازم برای دانش‌آموزان به‌منظور کسب تجربه‌های شغلی در موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای سپری کردن مراحل انتخاب شغل و دستیابی استقلال و تصمیم‌گیری مطابق مدل‌ها و نظریه‌های انتخاب شغل و حرفه.





# کار آفرینان بالقوه

گفت‌وگو با سارا سلیمی نمین،  
مدیر دبستان غیردولتی دخترانه آب و آینه

گفت‌وگوکننده: لیلا صمدی



## اشاره

با اختصاص این شماره از مجله به موضوع تربیت اقتصادی به سراغ تجربه زیسته تیم پیش‌دبستان و ابتدایی آب و آینه در منطقه ۳ تهران رفتیم و با دکتر سارا سلیمی نمین، مدیر خلاق و نوآور مدرسه، گفت‌وگو کردیم. دکتر سلیمی، متولد ۱۳۵۳، دارای مدرک لیسانس (دانشگاه امیرکبیر) و فوق‌لیسانس (دانشگاه علم و صنعت) در رشته مهندسی صنایع است. وی همچنین دوره دکترا را در رشته مهندسی مکانیک در کشور ایتالیا و دوره پسادکترای سیاست‌گذاری علم و فناوری را در دانشگاه علم و صنعت گذرانده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه گفت‌وگوی ما با دکتر سلیمی پیرامون آموزش حل مسئله و کارآفرینی به دانش‌آموزان است:



بود کنار آن گذاشتیم و محتوا را بر این اساس بازطراحی کردیم. به سراغ فناوری‌های آموزشی رفتیم و همه درس‌های پایه‌های اول تا سوم را بازی‌محور طراحی کردیم. بچه‌ها در مجموعه‌ای از بازی‌های کارتی یا بازی‌های کلامی، رمزگذاری و رمزگشایی را یاد می‌گیرند. در حین بازی، الفبا، نظام اعداد و همین‌طور حل معما در درس علوم را یاد می‌گیرند. هر پدیده‌ای که بچه‌ها در دنیای پیرامون می‌بینند، انگار یک معماست که باید آن را بازکشف کنند؛ هر چند قبلی‌ها آن را کشف کرده باشند. مجموعه‌ای از پویانمایی‌های ساده را برای همه درس‌ها طراحی کرده‌ایم. بچه وقتی به پویانمایی نگاه می‌کند، می‌تواند از کارت‌ها استفاده و یادگیری‌اش را کامل کند.

## ■ در مدرسه‌تان برای تربیت نسلی خلاق، نوآور و کارآفرین چه برنامه‌هایی اجرا کرده‌اید؟

□ ما از این مزیت که انسان خودیادگیرنده است، شروع کردیم. وقتی بچه‌ها وارد نظام رسمی، سنتی و مدرسه‌های کلاسیک می‌شوند، این پیام به آن‌ها مخابره می‌شود که مسیر خودیادگیری‌ات را کنار بگذار. من می‌خواهم اینجا مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و تجربه‌ها را به روشی که دلم می‌خواهد به شما منتقل کنم. یکی از مهم‌ترین اهداف ما در طراحی مدل مدرسه این بود که مواظب باشیم خودیادگیری بچه‌ها را خراب نکنیم تا بچه‌ها در مسیر خودیادگیری حرکت کنند. از کتاب‌های درسی آموزش و پرورش نقشه راه درآوردیم و رویکرد خودمان را که خودیادگیرنده‌بودن بچه‌ها





یکی از مهم‌ترین اهداف ما در طراحی مدل مدرسه این بود که مواظب باشیم خودیادگیرندگی بچه‌ها را خراب نکنیم

به تدریج این نتیجه رسیدیم که نگاه مسئله‌محور کمک می‌کند بچه‌ها در مسیر خودیادگیری قرار بگیرند. هر کودکی یک دانشمند است که اولین بار با مسئله‌ای مواجه شده و راهکار برای آن ارائه کرده است. این راهکار می‌تواند نظام اعداد در ریاضی باشد یا در علوم الگویی از طبیعت باشد که بچه‌ها باید آن را کشف کنند تا بتوانند از آن استفاده کنند و مسئله‌های بعدی‌شان را حل کنند. بنابراین تمام تلاش ما این بود که کمک کنیم نگاه مسئله‌محور بچه‌ها نسبت به دنیا همچنان در آن‌ها پایدار باشد. یعنی بچه‌ها هر نیاز خود را به شکل مسئله ببینند و نگاهشان این باشد که باید مسئله‌شان را حل کنند. دانش‌هایی که استاندارد شده‌اند، راه‌حل‌هایی هستند که قبلی‌ها به آن‌ها رسیده‌اند. در آموزش‌های ما شروع‌کننده بحث همیشه کودکان هستند و معلم فقط تسهیلگری می‌کند که محتوا از یک کودک به کودک دیگر منتقل شود؛ مگر جایی که لازم باشد معلم هم محتوایی را اضافه کند؛ چون عموماً بچه‌ها محتوا را با هم می‌سازند. معلم اگر بچه‌ها را به خوبی هدایت کرده باشد، حتی لازم نیست محتوایی را اضافه کند. اگر ما کمک کنیم کودک به سؤال خوب برسد، به مسئله خوب برسد، آن وقت معلم می‌تواند در ساختن ابزار به او کمک کند تا سریع‌تر آن را بسازد. وقتی همه درس‌ها نقشه راه مسئله‌محور دارند، ما برای آن بازی طراحی می‌کنیم تا قلق‌ها را کشف کنند و با تمرین و تکرار در آن‌ها نهادینه شود. بازی‌محوری و پروژه‌محوری مکمل هم هستند. در پروژه‌محوری نگاهمان این است که بچه‌ها به‌طور رسمی درگیر مسئله‌ها و حل مسئله‌ها شوند. ما درس پروژه را به صورت تلفیقی طراحی کردیم؛ به این معنا که بچه‌ها مسئله‌هایی را حل می‌کنند که ضرورت یادگیری همه اهداف آن پایه درسی را برای بچه‌ها فعال می‌کند.

مهم‌ترین نکته‌ای که در کارآفرینی مهم است این است که فرد بتواند نیازها را شفاف ببیند؛ نیازهایی که امروز در قالب مسئله در جامعه مطرح می‌شوند. اصلی‌ترین کار زیربنایی که شما در بچه‌های دوره ابتدایی انجام می‌دهید، این است که در مسیر خودیادگیری خود حرکت کرده باشد، نیازهای خود را فراموش نکرده باشد، این نگاه همیشگی را داشته باشد که من نیازم را باید چگونه پاسخ دهم؟ مرز کسب‌وکارها همیشه تغییر می‌کند و ما نمی‌توانیم بگوییم چیزی که امروز به بچه‌ها یاد می‌دهیم، آخرین یافته‌هاست. قطعاً وقتی دانش‌آموز بیست سال بعد می‌خواهد از آن استفاده کند، مرز کسب‌وکار عوض شده است. مهم این است که این نگاه را برای بچه زنده نگه داریم که همیشه می‌توانی نگاه متفاوت

داشته باشی؛ برای اینکه نیازی یک نیاز کوچک یا بخشی از یک نیاز بزرگ‌تر است و این مرزها می‌توانند بر اساس دانش، تجربه و فناوری روز تغییر کنند و تو می‌توانی یک خدمت یا محصول جدید را به جامعه عرضه کنی. آن وقت است که آن کسب‌وکار معنادار و متفاوت می‌شود. بیشترین تلاش ما در دوره ابتدایی روی این حوزه است.

### ● آموزش‌های شما در حوزه کارآفرینی و حل مسئله با مبانی نظری و راهکارهای عملیاتی سند تحول بنیادین در این موضوع چه ارتباطی دارد؟

ما شش ساحت تربیت سند تحول بنیادین را متناسب با پروژه‌های بچه‌ها معنی کردیم. مثلاً بچه‌ها در پایان پیش‌دستانی مسئله را چگونه تعریف و حل کنند که بگوییم رشد لازم را در هر کدام از ساحت‌ها داشته‌اند. ساحت‌ها را نسبت به آنچه در سند تحول بنیادین بود بازتعریف کردیم و در درس تلفیقی پروژه آوردیم. هدف‌گذاری را برای پایه‌های متفاوت ارائه کردیم؛ اگر بخواهد در پایان پایه ششم هدفی محقق شده باشد، در پنجم باید چقدر از آن محقق شود و در چهارم چقدر و غیره. موضوع را هم از دل تلفیق کتاب‌های درسی درآوردیم. بنابراین، در پروژه‌محوری بچه‌ها به موضوعاتی که در کتاب‌های درسی‌شان مطرح است، ورود می‌کنند و مسئله تعریف می‌کنند. معلم می‌داند که تعریف مسئله و حل مسئله تا چه سطحی غنی شود که اهداف تحول بنیادین هم در آن محقق شوند. درس پروژه خودش به چند بخش فرایند کشف و حل مسئله، دنیای کسب‌وکارها، سواد مالی و سازه تقسیم می‌شود. بخش سازه با این هدف است که بچه‌ها بتوانند در نهایت چیزی را که متصور می‌شوند، شکل بیرونی آن را هم ارائه کنند. فرض ما این است که به‌مرور متناسب با سن بچه‌ها بازی‌محوری کم و پروژه‌محوری زیاد می‌شود. وقتی بچه دوره ابتدایی را تمام کرد، به نگاه پروژه‌محور مسلط است و ما انتظار داریم در دوره متوسطه پروژه‌محور حرکت کند. مسائل واقعی را در دنیای اطراف تعریف و حل کند.

### ● والدین چقدر با روش‌های شما همراه هستند و چه چالش‌هایی در این خصوص دارید؟

چون مدرسه اساساً بر اساس این شیوه طراحی شده، ما بعد از ورود خانواده‌ها به مدرسه، روش مدرسه‌مان را در یک کارگاه اولیه توضیح می‌دهیم. بنابراین، خانواده‌ها با آگاهی از این مدل جدید مدرسه را انتخاب می‌کنند. البته در مدلی که با هم هستیم، همچنان ممکن است سؤال ایجاد شود یا اختلاف‌نظر به وجود آید. اما غالب خانواده‌ها همراه هستند و چالش بزرگی نداریم. چون از اول با این رویکرد و روش جلو

کردیم که تک‌تک بچه‌ها را کشف می‌کند؛ مثلاً اینکه چرا این بچه با حال خوب این کار را انجام نمی‌دهد. معلم‌ها تغییر تفکر را از خودشان شروع کنند. ببینیم کشورمان می‌خواهد از کجا به کجا حرکت کند و من چطور باید ذهنم را تغییر دهم. اگر ذهنم تغییر کند، حتماً روی بچه‌ها و اطرافم اثر می‌گذارد. هر کسی که کشش درونی داشته باشد، می‌تواند تجربه‌های جدیدی برای خود بسازد. معلمی که خودش با نگاه پیدا کردن انگیزه درونی و ارزشمندی بچه‌ها عمل می‌کند، حتماً این تغییر در خودش هم اتفاق می‌افتد. اگر رشد سرمایه‌شناسی در مدرسه اتفاق بیفتد، دوطرفه است. من هر رابطه معلم و دانش‌آموز را این‌طور می‌بینم که رشد دوطرفه دارد و اتفاقاً این رشد در معلم چندبرابر است.



آمده‌ایم و هر کس به ما ملحق شده، با این روش همراهان شده است.

### ● آموزش و پرورش تا چه میزان در زمینه‌سازی تربیت نسلی خلاق، نوآور و کارآفرین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های خود موفق بوده است؟

□ نظام متمرکز دولتی آن‌قدر مسئله‌هایش بزرگ است که نمی‌تواند به چیزهایی که می‌گوید فکر کند. ما نیاز داریم از این همه تمرکز جدا شویم و ساختارهای جدیدی در آموزش و پرورش داشته باشیم. پیشنهادم این است که آموزش و پرورش انعطاف‌پذیری را در خود فراهم کند و به سمت ساختارهای اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کند تا زمینه تحول در مدارس فراهم شود.

### ● به‌عنوان سؤال آخر بفرمایید معلمان در اینکه نسل جدید جامعه‌ای با اشتیاق و انگیزه درونی خودیادگیری را دنبال کند، چه نقشی دارند؟

□ بخشی از این نقش برمی‌گردد به احساس امنیتی که از کودکی به فرد می‌دهید. شما چقدر به فرد باور و احساس ارزشمند بودن می‌دهید. اینکه: «هر تجربه‌ای بکنی، ارزشمندی‌ات فرقی نمی‌کند. من هم در جایگاهی نیستم که تو را قضاوت کنم، فقط می‌خواهم کمکت کنم تا تجربه‌های بهتر برای خودت بسازی»، این همان سرمایه‌شناسی است. انسانی می‌تواند با خودیادگیری حرکت کند که مانع درونی‌اش را برای اشتیاق یادگیری کنار گذاشته باشد. تعداد زیادی از بچه‌ها مانع یادگیری دارند. این کاری است که معلم به‌تنهایی سخت می‌تواند در فضای مدرسه مدیریت کند. ما یک سامانه مشاوره‌ای قوی را در مدرسه راه‌اندازی



# مسیر جدید تربیت اقتصادی

محسن کیالاشکی

فائزه سادات ابراهیمی

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی

کارشناس ارشد کارآفرینی

یکی از ارجمندترین اقدامات در تاریخ نظام تعلیم و تربیت ایران، تهیه و تدوین مبانی نظری برای نظام آموزش و پرورش است، سندی با عنوان مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در آن ضمن تعریف تربیت، برای تربیت همه‌جانبه یا تمام‌ساحتی شش‌جنبه یا ساحت تعریف شده است.<sup>۱</sup> از این رو، اگر فردی را در این شش جنبه تربیت کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم فرد را در مسیر تربیت آرمائی و نیل به حیات طیبه قرار داده‌ایم. به بیان دیگر، تمامی اهداف آموزشی را در زمره این ساحت‌های شش‌گانه قرار داده‌ایم.<sup>۲</sup>

هنگامی که از تقویت روحیه تولید، تربیت شغلی، توانایی کسب حلال، حرفه‌آموزی، کار و فناوری، تربیت علمی، تقویت تفکر فناورانه و نظایر آن صحبت به میان می‌آید، توجه به سمت ساحت‌های تعلیم و تربیت علمی و فناورانه، و اقتصادی و حرفه‌ای معطوف می‌شود.

سال ۱۴۰۱ طبق فرمایش مقام معظم رهبری، با شعار «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال آفرین» مفاهیم دانش‌بنیان و اشتغال آفرین را گوشزد می‌کند. برای تبیین ارتباط نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با تقویت اشتغال آفرینی و دانش‌بنیانی پرسش‌هایی مطرح می‌شوند که از نظرگاه‌های مختلف به آن‌ها می‌پردازیم:

## نظرگاه اول

ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه که در ادبیات آموزش و پرورش دنیا به آموزش فناورانه<sup>۳</sup> شهره است، با ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای که در دنیا به آموزش فنی<sup>۴</sup> شناخته می‌شود، تمایزهایی دارد. این تمایزها با دقت به مفهوم فن آموزشی و فناوری بهتر آشکار می‌شود. جایی که آموختن فن (تکنیک) برای انجام یک کار، حرفه و شغل مشخص و دستیابی به مراتبی از کام‌جویی اقتصادی مطرح است و محور تعلیم و تربیت اقتصادی حرفه‌ای است و در جایی دیگر که فناوری (و نه فن آوری) مطرح است، یعنی به کاربردن یا حتی آفرینش فن یا فنونی خاص به فراخور مسئله. چرا که فناوری آوردن یک فن به‌خصوص و از پیش آموخته‌شده به موقعیت از پیش تعیین‌شده نیست؛ و گرنه املائی صحیح‌تر برای فن آوری بود.

## نظرگاه دوم

پرسش مطرح‌شده این است که آیا تربیت نیروی انسانی برای تولید دانش‌بنیان از وظایف آموزش عمومی است؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا به سراغ تعریف

مفهوم تولید دانش‌بنیان می‌رویم. در دانشنامه آزاد می‌خوانیم: «کالاها و خدمات مورد تأیید از نظر سطح فناوری باید در حوزه فناوری‌های بالا یا متوسط به بالا باشند و دانش فنی طراحی و ساخت نمونه آزمایشگاهی یا تولید محصول دارای پیچیدگی فنی باشد.» این تعریف نشان می‌دهد، دست‌کم در پایان دوره آموزش عمومی و دوازده‌ساله نمی‌توان و نباید انتظار نیل به کسب‌وکار دانش‌بنیان داشت و تربیت نیروی انسانی فعال در تولید دانش‌بنیان را باید به آموزش عالی و مراحل بالاتر تخصصی واگذار کرد؛ اما در یک رویکرد مسئولانه می‌توان فراهم کردن استلزامات این تربیت را از رسالت‌های آموزش عمومی دانست.

به نظر می‌رسد برای تربیت نیروی انسانی دخیل در تولید دانش‌بنیان به تربیت انسان‌هایی فناور نیازمندیم و نه انسان‌هایی فن‌ورز و فنی. از این رو، در جمع‌بندی این پرسش باید گفت، اگرچه تربیت نیروی انسانی دانش‌بنیان به‌طور مستقیم بر عهده آموزش عالی است و نه





آموزش عمومی، اما برای عمل به رسالت تربیت انسان‌هایی برای نظام آموزش عالی در آموزش رسمی عمومی، تربیت فناورانه بر محوریت ساحت علمی و فناورانه، می‌تواند در تولید دانش بنیان نقش مؤثرتری ایفا کند.

اما شاید اشتغال‌آفرینی به رسالت‌های آموزش عمومی (به‌ویژه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش) بسیار نزدیک‌تر باشد. چراکه در تعریف اشتغال‌آفرینی در دانشنامه آزاد می‌خوانیم: «ایجاد شغل<sup>۵</sup> برای بیکاران از طریق استخدام کارگران و کارمندان بیشتر یا ایجاد واحدهای تولیدی، اداری یا خدماتی بیشتر».

سؤال دیگر اینکه برای انجام رسالت اشتغال‌زایی، آموزش یک حرفه مشخص و تربیت تخصصی بر محور ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای کارآمدتر است یا تربیت مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌ها و ایجاد آمادگی برای دریافت آموزش‌های کوتاه‌مدت شغلی - حرفه‌ای پس از پایان دوره آموزش عمومی بر محور ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه؟ در پاسخ به این سؤال، دیدگاه‌های متعدد و گاه متضادی مطرح شده‌اند. برخی با استناد به قوانین و اسناد نظیر ماده ۳ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش<sup>۶</sup> و ماده ۲ بند ۵ قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی<sup>۷</sup>، به دفاع از ساختار کنونی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌پردازند و تغییر محور تعلیم و تربیت را بر نمی‌تابند.

از سوی دیگر، منتقدانی بر محوریت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساختار کنونی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاخته‌اند که خلاصه نقد آن‌ها در سه دلیل خلاصه می‌شود:

دلیل اول: نظام آموزش و پرورش و وظیفه تربیت عمومی و شهروندی را به‌عنوان وظیفه و هدف اصلی بر عهده دارد و تا زمانی که به آن هدف جامعه عمل نپوشانده، سزاوار نیست به اهداف دیگر نظیر تربیت حرفه‌ای و تخصصی شغلی بپردازد.

دلیل دوم: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با وجود هزینه‌های زیاد در تأمین نیروی کار موردنیاز بازار کار، چندان توفیقی نداشته و آن‌چنان که باید برای کشور مفید نبوده‌اند.<sup>۸</sup>

دلیل سوم: بازار کار در عصر کنونی، به دلیل پیوند بسیار با فناوری و در هم تنیدگی با تحولات این عرصه، به شدت

پویا و سریع‌التغییر است و آموزش‌های رسمی به علت سکون ذاتی، توان تطابق خود با نیازهای پی‌درپی نو‌شونده بازار کار را ندارند. بنابراین بهتر است از داعیه تربیت کارگر ماهر، متخصص شغلی یا هر هدف دیگری که گویای تربیت افراد برای حرفه یا شغل خاص باشد، دست بردارند.

### سخن پایانی

با مراجعه دوباره به دو پرسش مطرح‌شده، به نظر می‌رسد سهم آموزش‌های رسمی عمومی و مدرسه‌ای در اشتغال‌آفرینی بیش از دانش‌بنیانی بودن تولید است؛ اگرچه آموزش عمومی در تولید دانش بنیان نیز برای خود رسالتی متصور است که در پرتو تربیت علمی و فناورانه بهتر تحقق خواهد یافت. در بحث اشتغال‌آفرینی نیز، تجربه و آسیب‌شناسی‌های گذشته نشان می‌دهد، تربیت بر محور تربیت اقتصادی و حرفه‌ای توفیق مورد انتظار را به دست نیاورده و لزوم یک تغییر بر محوریت تربیت علمی و فناورانه احساس می‌شود. جمیع این پاسخ‌ها ما را به تفکر جدی‌تر پیرامون تربیت علمی و فناورانه وا می‌دارد. شاید راه برون‌رفت از وضعیت کنونی، جایی در حوالی همین راه حل باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. این شش ساحت عبارت‌اند از: ۱. ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ۲. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ۳. ساحت تربیت علمی و فناورانه؛ ۴. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ۵. ساحت تربیت زیستی بدنی؛ ۶. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری.
۲. برخی معتقدند، ساحت تربیت فضای مجازی و رقمی نیز در آینده نزدیک موضوعیت جداگانه‌ای خواهد یافت.
3. Technological Education
4. Technical Education
5. Job Creation
۶. آموزش علمی عملی (فنی و حرفه‌ای) عبارت است از آموزش‌هایی که فرد را بر مبنای تعلیم مهارت‌هایی که جنبه کاربردی و عملی دارد، برای احراز شغل یا حرفه‌ای معین آماده می‌سازند یا بر کارایی و توانایی افراد شاغل به فنون و حرفه‌ها می‌افزایند.
۷. آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی رسمی: آموزشی است که برای کسب شایستگی‌های حرفه‌ای و شغلی از دوره متوسطه نظام آموزشی و بالاتر توسط وزارت آموزش و پرورش و مؤسسات آموزش عالی از قبیل دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشگاه جامع علمی کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی ارائه و به اخذ مدرک تحصیلی و حرفه‌ای مربوط منجر می‌شود. اتمام موفقیت‌آمیز هر سطح به همراه تجربه‌های واقعی دنیای کار مجوز ورود به سطح بعدی آموزش‌هاست.
۸. طبق گزارش پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (چکیده پژوهش‌های فنی و حرفه‌ای، جلد ششم ۱۳۹۴)، نرخ بی‌کاری در میان فارغ‌التحصیلان شاخه نظری و شاخه فنی و مهارتی چندان متفاوت نیست. (در پژوهشی، البته با نمونه آماری محدود، نرخ بیکاری دانش‌آموزان شاخه نظری ۸۷٫۵ درصد و همین نرخ برای هنرجویان شاخه کاردانش ۸۵٫۷ درصد برآورد شده است).





# کاشی با آشتی

محسن قنبری شهواری



مدیر دبستان وحدت زهوکی میناب

سکینه جنگچی مینایی

آموزگار پایه سوم دبستان وحدت زهوکی

به معنای واقعی، گذشته از تعلیم و تدریس، جست‌وجو و کنکاش در روح دانش‌آموزان برای درک ذوق و استعدادهاى نهفته آنان و رهبری این استعدادها به سوی کمال است.

اما از راه‌های دستیابی به پیشرفت علمی و فرهنگی، آزادی و استقلال کشور، دستیابی به آرمان‌های عالی الهی و انسانی و گسترش و تقویت دانش و بینش نسل امروز و فرداست و این مهم بدون همه‌گیر کردن فرهنگ مطالعه ممکن نیست (لطفی، محمدلو، محمدی، ۱۳۹۵). لذا بر آن شدیم با هدف ترویج کتاب و فرهنگ مطالعه، مطابق با شیوه‌نامه «برنامه ویژه مدرسه» (بوم) و استفاده از ظرفیت‌های بومی و محلی در این زمینه اقداماتی انجام دهیم.

ابتدا طرح در شورای معلمان مطرح شد و همکاران گلایه‌هایی از ضعف خوانداری و پایین بودن اطلاعات عمومی دانش‌آموزان داشتند. این موضوع برای تصمیم‌گیری به شورای مدرسه منتقل و مقرر شد در این راستا با مسئولان کتابخانه‌های عمومی نشست داشته باشیم. در آن نشست، مسئول کتابخانه عمومی سیدالشهدای میناب این مسئولیت را برعهده گرفت که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

- توجیه اولیای دانش‌آموزان؛
- عضویت همه دانش‌آموزان و خانواده‌ها در کتابخانه عمومی سیدالشهدا؛
- تهیه و توزیع کتاب برای دانش‌آموزان، به تفکیک گروه‌های سنی؛
- حضور ماهانه یک‌بار در محل آموزشگاه برای بررسی

امروزه مطالعه کردن یکی از شاخص‌های توسعه و رایج‌ترین محصول فرهنگی کشورها محسوب می‌شود و مطالعه کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی نمایانگر رشد ملی و از نشانه‌های بارز بالندگی فرهنگ و تمدن هر کشور است (سیف، ۱۳۷۰، نقل در فصیحی، ۱۳۹۶).

دین اسلام انسان را به مطالعه و کسب دانش تشویق می‌کند، زیرا همه علوم در نهایت او را به سوی خداوند سوق می‌دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «بگو آیا دانایان با نادانان مساوی‌اند؟ جز این نیست که تنها خردمندان یادآور می‌شوند» (سوره زمر، آیه ۳۹).

درباره اهمیت مطالعه و نقشی که در سازندگی فرد و اجتماع و سرنوشت بشری دارد و اینکه مطالعه می‌تواند چه نقش عظیمی در تعلیم و تربیت ایفا کند، فراوان صحبت شده است و امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با کتاب سروکار نداشته باشد و به این نکته مهم واقف نباشد. شکی نیست که علاقه‌مندی به مطالعه خصلتی است که باید در افراد به وجود آید و مدام تقویت شود تا زمانی که فرد خود بتواند این کار را ادامه دهد. عادت به مطالعه اکتسابی است و باید از همان دوران کودکی در شخص تقویت شود.

با توجه به اینکه یکی از وظایف آموزش و پرورش ایجاد عادت به مطالعه مستمر در دانش‌آموزان است و از طرف دیگر، با توجه به نقشی که مطالعه مدام در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، به اهمیت نقش والدین و مدرسه و جامعه در این مهم پی می‌بریم. هدف آموزش و پرورش



با توجه به موضوعات مورد علاقهٔ اولیا برای آنان هم فراهم کنیم. این کار باعث آن شد این روند متوقف نشود و تا زمان اجرای حضوری برنامه، همچنان ادامه یابد. از نتایج اجرای این طرح عبارت‌اند از:

الف) انس و الفت دانش‌آموزان و اولیا با کتاب؛  
 ب) کسب مهارت خواندن؛  
 ج) افزایش معلومات و گنجینهٔ لغات دانش‌آموزان؛  
 د) آشنایی با ظرفیت‌های کتابخانهٔ عمومی؛  
 و) شرکت دانش‌آموزان در جشنوارهٔ رضوی و کسب رتبه؛  
 ه) حضور پررنگ در مسابقات فرهنگی از جمله جشنوارهٔ رضوی.  
 رتبه.

#### منابع

۱. لطفی مریم، محمدلو، اکرم، محمدی، رباب (۱۳۹۵). اهمیت مطالعه برای کودکان و نوجوانان: کنفرانس منطقه‌ای فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی؛ آسیب‌شناسی و راهکارها.
۲. راهنمای برنامهٔ ویژهٔ مدرسه (۱۳۹۷). شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۰). روش‌های یادگیری و مطالعه. انتشارات رشد. تهران.
۴. اسکندری، فائزه (۱۳۹۰). کودک کتاب‌خوان من. ماهنامهٔ پیام زن. شمارهٔ ۲۳۶. آبان.

فعالیت‌ها (ارزشیابی فرایندی)؛  
 - ارائهٔ فعالیت توسط دانش‌آموزان و اهدای تقدیرنامه و جوایز برای دانش‌آموزان کتاب‌خوان؛  
 - کتاب‌خوانی دانش‌آموزان برای اولیا (قصهٔ شب)؛  
 - تکمیل کتابخانهٔ کلاسی؛  
 - ضبط و تهیهٔ فیلم‌های آموزشی با توجه به محتوای کتاب‌های ارائه‌شده؛  
 - حضور پررنگ در مسابقات فرهنگی از جمله جشنوارهٔ رضوی.

با ظهور بیماری کرونا این روند کتاب‌خوانی تقریباً رها شد و امکان حضور دانش‌آموزان در مدرسه میسر نشد. بازم یکی از دغدغه‌های اولیا و دانش‌آموزان ضعف خوانداری و استفادهٔ زیاد دانش‌آموزان از گوشی، رایانک (تبلت) و بازی‌های برخط بود. در این زمینه، با توجه به مشکل پیش‌آمده، نشست دیگری با مسئول کتابخانهٔ عمومی سیدالشهدای میناب برگزار کردیم. در این جلسه مقرر شد به اتفاق جناب آقای اکبر پرورش، مسئول کتابخانه، در شیفت غیرکاری کتاب‌ها را تهیه و به خانه‌های دانش‌آموزان ببریم. گاهی به دلیل آنکه تعداد دانش‌آموزان زیاد بود، از ظرفیت اولیا نیز برای کمک استفاده کردیم. به‌دلیل آنکه شرایط کرونا پیش‌آمده بوده بود، سعی کردیم کتاب‌هایی را





# کارآفرینی هدفمند



روح اله رضاعلی

سید میثم موسوی

تصویرگر

دستیابی به چنین شرایطی در کشور، به تربیت نسلی نیازمندیم که کارآفرین باشد تا در آینده بتواند در عرصه‌های گوناگون وضعیت تولید را اصلاح کند و با افزودن بر کیفیت تولیدات داخلی و صادرات آن‌ها، ارزآوری را در کشور ارتقا بخشد.

لذا هرگاه بتوانیم در گام نخست نسلی با این ویژگی‌ها تربیت کنیم و در گام‌های بعد با شناسایی افراد مستعد و کارآفرین، آن‌ها را به سمت تولیدات با اولویت هدایت کنیم، فرهنگ کارآفرینی در جامعه نهادینه می‌شود. با این اشاره در می‌یابیم، تربیت کارآفرینی با میزان ارزآوری رابطه دارد. هر کشوری، هرچه میزان صادرات و ارز بالاتری داشته باشد، فرایند کارآفرینی را درست‌تر هدایت کرده است (محبی، ۱۳۹۸).

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی پس از تصویب سند بنیادین با رویکردهای جدید و البته توجه ویژه به

همه انسان‌ها در مقابل تغییرات فناوری رویه واحدی را دنبال نمی‌کنند. عده‌ای با آن مقابله می‌کنند، عده‌ای بی تفاوت هستند، عده‌ای همراه می‌شوند و عده‌ای هم به این موقعیت به‌عنوان یک فرصت می‌نگرند و از آن انواع فرصت‌های کسب و کار را ایجاد می‌کنند.

در حالت خاص، کارآفرینان افرادی هستند که با خلاقیت و نوآوری عامل تغییرات هستند و تغییراتی اساسی را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فناوری ایجاد می‌کنند. برای مثال، افرادی که تغییرات فناوری را باعث شده‌اند، کارآفرینان ناب هستند. این افراد نیازآفرینی می‌کنند. نیازآفرینی نیازمند پیش‌بینی آینده است. این افراد با تحلیل درست تغییرات اجتماعی و اقتصادی، ضمن نوآوری در فناوری‌های موردنظر، فضای کسب و کار جدیدی طراحی می‌کنند.

## حال سؤال اینجاست: آیا مدرسه‌ها و خانواده به دنبال تربیت نسلی کارآفرین هستند یا کارمند؟

اما رویکرد غالب بر فعالیتهای مدرسه‌ها و خانواده‌ها تربیت برای کارمند شدن است. تغییر این رویکرد به تغییر فرهنگ آموزش و ارزشیابی از محتوا، به موقعیتهای واقعی زندگی و شغلی نیاز دارد. به عبارت دیگر، لازم است به تربیت مهارت‌های کارآفرینی توجه شود. در مجموع، با تحلیل درست شرایط اقتصادی کشور و حتی جهان به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد آموزش و پرورش باید از رویکرد تربیت کارمندمحوری به تربیت کارآفرین‌محوری تغییر یابد (البته در پیوند با ارزش‌های دینی و ملی). این رویکرد با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منطبق است. زیرا لازمه تقویت اقتصاد مقاومتی، تولید و صادرات است. برای



ساحت‌های تربیت، اهداف دوره‌های تحصیلی را تغییر داد و اصلاح کرد. در مصوبه ۹۵۲ جلسه شورای عالی آموزش و پرورش این اهداف متناسب با ویژگی‌ها و شرایط سنی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌های دستیابی به شایستگی‌های پایه و همچنین توجه به رشد متوازن و همه‌جانبه دانش‌آموزان تدوین شده‌اند و یکی از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت ساحت اقتصادی و حرفه‌ای است که در اینجا نگاهی اجمالی به این هدف خواهیم داشت.

در دوره اول ابتدایی تلاش می‌شود نظام آموزشی در برنامه‌های درسی و تربیتی خود، دانش‌آموزان را با مفاهیم پایه اقتصاد مانند فایده، هزینه، مصرف و روش‌های مصرف بهینه در زندگی شخصی و خانوادگی آشنا کند. همچنین، با کسب مهارت‌های ساده کارآفرینی قدرت تخیل و خلاقیت خود را برای تولید محصول یا خدمتی به کار گیرد. در دوره دوم ابتدایی مباحث کمی گسترده می‌شوند و دانش‌آموزان با کسب مهارت‌های اصلی کارآفرینی، تولید یک محصول یا خدمت و نتایج آن را تحلیل می‌کنند. همچنین، با مفاهیم اخلاقی در اقتصاد نیز آشنا می‌شوند که می‌توان به کتاب کار و فناوری به‌طور خاص در پایه ششم اشاره کرد. اما در دوره متوسطه اول که در واقع یکی از شرایط حساس برای دانش‌آموزان و اساسا جامعه است، این اهداف گستره بیشتری پیدا می‌کنند. دانش‌آموز باید درک کند و توانمند شود که برای انتخاب مسیر شغلی آینده خود برنامه‌ریزی کند. یعنی اهداف دوره اول متوسطه در این ساحت تربیتی، شناخت حرفه‌ها و مشاغل و کسب صلاحیت‌های فنی پایه

در تولید و عرضه محصول متناسب با علاقه‌ها، استعدادها و جنسیت است.

با توجه به رشد سریع فناوری و تغییرات اجتماعی و اقتصادی پیچیدگی‌های دنیای کار و همراه ظهور چالش‌ها و مفاهیمی از قبیل آموزش مستقل و مادام‌العمر و آموزش برای همه، کار شایسته، جهانی‌سازی و رسیدن به شاخص‌ها و استانداردهای توسعه، به‌ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ضرورت دارد افراد در هر بخشی از زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خود به‌طور مستمر دانش، مهارت و نگرش خود را توسعه دهند و در جامعه جدید زندگی و کار هدفمندی داشته باشند. آموزش و مهارت‌آموزی سبب پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری و تسهیل مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. در نهایت آموزش و مهارت‌آموزی و البته کارآفرینی سبب افزایش درآمد و کاهش فقر می‌شود. محصول این آموزش‌ها افزایش دانش و مهارت رشد شناختی اقتصادی و توسعه اجتماعی است که سرمایه‌گذاری در آن، سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی می‌شود. طبق اسناد تحولی، مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ تجلی‌بخش کارآفرینی است و یکی از اهداف کلان آن نیز تربیت انسان است؛ انسانی که ۳۰ ویژگی اصلی دارد و یکی از آن‌ها خلاق و کارآفرین بودن است. این انسان با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر، و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران، در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانه مشارکت می‌کند.

در مورد استفاده از ظرفیت اردو و توجه به موضوع کارآفرینی در سند تحول بنیادین، راهکارهایی آمده‌اند: در راهکار ۶-۱ آمده است: گسترش و تنوع‌دادن به حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه یا راهکار ۵-۶ تنظیم و اجرای برنامه جامع کارآفرینی و مهارت‌آموزی برای تمامی دوره‌های تحصیلی، به‌ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه باید از جمله راهبردهای نظام آموزشی باشد. راهکار ۶-۶ نیز به ایجاد شبکه‌ای از محیط‌های یادگیری اشاره دارد که اردوگاه‌ها و مراکز کارآفرینی از جمله آن‌ها هستند. همچنین، در راهکار ۲۸ نیز به استفاده از ظرفیت اردوها اشاره شده است.

می‌توان نتیجه گرفت، یکی از مختصات مدرسه مطلوب، استاندارد و اساسا صالح، تحقق اهداف کارآفرینی و استفاده از ظرفیت اردوهای



آموزشی است. حال سؤال این است که آیا می‌توان نگاهی تجمیعی به اردوهای دانش‌آموزی و کارآفرینی داشت؟ آیا این امکان وجود دارد که موضوع و اهداف کارآفرینی را به نوعی تجلی اهداف ساحت اقتصادی و حرفه‌ای از طریق ظرفیت اردوهای آموزشی دانست؟

یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه‌ صالح که در سند تحول بنیادین به آن اشاره شده است، موضوع مشارکت و همکاری در این مدرسه است، چرا که انسان در جامعه متولد می‌شود و در جامعه رشد می‌کند. تربیت او نیز باید اساساً اجتماعی باشد. لذا فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت دانش‌آموزان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط‌های تربیتی باید به جای تأکید بر مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضای رفاقت سالم و تعاون سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش روی آورند.

بنابراین، مدرسه‌ صالح وضعیتی است که شکل ساده‌ای از حیات طیبه را به ظهور می‌رساند تا دانش‌آموزان آن را تجربه کنند. می‌توان گفت، مدرسه وضعیتی سازمان‌یافته برای انجام‌دادن رفتارهای اخلاقی و هنجارها و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، همکاری در مدرسه در دو بعد درونی و بیرونی نمود پیدا می‌کند. در بعد درونی این همکاری بین دانش‌آموزان و معلمان انجام می‌شود و در بعد بیرونی، مدرسه در واقع بخشی از جامعه محلی متناسب با ویژگی‌های خاص است. نوع مشارکت، علاوه بر اینکه فرصت‌های تربیتی را برای مدرسه توسعه می‌دهد، باعث می‌شود مدرسه محور توسعه محلی تلقی شود و نقش اصلی را در هدایت تغییرات اجتماعی برعهده گیرد. یکی از جلوه‌های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه اردوی دانش‌آموزی است که فعالیتی آموزشی و تربیتی و یک رسانه آموزشی محسوب می‌شود و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیا و مردم تجربه علمی و عملی به‌دست آورند.

در سند تحول بنیادین، مدرسه موقعیتی است که دانش‌آموز می‌تواند در آن حرفه آینده خود را شناسایی، ارزیابی و برای کسب و کار و نقش‌آفرینی اقتصادی در آینده برنامه‌ریزی کند. با نگاهی اجمالی به اهداف دوره‌های

تحصیلی در ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نیز متوجه می‌شویم که مدرسه باید فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی را سازمان‌دهی کند که دانش‌آموزان با مفاهیمی مثل کار، کارآفرینی و اشتغال، درآمد و اساساً مفاهیم اصلی و پایه اقتصادی آشنا شوند و برای ورود به جامعه و زندگی در گروه اجتماعی آمادگی لازم را کسب کنند.

«طرح» اردوی کارآفرینی مدارس» به‌عنوان یک رویداد آموزشی تجربی<sup>۱</sup> به مدیران و معلمان پیشنهاد می‌شود؛ اردویی که به‌دنبال آموزش و ترویج کارآفرینی با رویکرد عملی در مدرسه‌هاست و در قالب آن برنامه‌های ترویجی، آموزشی و مشاوره‌ای در مدرسه اجرا می‌شوند. این طرح نگرش کارآفرینانه را بین جامعه دانش‌آموزی ترویج می‌دهد تا دانش‌آموزان این نکته را فراگیرند که در هر مرحله از آموزش باید به دنبال این باشند که ایده‌های خلاقانه‌ای را برای راه‌اندازی کسب و کار در ذهن داشته باشند. برای اجرای طرح، پس از انتخاب زمانی برای برگزاری اردو، در صورتی که معلم به موضوع علاقه‌مند باشد، مسئولیت اجرا را عهده‌دار می‌شود. در غیر این صورت از یک تسهیلگر یا مدرس کارآفرینی بومی استفاده می‌شود. معلم یا تسهیلگر باید در دوره آموزشی و توجیهی طرح شرکت کند.

دانش‌آموزان با تسهیلگری و همراهی معلم یا تسهیلگر در برنامه‌های ترویجی مثل آشنایی با کارآفرینان، مسابقه با موضوع کارآفرینی، پخش فیلم و بازدید از شهرک‌های صنعتی، نسبت به موضوع کارآفرینی و کسب و کار علاقه‌مند می‌کند. هم‌زمان تعدادی از دانش‌آموزان علاقه‌مند از هر کلاس شناسایی و آموزش‌های کارآفرینی و کسب و کار را با زبان ساده فرا می‌گیرند. یکی از آموزش‌های مهم این طرح شرکت در رویداد طراحی مدل تمرین کسب و کار دانش‌آموزی است که دانش‌آموزان در آن در قالب تیم‌های کسب و کار ایده‌پردازی می‌کنند. فعالیت‌های ترویجی و آموزش‌ها نیز توسط معلمان یا تسهیلگران آموزش دیده ارائه می‌شوند.

#### پی‌نوشت

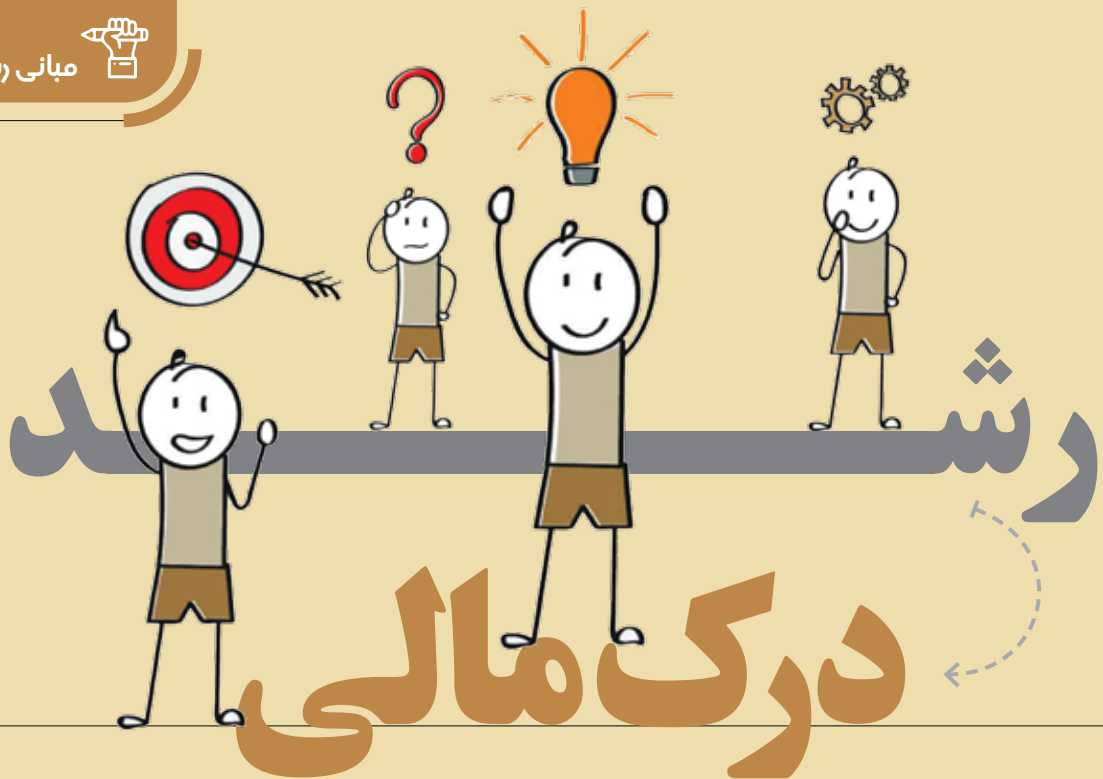
#### 1. Experiential Education

#### منابع

۱. محبی، عظیم (۱۳۹۸). تربیت مهارت‌های تفکر و کارآفرینی در مدرسه. مؤسسه مدارس یادگیرنده مرآت، تهران.
۲. مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.







دکتر مینا خداپناه



دکتر نعمت‌اله موسی‌پور



عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

توانایی استفاده از حواس و اعمال خود برای درک جهان پیرامون استفاده می‌کنند.

### ۲. مرحله پیش‌عملیاتی (از دو تا هفت سالگی)

علت نام‌گذاری این مرحله به پیش‌عملیاتی آن است که کودک هنوز بر عملیات ذهنی تسلط نیافته است. به سخن دیگر، کودکان در این مرحله به تفکر عملیاتی یا تفکر منطقی قادر نیستند. بنا به باور پیاز، کودک در این مرحله از رشد، اندیشیدن در قالب نمادها را آغاز می‌کند. از ویژگی‌های این مرحله خودمحوری و جاندارانگاری اشیاء و امور در کودکان است.

### ۳. مرحله عملیات عینی یا محسوس (از هفت تا یازده سالگی)

منظور از عملیات عینی یا محسوس تفکر بر حسب اعمال و موقعیت‌های عینی و واقعی است. در این مرحله از رشد، کودک توانایی انجام اعمال منطقی با امور محسوس و عینی را به دست می‌آورد. کودک در این مرحله با مفاهیم (بقای عدد، بقای طول، بقای ماده، بقای سطح و بقای مایع) آشنا می‌شود. طبقه‌بندی کردن، بازگشت‌پذیری، ردیف کردن، این‌همانی، جبران و نبود تمرکز (تأکید بر آشکارترین جنبه ادراکی اشیاء، مثلاً ارتفاع و نادیده گرفتن جنبه‌های مهم دیگر آن که چندان آشکار نیستند، مانند عمق یا پهنا) از دیگر ویژگی‌های شناختی کودک در مرحله عملیات عینی به شمار می‌روند.

پژوهشگران بر این باورند که افراد از سنین خردسالی تصمیم‌گیری‌هایی را آغاز می‌کنند که ماهیت اقتصادی دارند. قدرت تفکر و استدلال اقتصادی، چارچوبی برای این تصمیم‌گیری‌هاست و تفکر انتقادی حاصل از آن، فرد را به نحوی تربیت می‌کند که در فرایند تصمیم‌گیری، به‌جز توجه به اثرات کوتاه‌مدت تصمیم خود، اثرات بلندمدت و نتایج احتمالی غیرقابل پیش‌بینی و ناخواسته را در نظر بگیرد. کودکان شش ساله می‌توانند در کمی پایه‌ای از بانک‌ها، سپرده‌ها و برداشت‌ها داشته باشند و برای آینده، اهداف مالی را به‌منظور کنترل هزینه‌ها در نظر بگیرند. کودکان در سنین دوره ابتدایی قادرند مفاهیمی مانند کمبود، تولید، تخصص، صرفه‌جویی، توزیع، تقاضا و عرضه، کسب و کار، پول و دادوستد کالا را درک کنند. در این نوشتار رشد درک مالی کودکان مورد توجه قرار گرفته است.

از نظر پیاز، تشابه زیادی میان رشد جسمانی و رشد ذهنی فرد وجود دارد، زیرا همان‌گونه که رشد جسمانی به تدریج به وقوع می‌پیوندد، رشد ذهنی نیز باید مراحل متعددی را پشت سر بگذارد تا کامل شود. در ادامه، مراحل رشد شناختی کودک از نظر پیاز به اختصار بیان شده‌اند:

### ۱. مرحله حسی - حرکتی (از تولد تا دو سالگی)

شناخت کودک در دو سال اول زندگی به‌طور عمده از راه حواس و درگیری فیزیکی و حرکتی با محیط تحول می‌یابد. منظور از حسی و حرکتی این است که کودکان در این مرحله، از



#### ۴. مرحله عملیات صوری یا انتزاعی (از یازده تا پانزده سالگی)

اندیشه‌های کودکان در این مرحله، علاوه بر اشیای محسوس، موارد احتمالی و فرضی را نیز شامل می‌شود. لذا کودکان در این مرحله قادر می‌شوند تفکر عملی مبتنی بر روش «فرضیه‌ای قیاسی» را به کار بندند؛ یعنی می‌توانند به طرح فرضیه بپردازند و بدون نیاز به مراجعه به اشیای محسوس، به واری فرضیه خود اقدام کنند (سیف، ۱۳۹۹). در طی مراحل رشدی پیوسته، درک مفاهیم اقتصادی و مالی در کودکان رشد می‌کند. آن‌ها می‌توانند مفاهیم گوناگون مالی را در سنین بسیار پایین، شاید در اوایل چهارسالگی یا پایین‌تر درک کنند (Holden, Kalish, Scheinholtz, Dietrich & Novak, 2009). کودکان در سن شش‌سالگی و با رسیدن به دوره ابتدایی می‌توانند درکی پایه‌ای از عملکرد بانک‌ها، سپرده‌ها و برداشت‌ها داشته باشند و برای آینده، اهداف مالی را برای کنترل هزینه‌ها در نظر بگیرند (Otter, 2010). همچنین، در این سن، قادرند مفاهیم اساسی اقتصادی مانند کمبود، تولید، تخصص، مصرف، پس‌انداز، توزیع، تقاضا و عرضه، پول و تجارت را درک کنند (Sherraden, Johnson, Guo, & Elliott, 2011). برخی از این موارد عبارتند از: پول در زندگی افراد اهمیت دارد، هر اسکناس ارزش خاص خود را دارد؛ اسکناس‌ها قابل تبدیل به یکدیگر هستند، در هنگام خرید باید به کیفیت کالا توجه کرد، با پس‌انداز می‌توان خواسته‌های مهم‌تری را فراهم کرد، برآوردن نیازهای ضروری بر نیازهای غیرضروری ارجحیت دارد، پیام‌های بازرگانی برای فروش بیشتر کالاها پخش می‌شوند، انجام کارها و مسئولیت‌های شخصی به دستمزد نیازی ندارد، بانک مکانی برای پس‌انداز پول است (سلحشور، ۱۳۹۱).

اگرچه مراحل رشد بر درک مفاهیم مالی کودکان تأثیر می‌گذارد، جامعه‌پذیری و قرارگرفتن در معرض مفاهیم مالی و اقتصادی نیز اهمیت دارند. جامعه‌پذیری مالی فرایندی است که در آن کودکان ارزش‌ها، نگرش‌ها، معیارها، هنجارها، دانش و رفتارهایی را که به بهزیستی و رفاه مالی آن‌ها کمک می‌کند، کسب می‌کنند و توسعه می‌دهند. طیف گسترده‌ای از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، از جمله خانواده، همسالان، معلمان، رسانه‌ها و فرهنگ، جامعه‌پذیری مالی کودکان را شکل می‌دهند (Lanz, Sorgente, 2019 & Danes; Zhu, 2019). به‌ویژه خانواده‌ها، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری جامعه‌پذیری اقتصادی و مالی فرزندان خردسال اثر می‌گذارند (Sundarasan, Rahman, Othman & Danaraj, 2019).



تحقیقات نشان می‌دهند، کودکانی که والدین آن‌ها فرصت یادگیری پول را برای آن‌ها فراهم می‌کنند، نسبت به کودکانی که والدین آن‌ها این کار را انجام نمی‌دهند، درک بیشتری از پول دارند. کودکان همچنین هنگامی که «تجربه‌های اقتصادی شخصی» دارند، درک مالی و اقتصادی را بیشتر رشد می‌دهند. برای مثال، منابع و مبالغ پولی که کودکان کنترل می‌کنند، بر یادگیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Sherraden, Johnson Guo & Elliott, 2011). پژوهش‌های فرهنگی در کشورهای متعدد نشان می‌دهند، کودکانی که در زندگی اقتصادی مشارکت دارند و آموزش بیشتری دریافت می‌کنند، در مورد مفاهیم اقتصادی در سنین پایین از آگاهی بیشتری برخوردارند (Holden, Kalish, Scheinholtz, Dietrich & Novak, 2009). وضعیت اجتماعی نیز بر اعتقادات، نگرش‌ها و ارزش‌های اقتصادی اثر می‌گذارد و به سطوح مختلف دانش و رفتار مالی منجر می‌شوند (Bowman, 2011). پژوهش‌ها نشان داده‌اند، خانواده‌هایی که سرپرست جوان‌تر با تحصیلات و ثروت کمتر دارند و جزو اقلیت به حساب می‌آیند، احتمالاً معاملات کمتری دارند. این شرایط باعث می‌شود کودکانی که در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند، در معرض خدمات مالی کمتری قرار گیرند و در نتیجه سواد مالی کمتری داشته باشند (Bucks, Kennickell & Moore, 2006).

یکی از راه‌های مؤثر برای آگاهی از سواد مالی، یادگیری و آموزش زود هنگام است. بر اساس یافته‌های پژوهشی پیشین، هر چه آموزش سواد مالی از سن پایین‌تری آغاز شود، مؤثرتر خواهد بود (Carlin & Robinson, 2019). همسو با این نتایج، هولدن و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند، عادت‌ها و رویه‌هایی که در مورد دریافت پول، هزینه و پس‌انداز به کودکان خردسال آموزش داده می‌شود، می‌تواند پایه و اساس روش‌های مدیریت پول در بزرگسالی باشد (Holden, Kalish, Scheinholtz, Dietrich & Novak, 2009).

در مجموع، شواهد پژوهشی نشان می‌دهند، کودکان خردسال می‌توانند مفاهیم اقتصادی و مالی را در اوایل دبستان و قبل از آن فرا بگیرند. اگرچه خانواده در جامعه‌پذیری مالی کودکان نقش اصلی را بر عهده دارد، اما کودکان می‌توانند مفاهیم مالی را از طریق آموزش، از جمله آموزش مالی در مدرسه فرا بگیرند. مدرسه‌ها بستری ایده‌آل برای آموزش‌های مالی به شمار می‌روند، زیرا بیشتر کودکان (حداقل تا ۱۶ سالگی) در مدرسه شرکت می‌کنند. علاوه بر این، مدرسه‌ها یک مأموریت آموزشی دارند. آن‌ها برای کودکان در هر سنی و سطح درآمد قابل دسترس هستند. بنابراین، صاحب‌نظران پیشنهاد داده‌اند، بهتر است آموزش سواد مالی از دوره پیش‌دبستانی آغاز شود و زمینه‌سازی

برای درک مطلوب مفاهیم مالی و اقتصادی انجام شود.

## روش‌های آموزش سواد مالی در مدرسه‌های ابتدایی

انتخاب روش تدریس از مهم‌ترین مراحل برنامه‌ریزی درسی است. با توجه به اهمیت روش‌های آموزش در فرایند یادگیری، معلم بعد از انتخاب محتوا و پیش از مشخص کردن وسیله، باید نسبت به گزینش خط‌مشی و روش مناسب آموزش اقدام کند (زارعی، میرشاه جعفری و لیاقت‌دار، ۱۳۹۶). در روش‌های یاددهی-یادگیری، مواردی چون نحوه ارائه دانش، تغییر نگرش و آموزش مهارت‌های موردنظر توسط معلم به دانش‌آموز، چگونگی ارتباط معلم با یادگیرنده، نحوه استفاده از امکانات و تجهیزات در فرایند آموزش، نحوه و میزان مشارکت یادگیرنده در یادگیری، چگونگی ارتباط یادگیرندگان با یکدیگر، محیط، مواد و با وسایل و امکانات آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد (میرزاییگی، ۱۳۹۷).

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، آموزش سواد مالی با استفاده از روش‌هایی مانند نشر کتاب‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی مانند وبگاه‌های آموزشی و برنامه‌های تلویزیونی اجرا شده است. شبیه‌سازی رخدادهای مالی و قراردادن یادگیرندگان در معرض این شرایط، یکی از شیوه‌های آموزش سواد مالی است که در رویارویی با مسائل مالی در شرایط فرضی به افراد کمک می‌کند.

یکی دیگر از روش‌های آموزش سواد مالی، استفاده از نرم‌افزارهای تلفن همراه و رایانه است. همچنین ایجاد فرصت برای دانش‌آموزان به منظور تمرین تصمیم‌گیری در امور مالی و اقتصادی می‌تواند روشی مؤثر برای آنان باشد که از آزمایش و خطا درس بگیرند و دانش و مهارت‌های خود را تقویت کنند. روش بحث گروهی و روش پرسش و پاسخ، دستورالعمل‌های مستقیم، تمرین‌های روزانه و نمایش، کاربرد ادبیات مناسب کودکان، اشعار، ترانه‌ها و انواع هنرها و بازی‌ها نیز از دیگر روش‌های آموزش سواد مالی هستند (Cerya, Tasman, & Rahmi, 2020).

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که محیط اجتماعی و اقتصادی کودکان به شکل‌گیری باورهای اقتصادی، نگرش‌ها و ارزش‌ها و همچنین دانش و رفتار کمک می‌کند. اعتقاد بر این است که برنامه درسی در مدرسه امکانات لازم برای توسعه مهارت‌ها، دانش و طرز رفتارهای مناسب موردنیاز در زمینه سواد مالی را فراهم می‌کند (ممشلی، ۱۳۹۲). ابزار مشخصی که باید برای آموزش سواد مالی به کار رود، شامل برنامه‌های درسی آموزش مالی برای کلیه سطوح رسمی آموزش نظام، آموزش معلمان و سایر ارائه‌دهندگان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای گروه‌های هدف، ایجاد یک وبگاه ملی، چاپ نشریات گوناگون و کتاب‌های راهنمای شخصی برای مدیریت امور مالی عمومی،

تهیه برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و غیره می‌شود.

## پی‌نوشت

### 1. personal economic experiences

#### منابع

۱. زارعی، محمدحسین؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۹۶). تبیین رویکردهای یاددهی-یادگیری و ارزشیابی مناسب برای برنامه درسی رشد حرفه‌ای مربیان پیش‌دبستانی. رویکردهای نوین آموزشی. ۱۲ (۲).
۲. سلحشور، ماندانا. (۱۳۹۱). آموزش ارزش پول و مدیریت مالی به کودکان و نوجوانان. تهران: پنجره.
۳. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
۴. ممشلی، محمد. (۱۳۹۲). نیازسنجی برنامه درسی سواد مالی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی از دیدگاه استادان برنامه درسی و کارشناسان مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. میرزاییگی، علی (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی. انتشارات بسطرون. تهران.
6. Bowman, S. W. (2011). Multigenerational interactions in black middle class wealth and asset decision making. *Journal of Family and Economic Issues*, 32(1), 15-26.
7. Bucks, B. K; Kennickell, A. B; & Moore, K. B. (2006). Recent changes in U.S. family finances: Evidence from the 2001 and 2004 Survey of Consumer Finances. *Federal Reserve Bulletin*, 92(Febuary), A1-A38.
8. Carlin, B. I; & Robinson, D. T. (2012). What does financial literacy training teach us?. *The journal of economic education*, 43(3), 235-247.
9. Cerya, E; Tasman, A; & Rahmi, E. (2020, March). Fillecya (Financial Literacy) Board: Analysis of Media Development Needs from the Teacher's Perspective in Understanding Financial Literacy Early. In 4th Padang International Conference on Education, Economics, Business and Accounting (PICEEBA-2 2019) (pp. 509-515). Atlantis Press.
10. Holden, K; Kalish, C; Scheinholtz, L; Dietrich, D; & Novak, B. (2009). Financial literacy programs targeted on pre-school children: Development and evaluation. Credit Union National Association (CUNA). Retrieved July 20 from [http://www.cunapfi.org/download/168\\_CUNA\\_Report\\_PHASE\\_ONE\\_FINANCIAL\\_4-28-9.pdf](http://www.cunapfi.org/download/168_CUNA_Report_PHASE_ONE_FINANCIAL_4-28-9.pdf).
11. Johnson, E; & Sherraden, M. S. (2007). From financial literacy to financial capability among youth. *J. Soc. & Soc. Welfare*, 34, 119.
12. Lanz, M; Sorgente, A; & Danes, S. M. (2019). Implicit family financial socialization and emerging adults' financial well-being: A multi-informant approach. *Emerging Adulthood*, 2167696819876752.
13. Otter, D. (2010). Teaching financial literacy in K-12 Schools: A survey of teacher beliefs and knowledge.
14. Sherraden, M. S; Johnson, L; Guo, B; & Elliott, W. (2011). Financial capability in children: Effects of participation in a school-based financial education and savings program. *Journal of Family and Economic Issues*, 32(3), 385-399.
15. Sundarasan, S. D. D; Rahman, M. S; Othman, N. S; & Danaraj, J. (2016). Impact of financial literacy, financial socialization agents, and parental norms on money management. *Journal of Business Studies Quarterly*, 8(1), 137.
16. Zhu, A. Y. F. (2019). School financial education and parental financial socialization: Findings from a sample of Hong Kong adolescents. *Children and Youth Services Review*, 107, 104532.







# حرمت کار

الهام مقبسه



حَقُّهُ وَ بَيِّنَ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ، أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ وَ حَجِيجٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ. عمل، عمل. سپس عاقبت، عاقبت. پایداری، پایداری. آن گاه صبر، صبر. پاکدامنی، پاکدامنی. قطعاً برای شما پایانی است. خود را به آن برسانید. و شما را نشانه‌ای است. به آن هدایت جویید. و اسلام را هدفی است، به آن برسید. با انجام آنچه خداوند از حق خود بر شما واجب کرده و تکالیفی که برای شما بیان داشته، به خداوند روی آورید. من شاهد شمایم و روز قیامت به نفع شما اقامه حجت می‌کنم.

این شعار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است: کار، کار. و آنگاه «التَّهَيَّأَةِ» یعنی به سرانجام رساندن کار. یکی از مشکلات ما این است که کار را گاهی شروع می‌کنیم، ولی نیمه می‌ماند. امروز در کشور، یکی از مسائل ما، طرح‌های نیمه‌تمام ماست. کار را به نهایت نرساندن، یکی از عیوب کار ماست. اینجا امیرالمؤمنین می‌فرماید، کار و به سرانجام رساندن کار. بنابراین، این معنای عمومی کار است. این مخصوص کار به معنای اقتصادی آن نیست. کار عملی است. کار دینی است. کار دنیایی است. کار دسته‌جمعی است. کار سیاسی است. کار جهادی است. این عمل، همه‌جور

کار در اسلام به دو معناست؛ کار به معنای عام، شامل کار معنوی، دنیایی، اخروی، اقتصادی، فکری، جسمی، بدنی و در مجموع، کار یعنی همان عمل. کار به معنای خاص، یعنی فعالیت اقتصادی که امروز مسئله کار و کارگر است و به معنای ویژه خود در دنیا مطرح است.

درباره معنای اول که معنای عمومی است، در قرآن این‌گونه اشاره شده است: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، آیه ۳۹): برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. سعی و تلاشی که در ابتدا میان کافر و مسلمان فرقی برای آن نیست. «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء، آیه ۲۰): همه را، چه آن گروه را و چه این گروه را، از عطای پروردگارت پی‌درپی خواهیم داد، زیرا عطای پروردگارت را از کسی باز ندارند. علی (علیه‌السلام) در این زمینه فرموده‌اند: الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ

التَّهَيَّأَةِ التَّهَيَّأَةِ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶). الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ التَّهَيَّأَةِ التَّهَيَّأَةِ، وَ الْأَسْتِقَامَةَ الْأَسْتِقَامَةَ، ثُمَّ الصَّبْرَ الصَّبْرَ، وَ الْوَرَعَ الْوَرَعَ. إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَأَنْتَهُوا إِلَيَّ نَهَايَتِكُمْ، وَ إِنَّ لَكُمْ عِلْمًا فَاهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ، وَ إِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَأَنْتَهُوا إِلَيَّ غَايَتِهِ، وَ اخْرُجُوا إِلَيَّ اللَّهُ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ



کاری را شامل می‌شود. در قرآن هم شما ملاحظه می‌کنید: «عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ» چقدر تکرار شده است. الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛ وَ عَمِلْ صَالِحًا. «عمل» در قرآن تکرار شده و بحث عمل به طور مکرر آمده است.

نقش معلمان در ایجاد این نگرش بسیار حائز اهمیت است. وانهادن تکالیف و مأموریت‌ها به دانش آموز و مطالبه عمل به تکلیف و متناسب آن پاداش در نظر گرفتن می‌تواند این نگرش را در جامعه تعدیل کند. تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان نیز می‌تواند شهروندانی کارآمد تحویل جامعه دهد.

کار به معنای عام همان تلاش است؛ چه در زمینه مسائل دینی و پاداش اخروی، چه در زمینه مسائل دنیایی، چه در مقوله مسائل مهم کشوری، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی. باید کار کرد. دنبال کار باید بود. نتیجه کار را باید مطالبه کرد.

و کار به معنای دوم، که معنای اقتصادی است هم در اسلام مطرح است. اینکه پیغمبر اکرم (ص) دست کارگر را می‌گیرد و می‌بوسد، این خیلی چیز مهمی است. یا پیغمبر اکرم می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ»

عَمَلًا أَحْكَمَهُ»: خداوند متعال دوست دارد هرگاه فردی از شما کاری می‌کند، آن را درست (بی‌عیب) انجام دهد. وقتی فردی کاری را با احساس مسئولیت انجام می‌دهد، آن را دوست می‌دارد. بنابراین، در اسلام مقوله کار به هر دو معنا مطرح است.

تکیه بر توان داخلی، کارآفرینی، انجام‌دادن کارهای سخت، گرایش به کارهای گروهی و جمعی از دیگر مؤلفه‌های فعالیت‌های هستند که باید به‌درستی در جامعه تبیین شوند و اساس این جهاد در مدرسه است. ایجاد فرهنگ کار و تلاش برای خدا می‌تواند مسیر ما را تا رسیدن به قله‌های پیشرفت هموار کند.

حرمت و احترام به کار بسیار مهم است. این نگاه اسلام است. همه چیز بر پایه این تکریم و احترام باید شکل بگیرد. اگر ما چیزی به نام حقوق کارگر و منزلت کارگر تعریف می‌کنیم، براساس همین احترام به کار و حرمت به کارگر باید باشد. واقع قضیه هم این است که تمدن‌های بشری و پیشرفت‌های مادی عالم در همه دوره‌ها، و همچنین پیشرفت معنوی و روحی و درونی هر انسان، جز با کار فراهم‌شدنی نیست.



# مدرسهٔ مهارت

گفت‌وگو با سید حسن و کیلی

معاون آموزشی و پرورشی مجتمع فرهنگی آموزشی پسرانهٔ معلم

گفت‌وگوکننده: لیلا صمدی



## اشاره

مجتمع فرهنگی آموزشی پسرانهٔ معلم از ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۹ تأسیس شده است. این مجتمع اکنون دانش‌آموزان پیش‌دبستان تا پایان پایهٔ دوازدهم را تحت پوشش قرار داده است. این مجتمع یک مرکز مهارت‌آموزی دارد که بیش از ده سال از شروع فعالیت آن می‌گذرد. نظر به اهمیت مهارت‌آموزشی، با آقای و کیلی گفت‌وگویی انجام شده است که در ادامه می‌خوانید:

### ■ برای آینده چه برنامه‌هایی را اجرا می‌کنید؟

ما اکنون در سه کارگاه و دو پایگاه (سایت) رایانه‌ای، رشته‌های متعدد مهارتی را آموزش می‌دهیم. متناسب با سن و توان بچه‌ها و جذابیت‌های سرفصل‌های مهارتی، سه بخش عمدهٔ «فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های فنی و فعالیت‌های رایانه‌ای» را در نظر گرفتیم و سرفصل‌هایی آموزشی تدوین کردیم. در این مدت، حدود پنج نمایشگاه در داخل مجتمع برای نمایش دستاوردهای دانش‌آموزان برگزار کردیم. یک نمایشگاه نیز در مصلاهی تهران، همراه با سایر مدرسه‌های غیردولتی، برگزار کردیم. جلسات کارگاهی هر پایه در دو نوبت در سال تحصیلی برگزار می‌شوند. در هر نوبت، دانش‌آموزان هر پایه دو ساعت در هفته در مرکز مهارت‌آموزی آموزش می‌بینند. بچه‌ها در هر پایهٔ تحصیلی در نوبت اول یکی از مهارت‌های پیشنهادی را انتخاب می‌کنند و در ۱۲ جلسه آموزش می‌بینند. در نوبت دوم مهارت دیگری را انتخاب و دنبال می‌کنند. در مجموع، بچه‌ها از پایه‌های اول تا یازدهم حداقل ۲۲ مهارت را متناسب با علاقه‌شان یاد می‌گیرند. از کاغذتا (اوریکامی) و نقاشی گرفته تا ساخت

### ■ چه نیاز یا ضرورتی احساس کردید که مرکز مهارت‌آموزی را برای دانش‌آموزان مدرسه راه‌اندازی کردید؟

آقای تهرانیان، معاون وقت مجتمع، در سال ۱۳۹۱، با توجه به تجربه و سابقهٔ مدیریتی‌اش در حوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پیشنهاد راه‌اندازی مرکز مهارت‌آموزی را به مدیر مجتمع داد و قرار شد محیط فیزیکی مجزایی به مهارت‌آموزی بچه‌ها اختصاص یابد. از سال ۲۰۱۶ که انقلاب صنعتی چهارم آغاز شد، نیاز داریم سرفصل‌هایی از جمله اینترنت اشیا، اتومبیل‌های خودران، کلان‌داده‌ها، واقعیت افزوده، واقعیت مجازی، هوش مصنوعی، امنیت سایبری، رایانش ابری و زیست فناوری را که به‌عنوان بسترهای پیشرفت نقش‌آفرینی می‌کنند، به بچه‌ها آموزش بدهیم. انقلاب صنعتی چهارم در آموزش هم اثر گذاشته است. بنابراین، هم هدف‌های آموزشی و هم محتوا و روش آموزش باید تغییر کنند. بنابراین، در حوزهٔ کار و فناوری به تغییر و تحول نیاز داریم.

### ■ شما در مرکز مهارت‌آموزی برای تحول در حوزهٔ کار و فناوری و آماده‌شدن دانش‌آموزان



## ■ آیا برنامه‌های مرکز مهارت‌آموزی مورد استقبال خانواده‌ها قرار گرفته‌اند؟ والدین در اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه‌ها چه نقشی دارند؟

□ خانواده‌هایی داشتیم که مقاومت می‌کردند. اما در اکثر اوقات، وقتی خانواده‌ها می‌بینند این مهارت‌ها چقدر کاربرد دارد، بسیار استقبال می‌کنند. انجمن‌ها نیز در طول سال درگیر برنامه‌های مرکز مهارت‌آموزی می‌شوند و خروجی این کار و توانمندی بچه‌ها را در نمایشگاه می‌بینند. در واحد مشاورهٔ مجتمع نیز هر ساله تعدادی کارگاه آموزشی برای والدین در نظر گرفته می‌شود. در این کارگاه‌ها والدین را توجیه می‌کنیم که چه مهارت‌هایی را آموزش می‌دهیم تا آن‌ها کار را در خانه ادامه دهند. برای مثال، وقتی مهارت کنترل خشم را به دانش‌آموز یاد می‌دهیم، در کارگاه آموزشی والدین نیز این مهارت به آن‌ها آموزش داده می‌شود که چگونه در موضوع کنترل خشم با بچه‌ها کار کنند.

## ■ از نظر شما برنامه‌های درسی تا چه میزان با رویکرد مهارت‌آموزی تدوین شده‌اند و چه پیشنهادهایی در این زمینه دارید؟

پویانمایی، الکترونیک، بنایی، کابینت‌سازی، کار با چوب، تدوین فیلم، تعمیر تلفن همراه و فتوشاپ. همهٔ بچه‌های مجتمع موظف هستند این دوره‌ها را بگذرانند. اما در کارگاه‌های بعدازظهر، بچه‌ها برحسب علاقه در دوره‌های مهارت‌آموزی مانند سفال‌گری شرکت می‌کنند. این دوره‌ها آزاد هستند و جزو برنامهٔ مصوب درسی نیستند. ما با تأسیس مرکز مهارت‌آموزی، بستر استعدادیابی بچه‌ها را فراهم کردیم. هدف این است که استعدادها را شناسایی کنیم و از قوه به فعل درآوریم. دانش‌آموزانی داریم که سال گذشته دورهٔ تدوین فیلم، فتوشاپ یا تعمیر تلفن همراه را در مرکز مهارت‌آموزی گذراندند و اکنون کار می‌کنند و درآمد دارند.

در کنار آموزش این مهارت‌های سخت که به مرکز مهارت مربوط است، برای هر پایه ۱۵ مهارت نرم از طریق کتاب شش‌جلدی «من و مهارت‌هام» که برای شش پایهٔ دورهٔ ابتدایی تألیف شده است، آموزش داده می‌شود. در این کتاب‌ها مهارت‌های بهداشت و سلامت، مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اقتصادی آموزش داده می‌شوند. وقتی مهارت‌های نرم تقویت می‌شوند و رشد پیدا می‌کنند، در سایهٔ آن، مهارت‌های سخت هویت پیدا می‌کنند.



درس خود آموزش دهد و در کنار آن، بستر آموزش مهارت‌های سخت را هم فراهم کند. معلم می‌تواند با مدیر مدرسه صحبت کند تا مجوز بگیرد و با دعوت از افراد متخصص، مهارت‌های سخت را در مدرسه آموزش دهد. می‌توان زمان بعدازظهر یا پنج‌شنبه‌ها را در مدرسه احیا کرد تا بچه‌ها مهارت‌آموزی کنند. مدرسه چنین بودجه‌ای را ندارد، اما بستر فراهم است. کافی است ما برنامه‌ریزی و از مشارکت اولیا استفاده کنیم.

برای والدینی که امکان استفاده از ظرفیت‌های مدرسه‌های خاص را ندارند، یکی از روش‌های ساده و سنتی این است که تابستان بچه‌ها هدر نرود و با شاگردی کار یاد بگیرند. همچنین، بچه‌ها می‌توانند در کلاس‌های مجموعه‌هایی چون سازمان فنی‌وحرفه‌ای، فرهنگ‌سراها و پارک‌های فناوری آموزش ببینند. از فضای آموزش‌های مجازی هم می‌توان با صرف هزینه‌ای به‌نسبت مناسب، برای آموزش‌های مهارتی استفاده کرد.

### ■ آیا شما تجربه‌های مرکز مهارت‌آموزی را در اختیار آن دسته از خوانندگان مجله که علاقه‌مندند این تجربه را در مدرسه خود به کار گیرند، قرار خواهید داد؟

بله. با کمال میل. من به نمایندگی از طرف آقای امیری مقدم، مدیر مجتمع، اعلام می‌کنم هر کدام از مراکز آموزشی دولتی یا غیردولتی که بخواهند از امکانات یا آموزش‌ها و تجربه‌های ما استفاده کنند، ما با کمال میل در خدمتشان خواهیم بود. بنده در همین راستا در کتاب «مداد ما» همه شیوه‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی مجتمع را جمع‌آوری کردم که به چاپ هم رسیده است.

### ■ پیشنهاد شما به مدیران و همکاران فرهنگی چیست؟

همکاران عزیز فرهنگی که می‌خواهند در حوزه مهارت‌آموزی کار کنند، با هر شوک یا مشکلی که پیش می‌آید و اعتراضی که صورت می‌گیرد، عقب نشینند. این کار دردسرهای خود را دارد، اما ارزش بسیار بالایی نیز دارد. بچه‌های ما به‌خصوص در سال‌های اخیر، به دلیل کرونا و آموزش‌های مجازی، در بحث مهارتی بسیار عقب ماندند و فقیرند. ما برای به‌روزرسانی دانش‌آموزان، به راه‌اندازی یک نهضت نیاز داریم و همه باید کمک کنیم.



ما چند کتاب درسی خوب در مدرسه‌ها داریم که در سال‌های اخیر نوشته شده‌اند و می‌توانند برای آموزش مهارت به دانش‌آموزان کمک‌کننده باشند. اما این کتاب‌ها کافی نیستند. باید بستر کاری در مدرسه‌های کشور وجود داشته باشد تا بچه‌ها در آن بستر شروع به کار کردن کنند. ولی از آنجا که مدرسه‌ها این بستر و امکانات را ندارند، صبر می‌کنند تا بچه‌ها به پایه دهم برسند و در دبیرستان مهارت‌آموزی را شروع کنند. از طرف دیگر، خانواده‌هایی داریم که به دلایل فرهنگی فرزندان خود را به هنرستان نمی‌فرستند. آن‌ها معتقدند هنرستان محیط خوبی نیست و فرزندشان لزوماً باید مهندس یا پزشک شود. این طرز فکر باید تغییر پیدا کند.

### ■ آموزش‌های مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا چه میزان زمینه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تولید دانش‌بنیان را فراهم می‌کند؟

آموزش‌های ما به آن سطح نمی‌رسند و ادعای چنین کاری را نداریم، چرا که بچه‌های ما کوچک هستند. ما داریم استعدادیابی می‌کنیم. البته کارمان بی‌ارتباط با اقتصاد مقاومتی هم نیست. هدف اقتصاد مقاومتی این است که آنچه را می‌توانیم، خودمان انجام دهیم و احتیاجی به خارج از کشور نداشته باشیم. روح اقتصاد مقاومتی این است که از ظرفیت‌های داخلی استفاده کنیم. من وقتی کشف کردم دانش‌آموزی در حوزه نانو مستعد است و علاقه فراوان نیز دارد، باید او را به سمت رشته‌هایی هدایت کنم که نانو در آن قرار می‌گیرد. کسی می‌تواند در حوزه‌های دانش‌بنیان شروع به فعالیت کند که حداقل وارد دانشگاه بشود. بنیانش بر اساس دانش است و این دانش، دانش مدرسه‌ای نیست. کمک ما به بچه‌ها این است که آن‌ها را در مسیری هدایت کنیم که در اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

### ■ معلمان چگونه می‌توانند در کلاس‌های درس خود به مهارت‌آموزی توجهی ویژه داشته باشند؟

معلم می‌تواند بیشتر مهارت‌های نرم مثل مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و حل مسئله را در کلاس



# واکاوی برنامه‌درسی از نظر سواد مالی

دکتر مینا خداپناه



دکتر نعمت‌اله موسی‌پور

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان



## اشاره

یکی از رویکردهای مهم در نظام برنامه‌درسی توجه به تربیت اقتصادی دانش‌آموزان است. اما نحوه‌پرداختن به نوع این تربیت هنوز به‌طور کامل در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی تبیین نشده است. در این مقاله ضمن تبیین سواد مالی، فرایند طراحی آموزشی در این زمینه توضیح داده شده است.

محتوای برنامه‌درسی به فرصت‌هایی گفته می‌شود که امکان یادگیری هدفمند (معطوف به هدف‌های برنامه درسی) را فراهم می‌کنند. موسی‌پور (۱۳۹۸) اصول انتخاب و تولید محتوای برنامه‌درسی را در هشت عنوان خلاصه کرده است: «تناسب با هدف‌های انتخاب‌شده، تناسب با موضوعات و نیازهای مهم جامعه، تناسب با پیشرفت‌های علمی و فناوری، تناسب با نیازها و علاقه‌های یادگیرنده،

بایه‌بودن برای یادگیری مستمر و آموزش‌های بعدی، فرصت‌دادن به انواع فعالیت‌های یادگیری، کمک به رشد همه‌جانبه فرد و هم‌خوانی با معرفت دینی».

پژوهشگران بر این باورند که مفاهیم کلیدی که جوانان و کودکان باید یاد بگیرند، عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری نسبت به هزینه‌ها، دانستن اهمیت پس‌انداز، آگاهی در مورد صندوق‌های مالی موجود و خطرات مرتبط با آن، وام‌گرفتن مسئولانه، تهیه بودجه شخصی، جلوگیری از کلاهبرداری‌های مالی، استفاده از محصولات مالی محلی معمولی و موارد مشابه (Fabris & Luburić, 2016). بررسی محققان در زمینه برنامه‌های آموزش سواد مالی در کشورهای گوناگون نشان داد، دانش و درک برنامه‌ریزی و بودجه، کسب درآمد و شغل، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هزینه و اعتبار و خدمات بیمه‌ای و بانکی عناصر اصلی





برنامه‌های آموزش مالی در سطوح گوناگون آموزشی برنامه‌های آموزش سواد مالی در کشورهای آمریکا، ایتالیا، برزیل و غنا هستند. برنامه‌های آموزش مالی در دوره ابتدایی در درجه اول روی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی، پس‌انداز، هزینه و اعتبار تأکید دارند. چند برنامه به مفاهیم مربوط به سرمایه‌گذاری و خدمات بانکی می‌پردازند (Amagir, Groot, Maassen van den Brink, & Wilschut, 2018). پژوهشگران با بررسی مطالب مربوط به برنامه‌های آموزش مالی، چهار طبقه مفهوم اساسی را مشخص کردند که عبارت‌اند از:

- تصمیم‌گیری‌های اندیشمندانه و آگاهانه مالی درازمدت و کوتاه‌مدت؛
- تقویت مهارت‌های قابل انتقال دانش‌آموزان؛<sup>۲</sup>
- سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی خود؛<sup>۴</sup>
- مهارت‌های حل مسئله.

## اهداف برنامه‌های آموزش سواد مالی دوره ابتدایی

برای طرح‌ریزی یک برنامه آموزشی مطلوب و کوشش در راه بهبود مستمر برنامه‌ها، تعیین هدف‌های تربیتی ضرورت می‌یابد. هدف در واقع تعیین نوع رفتار، شرایط یا محدودیت‌ها و معیارهای قابل قبول است. به بیان دیگر، هدف در بیان خود، نوع رفتاری را که نشانه قابل قبولی از دستیابی شاگرد به هدف باشد، بیان می‌کند. شرایط مهم یا محدودیت‌هایی را که انتظار رخ‌دادن رفتار در آن‌ها می‌رود شرح می‌دهد و حد قابل قبول رفتار و فراوانی یا شدت آن را مشخص می‌کند (موسی‌پور، ۱۳۹۸).

برای تعیین اهداف آموزش سواد مالی، کودکان پیش‌دبستانی و مدرسه‌ای، دانش‌آموزان، والدین و همچنین گروه‌های آسیب‌پذیر باید به عنوان گروه هدف تعریف شوند. ضروری است که برای همه این گروه‌ها برنامه‌های آموزش مالی کافی تهیه شوند تا با ویژگی‌های خاص آن‌ها متناسب باشند. گنجاندن والدین در آموزش بسیار مهم است، زیرا بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که جوانان از طریق مثال‌های عملی مانند پرداخت در یک فروشگاه، هنگام استفاده از کارت‌های اعتباری، تهیه بودجه خانه و غیره، کارایی بیشتری کسب می‌کنند. افزون بر این، اهداف و راهبردهای آموزش سواد مالی در مدرسه باید به‌طور واضح تعریف‌شده، دست‌یافتنی و قابل اندازه‌گیری باشند. بنابراین با توجه به تعریف‌های سواد مالی، اهداف نهایی افزایش سطح سواد مالی جوانان و کودکان را چنین خلاصه کرده‌اند:

- مزایای استفاده از ابزارهای مالی و خطرات مربوط به

استفاده از آن‌ها را بیاموزند؛

- مدیریت امور مالی خصوصی را یاد بگیرند؛
- نسبت به انجام تمام موارد قبل اطمینان داشته باشند (Fabris & Luburić, 2016).

**قندهاری، مهرمحمدی، طلایی و فرج‌دیزجی** (۱۳۹۷) اهداف تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در ایران را در چهار طبقه مفاهیم اقتصادی، اخلاق اقتصادی، ویژگی‌های فردی و اجتماعی طبقه‌بندی کرده‌اند که از بین آن‌ها آشنایی با مفاهیم اقتصادی معامله (پول، خرید، فروش و مصرف)؛ پس‌انداز، هزینه، کار، سرمایه، بیمه و مالیات، از جمله مفاهیم مشترک سواد مالی و تربیت اقتصادی به شمار می‌روند. رشد برنامه‌ریزی، اعتمادبه‌نفس، حل مسئله نیز از اهدافی هستند که در بخش پرورش ویژگی‌های فردی با سواد مالی اشتراک دارند.

**پیغامی و تورانی** (۱۳۹۰) نیز با بررسی فهرست مندرجات بیش از صد کتاب درسی و منبع آموزشی که در وبگاه انتشارات مرکز ملی آموزش و اقتصاد منتشر شده، گسترده موضوعات آموزش مالی برای دوره سنی شش تا یازده سال را به‌صورت زیر مطرح کرده‌اند: نواآموزان در این سن با دنیای واقعی و مفاهیم اقتصادی شامل نیاز به انتخاب و تأثیر آن بر شرایط زندگی آتی افراد ارتباط برقرار می‌کنند. در نتیجه باید:

- روش‌های پاسخ به خواسته‌ها و نیازهای خود را تشخیص دهند و تخصصی‌شدن امور را درک کنند؛
- با مشاغل گوناگون آشنا شوند؛
- توانایی تصمیم‌گیری در آن‌ها افزایش یابد؛
- در مورد نقش پول و مبادله در زندگی، مالیات‌ها، کارآفرینی، رقابت و علل تفاوت درآمد افراد آموزش ببینند؛
- مفاهیم اقتصادی مانند کالا و خدمات، تولید، فایده‌های پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، کمیابی و کمبود، هزینه، تجارت و قیمت‌های بازار را درک کنند؛
- کسب درآمد، خرج‌کردن، آشنایی با انواع اعتبارات مالی و نحوه استفاده از آن‌ها، مدیریت پول، ارزش اقتصادی اجتماعی تحصیلات، نقش مؤثر تبلیغات در هزینه‌کرد و مصرف، و آشنایی با بودجه‌بندی در زندگی فردی نیز از دیگر مفاهیمی هستند که کودکان سن پیش‌دبستان تا پایان دوره دبستان باید یاد بگیرند.

## موانع آموزش سواد مالی در ابتدایی

با وجود اهمیت آموزش سواد مالی به کودکان، پژوهشگران موانع متعددی برای آموزش سواد مالی در دوره ابتدایی برشمرده‌اند: یک مانع این است که بسیاری از معلمان دوره ابتدایی برای آموزش مالی آمادگی ندارند

گوناگون از نظام آموزشی مبتنی بر استانداردها استفاده می‌شود. در این روش، الگوهای تدوین‌شده برای نظام آموزشی کشور بر پایه «استانداردهای محتوایی» صورت می‌گیرد (پیغامی، مرادی باصیری و طغیانی، ۱۳۹۵).

#### پی‌نوشت‌ها

1. accountable spending
2. responsible borrowing
3. student's transferable skills
4. investing in one's own human capital

#### منابع

۱. پیغامی، عادل و تورانی، حیدر (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۳۷: ۳۱-۵۲.
۲. پیغامی، عادل؛ مرادی باصیری، امین و طغیانی، مهدی. (۱۳۹۵). سواد مالی، الگویی برای مالی شخصی و خانوادگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. قندهاری، آزاده (۱۳۹۷). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت اقتصادی برای دوره اول ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه دکتر. دانشگاه تربیت مدرس.
۴. قندهاری، آزاده؛ مهرمحمدی، محمود؛ طلائی، ابراهیم و فرجی دیزجی، سجاد (۱۳۹۷). تبیین اهداف تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در ایران، مبتنی بر سنتز پژوهی. مطالعات برنامه درسی. ۱۳ (۴۸): ۳۹-۶۲.
۵. ملکی، حسن (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران.
۶. موسی‌پور، نعمت‌اله. (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی درسی برای معلمان. قم: بیان روشن.
7. Amagir, A., Groot, W., Maassen van den Brink, H., & Wilschut, A. (2018). A review of financial-literacy education programs for children and adolescents. *Citizenship, Social and Economics Education*, 17(1), 56-80.
8. Blue, L., Grootenboer, P., & Brimble, M. (2014). Financial literacy education in the curriculum: Making the grade or missing the mark?. *International Review of Economics Education*, 16, 51-62.
9. Cerya, E., Tasman, A., & Rahmi, E. (2020, March). Fillecya (Financial Literacy) Board: Analysis of Media Development Needs from the Teacher's Perspective in Understanding Financial Literacy Early. In 4th Padang International Conference on Education, Economics, Business and Accounting (PICEEBA-2 2019) (pp. 509-515). Atlantis Press.
10. Fabris, N., & Luburić, R. (2016). Financial education of children and youth. *Journal of Central Banking Theory and Practice*, 5(2), 65-79.
11. Jayaraman, J. D., Jambunathan, S., & Adesanya, R. (2019). Financial literacy and classroom practices among early childhood and elementary teachers in India and the US. *Education* 3-13, 47(6), 746-759.
12. Meyers, E. (2020). Young Adult Financial Literacy and Its Underlying Factors. <https://digitalcommons.assumption.edu/honorstheses>.
13. Totenhagen, C. J., Casper, D. M., Faber, K. M., Bosch, L. A., Wiggs, C. B., & Borden, L. M. (2015). Youth financial literacy: A review of key considerations and promising delivery methods. *Journal of Family and Economic Issues*, 36(2), 167-191.

(Blue, Grootenboer, & Brimble, 2014). در نظر نگرفتن مسائل فرهنگی در آموزش سواد مالی و طراحی استانداردها از دیگر موانع آموزش سواد مالی هستند. همان‌طور که در تعریف‌ها به آن اشاره شده است، سواد مالی تا حدودی به فرهنگ، خانواده و جامعه وابسته است. از سوی دیگر، آمادگی معلم نیز تا حدودی به فرهنگ وابستگی دارد. ارزش‌های شخصی به شدت بر اهداف و تصمیمات مالی تأثیر می‌گذارند. نظام ارزشی فرد به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌کند. بنابراین، معلمان باید مفاهیم شخصی و فرهنگی را در زمینه آموزش مفاهیم مالی در نظر بگیرند (Jayaraman, Jambunathan, & Adesanya, 2019).

موانع دیگر این است که برنامه درسی کلی در اکثر مدرسه‌های ابتدایی بر استانداردهای یادگیری ریاضی و زبان متمرکز است که برای موفقیت در آزمون‌ها ارزیابی می‌شوند و این برنامه‌ها زمان کمی برای مباحث دیگر در برنامه درسی باقی می‌گذارند (Totenhagen, Casper, Faber, Bosch, Wiggs, & Borden, 2015). تلفیق آموزش‌های سواد مالی در برنامه‌های درسی دیگر می‌تواند در برطرف کردن این مشکل کارساز باشد (Meyers, 2020). یکی دیگر از موانعی که غالباً دانش‌آموزان آن را تجربه می‌کنند، مشکلات یادگیری است. به‌خصوص برای کودکان در دوره ابتدایی، یادگیری در محاسبه با مشکل روبه‌روست. از این‌رو، در انتخاب وسایل و رسانه‌های آموزشی لازم است وضعیت دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد. معلم ابتدا باید انواع یادگیری دانش‌آموزان را اعم از صوتی یا تصویری طبقه‌بندی کند. در پاسخ به محدودیت‌های آموزش و یادگیری سواد مالی برای کودکان می‌توان از روش‌های گوناگونی مانند بازی، نمایش خلاق، کاربرد ابزارها و بازی‌های رایانه‌ای، و داستان‌گویی استفاده کرد (Cerya, Tasman, & Rahmi, 2020؛ قندهاری، ۱۳۹۷).

به‌طور کلی، بررسی‌ها نشان می‌دهند، کودکان توانایی یادگیری مفاهیم مالی را دارند؛ برای آموزش سواد مالی باید محدودیت‌ها و موانع مطرح‌شده مورد توجه برنامه‌ریزان و معلمان قرار گیرند. این امر می‌تواند با تلفیق برنامه‌های آموزش سواد مالی در برنامه‌های درسی مدرسه، تلفیق مسائل فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌های درسی، و آموزش معلمان در زمینه مفاهیم سواد مالی محقق شود. بدین منظور، هر نظام آموزشی نیازمند الگویی است که در هر پایه تحصیلی، چارچوبی را برای محتوای سواد مالی آن پایه ترسیم کند. طراحی این الگوها با هدف فراهم کردن دیدگاهی منسجم در آموزش مالی دانش‌آموزان در سطوح گوناگون ملی و منطقه‌ای انجام می‌شود، به طوری که در حال حاضر برای رسیدن به این هدف، در کشورهای



# هدایت تحصیلی؛ چالش‌ها و راهکارها

ناصر حیدری



دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران و مشاور مدرسه

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، بعضی از چالش‌های مهم فرایند هدایت تحصیلی عبارت‌اند از: نبود ارتباط مؤثر مشاور با دانش‌آموزان و نبود ارزیابی دقیق و صحیح استعدادها و دانش‌آموزان (احمدی ۱۳۹۴)؛ انتخاب رشته مبتنی بر شناخت ناقص از خود، ناکارآمدی بانک اطلاعات تحصیلی و شغلی، توزیع نامتوازن دانش‌آموزان مستعد در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی (اقبالی ۱۳۹۳)؛ کمبود نیروی مشاور در مدرسه‌ها (فولادی ۱۳۹۲)؛ انباشتگی غیرمرتبط وظایف مشاوران در مدرسه‌ها و تضعیف کیفیت خدمات راهنمایی و مشاوره‌ای مبتنی بر هدایت تحصیلی (اسماعیلی‌پور، ۱۳۸۲)؛ آشنانبودن دانش‌آموزان با شرایط عملی اشتغال (اسکندری، ۱۳۹۶)؛ طولانی بودن آزمون‌های توانایی و رغبت و خستگی جسمی و ذهنی و پاسخ‌گویی بدون دقت و تمرکز دانش‌آموزان به مواد آزمون (نسیمی، ۱۳۹۵)؛ توجه ناکافی دانش‌آموزان درباره هدف آزمون‌های توانایی و رغبت و نامناسب بودن بازه زمانی اجرای آزمون‌ها و محول کردن اجرای آزمون به افرادی غیر از خود دانش‌آموز (احمدی، ۱۳۹۶)؛ به نقل از رضایی مدنی و همکاران، ۱۳۹۸).

**تحلیل:** یکی از مهم‌ترین چالش‌های هدایت تحصیلی، دستیابی نداشتن دانش‌آموزان در پایان متوسطه اول به خودشناسی کامل است. به نظر می‌رسد، دانش‌آموزان پایه نهم که باید مسیر تحصیلی و شغلی خود را انتخاب

**توصیف:** هدایت تحصیلی فرایند ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره به دانش‌آموزان است تا ضمن آشنایی با استعدادها، علاقه‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی خویش، شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی، حرفه‌ها و مشاغل مورد نیاز جامعه را بشناسند و بر اساس آن آگاهانه و آزادانه شاخه و رشته تحصیلی مناسب خود را انتخاب کنند (سند نظام جامع راهنمایی و مشاوره، ص ۴). بی‌گمان تطبیق توانایی‌ها و استعدادها فرد با مشاغل مورد نیاز جامعه، سبب کارایی و ثمربخشی بیشتر، بهبود کیفیت کار، موفقیت و رضایت او می‌شود (گاتفردسون، ۱۹۹۷).

با توجه به ساختار جدید نظام آموزشی، دانش‌آموزان تا پایان پایه نهم به صورت عمومی تحصیل می‌کنند و در شروع پایه دهم لزوماً باید در یکی از شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه ثبت‌نام کنند. بدین منظور برنامه هدایت تحصیلی بر دوره اول متوسطه تمرکز دارد. در این دوره سعی می‌شود دانش‌آموزان با استعداد، رغبت، توانایی‌های فردی و همچنین شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی و ضوابط ورود به آن‌ها آشنایی پیدا کنند تا بتوانند در پایان این دوره رشته تحصیلی مورد علاقه خود را با آگاهی انتخاب کنند.

فرایند هدایت تحصیلی کنونی همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. در این مقاله چالش‌ها و راهکارهای عملی فرایند هدایت تحصیلی را بررسی می‌کنیم.





کنند، هنوز به‌طور کامل از ویژگی‌های شخصیتی خود و توانایی‌ها و رغبت‌هایشان آگاه نیستند. بسیاری از آن‌ها هنگام انتخاب رشته سردرگم هستند و در ترسیم مسیر شغلی آینده خود ناتوان‌اند. محدود بودن فرصت‌های شغلی کشور به یک رشته خاص و تجمع دانش‌آموزان مستعد و باهوش در آن رشته نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌های هدایت تحصیلی است که می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای آینده شغلی کشور به بار آورد، چرا که کشور ما در تمامی حوزه‌ها نیازمند افراد سرآمد و مستعد است، ولی متأسفانه امروزه تمام نخبه‌ها به رشته علوم تجربی گرایش پیدا می‌کنند. این ناهمگونی در توزیع استعدادها، در آینده‌ای نه‌چندان دور، سبب نبود تعادل و ناهمگونی قدرت در بخش‌های اجرایی کشور می‌شود. مقطعی بودن فرایند هدایت تحصیلی و موقوف شدن آن به دوره اول متوسطه و به‌خصوص پایه نهم نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و ضعف‌های فرایند هدایت تحصیلی است. یکی از رویکردهای کلی حاکم بر هدایت تحصیلی، فرایندی و مستمر بودن آن است. اما اگر واقع‌بینانه به قضیه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که در حال حاضر هدایت تحصیلی بیشتر مقطعی است تا فرایندی. ما در دوره ابتدایی برنامه منسجم و یکپارچه‌ای برای شناسایی استعدادها و ویژگی‌های دانش‌آموزان نداریم. این در حالی است که برای رسیدن به اهداف هدایت تحصیلی و کشف و هدایت صحیح استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان، باید از همان بدو ورود آن‌ها به مدرسه اقدام کرد. ما نمی‌توانیم به نتایج آزمون‌های طولانی رغبت و توانایی که در بازه زمانی محدود و در شرایط غیرکنترل شده کامل می‌شوند، اعتماد کنیم. اکثر دانش‌آموزان در زمان اجرای آزمون‌ها در حال آماده‌شدن برای امتحانات نوبت اول هستند و در حین اجرای آزمون‌ها تمرکز و دقت کافی ندارند. یکی از شرط‌های لازم برای روایی و پایایی آزمون‌های روان‌شناختی، اجرای صحیح آن و تکرار آن برای رسیدن به پایایی است.

**پیشنهاد عملی:** با توجه به چالش‌ها و ضعف‌های فرایند هدایت تحصیلی، پیشنهادهایی که در ادامه می‌آیند، می‌توانند در رفع چالش‌ها و حرکت به سمت دستیابی به اهداف

مهم فرایند هدایت تحصیلی کمک‌کننده باشند:

۱. تدوین نظام جامع استعدادیابی و هدایت فرایندی و استقرار و اجرای آن از دوره پیش‌دبستان تا پایان متوسطه دوم، برای شناسایی دقیق استعدادهای دانش‌آموزان، هدایت دانش‌آموزان در مسیرهای شناسایی‌شده و برنامه‌ریزی برای کمک به پرورش و شکوفایی استعدادها؛
۲. تدوین و اعتباریابی ابزارهای معتبر و کوتاه‌سنگش استعداد و رغبت‌های دانش‌آموزان بر اساس مراحل رشدی آن‌ها و همسو با نظام استعدادیابی و اجرای آزمون‌ها در چند مرحله و به‌صورت فرایندی، از ابتدایی تا پایان متوسطه اول؛
۳. آموزش و توانمندسازی آموزگاران ابتدایی و دبیران متوسطه، والدین دانش‌آموزان برای خلق موقعیت‌های بروز استعداد و علاقه‌های دانش‌آموزان و جلب مشارکت تمامی عوامل مدرسه‌ای، اداری، آموزشی، پرورشی، رسانه، خانواده و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در مسیر هدایت تحصیلی؛
۴. برنامه‌ریزی برای رفع مشکل کمبود نیروی مشاور و تخصیص نیروی مشاور به مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه دوم و توانمندسازی آن‌ها در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان؛
۵. تجهیز هنرستان‌های فنی و کاردانش به امکانات به‌روز و برنامه‌ریزی برای عقد قراردادهای جذب نیروی کار از فارغ‌التحصیلان این مدرسه‌ها با شرکت‌ها، سازمان‌ها و کارخانه‌های کشور که نیازمند نیروی کار فنی هستند؛
۶. راه‌اندازی برنامه‌های تلویزیونی با موضوع هدایت تحصیلی فرایندی و استعدادیابی برای آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها و ایجاد تغییرات مثبت در باورها و نگرش‌های آن‌ها در جهت اهداف مهم فرایند هدایت تحصیلی و انتخاب رشته بر اساس واقعیت‌ها و ویژگی‌های فرزندان و نه بر اساس باورهای غلط و نگرش‌های نادرست؛
۷. تهیه و تدوین بانک اطلاعاتی تحصیلی و شغلی متناسب با مراحل رشدی دانش‌آموزان و ارائه اطلاعات به‌صورت فرایندی و گام به گام برای توانمندسازی آن‌ها؛
۸. تدارک شرایط و امکانات لازم برای دانش‌آموزان به‌منظور کسب تجربه‌های شغلی در موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای سپری کردن مراحل انتخاب شغل و دستیابی استقلال و تصمیم‌گیری مطابق مدل‌ها و نظریه‌های انتخاب شغل و حرفه.



# تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر

احمد شریفان

دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی



## مقدمه

جامعه بر عهده دارد، نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد از دیرباز در بقا و تداوم فرهنگ و تمدن جوامع نقش سازنده و بنیادی ایفا کرده است و می‌کند.

امروزه جوامع بشری با شتابی فوق‌العاده در حال تحول و دگرگونی هستند. دامنه معرفت، دانش و فناوری به سرعت رو به افزایش و گسترش است؛ به طوری که گفته می‌شود به دنبال پیشرفت‌های علمی و فنی که از آن به انقلاب علمی و فناوری تعبیر می‌شود، از چند دهه پیش تاکنون، هر پنج یا هفت سال، حجم انتشار کتاب‌های علمی به دو برابر افزایش یافته است. از سوی دیگر، اطلاعات و دانش موجود نیز در حال تغییر، تحول و تکامل هستند، به طوری که عمر مفید و کارایی این اطلاعات در همه زمینه‌ها به تدریج کوتاه‌تر می‌شود. از این رو، می‌توان اظهار داشت نهاد آموزش و پرورش با رشد و توسعه جوامع بشری در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دینی و ارتباطات بین‌المللی پیوندی ناگسستنی دارد. می‌توان گفت، نقش و رسالت نهاد آموزش و پرورش در دنیای رو به رشد و گسترش امروز تا آن اندازه است که جوامع انتظار دارند این نهاد پاسخ‌گوی نیازهای معنوی و مادی آن‌ها باشد و به‌عنوان عامل اصلی و مؤثر به‌واسطه تربیت منابع انسانی، تحقق نیازهای فردی و اجتماعی را ممکن سازد. در واقع، آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر است؛ به طوری که

امروزه هر کشوری باید مسیر خودش را با بهره‌گیری از تجربه‌های علمی بومی خود طی کند. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت جامعه به‌سوی استقلال همه‌جانبه هدایت شود. از این رو، سیاست‌گذاران آموزش و پرورش باید به جای پرداختن به روبنا و ظاهر و تغییرات صوری بساز و بفروشی (تخریب آنچه هست و ساخت بنایی نو از باز یافت مواد و ضایعات)، به مستحکم کردن چارچوب‌های درونی و بنیادی نظام آموزش و پرورش (نه نو کردن ظاهر ساختمان‌ها یا به کاربردن ابزارهای جدیدی که بر اثر فناوری‌های جدید رایج شده‌اند) بپردازند؛ زیرا از یک سو عناصر نظام آموزش و پرورش به هم پیوسته‌اند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و از سوی دیگر، نظام آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی اجتماعی، با سایر نهادهای جامعه رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و علاوه بر تأثیری که بر آن‌ها می‌گذارد، از آن‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد. از این رو، وقتی با بی‌توجهی به روابط و ارتباط بین نهادها، به ایجاد تغییرات کلی یا جزئی در نظام آموزشی و پرورشی جامعه اقدام می‌کنیم، احتمالاً نتیجه آن مطلوب نخواهد بود و افزون بر جامعه آموزشی، کل جامعه را نیز دچار سردرگمی خواهد کرد؛ طوری که رفع و ترمیم آسیب‌های ایجادشده در همه ابعاد، بسیار دشوار خواهد بود؛ بنابراین، ضرورت دارد به‌گونه‌ای هدفمند و نه برحسب مد روز، عمل شود تا نظام آموزش و پرورش، در طی زمان، استحکام یابد و از خروجی‌هایی برخوردار شود که در استقلال جامعه نقش سازنده‌ای ایفا کنند.

آنچه در این مجموعه مقالاتی به آن خواهیم پرداخت، مفهوم آموزش و پرورش مقاومتی انسان‌ساز است؛ آموزش و پرورشی که خروجی آن شهروندانی است که به تولید علم و بومی کردن دانش موجود اقدام می‌کنند؛ یعنی افرادی که تولیدکننده علم، نوآور، مسئله‌گشا، کارآمد و آماده به‌عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی هستند.

## آموزش و پرورش مقاومتی

یکی از نهادهای اجتماعی مهم، مؤثر و گسترده که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصر فرهنگی را به نسل جدید



می‌گویند مدرسه‌های امروز نشانی از جامعه فردا هستند؛ زیرا کودکانی که امروز در مدرسه تحصیل می‌کنند، با رسیدن به ۲۰ سالگی وارد جامعه و عهده‌دار مسئولیت‌هایی خاص می‌شوند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت، هر چه توجه به آموزش و پرورش بیشتر باشد، زیرساخت‌های جامعه نیز رشد و قوام بیشتری خواهند یافت. اگرچه اداره کردن نهاد آموزش و پرورش پرهزینه است، اما باید این هزینه‌ها را به حساب سرمایه‌گذاری منظور داشت. به این امید که نظام آموزشی و پرورشی، شهروندانی مولد و آگاه به جامعه تحویل دهد که بتوانند نیازهای معنوی و مادی جامعه را در ابعاد فردی و اجتماعی رفع کنند.

از آنجا که آموزش و پرورش نهادی است که زیرساخت منابع انسانی را شکل می‌دهد، هنگامی موفق خواهد بود که به‌طور مؤثر به نیازهای روز و آینده جامعه و فرد پاسخ دهد. از این رو، رشد و تحقق اهداف و دفع نیازهای فرد و جامعه، به کیفیت منابع انسانی و تربیت آن‌ها متکی خواهد بود. برای تحقق این اهداف، تحصیل، انگیزه و نوآوری، اجزای اساسی موفقیت به شمار می‌آیند. شواهد موجود نشان می‌دهند، توانایی کشورها برای تقویت پیشرفت و رشد مورد انتظارشان، توسط افراد آموزش دیده و تربیت شده تضمین می‌شود. از این رو، به حداکثر رساندن توانایی نیروی انسانی از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی مطلوب، ضرورت دارد. در این راستا باید بدانیم، همان‌طور که منابع طبیعی اندازه معینی (محدودی) دارند که باید به خوبی و با برنامه‌ریزی‌های دقیق علمی از آن‌ها بهره‌برداری شود، منابع انسانی نیز نامحدود نیستند و در بهره‌گیری از آن‌ها باید کمال مراقبت را به عمل آورد. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که سرشار از منابع طبیعی است، اما باید از آن‌ها برای رسیدن به خودکفایی، استقلال و پیشرفت همه‌جانبه در ابعاد اخلاقی، دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، در گرو تربیت آن‌گونه از نیروی انسانی استفاده شود که به خوبی از عهده وظایف و نقش‌های فردی

و اجتماعی‌اش برآید. یعنی نیروی انسانی که از شخصیتی سالم و رشد یافته، ذهنی هوشیار، مغزی اندیشمند و دستانی ماهر و توانا برخوردار باشد. به این منظور، تعلیم و تربیت منابع انسانی کشورمان بیش از گذشته ضرورت دارد تا از این طریق بتوانند بر موانع موجود در به تعالی رسیدن جامعه فائق آیند و به سوی استقلال در همه ابعاد به پیش بروند. وقوع این امر در گرو حفظ و نگهداری تجربه‌هاست؛ یعنی جذب خلاقانه تمام دستاوردهای فرهنگ ملی همراه با بهره‌گیری خردمندانه (نه تقلید ناخسته و طوطی‌وار) از دستاوردهای علمی سایر کشورها. در نتیجه نگهداری تجربه‌هاست که می‌توان آموزش و پرورش را رقم زد که خروجی آن افرادی تولیدکننده علم، نوآور، مسئله‌گشا، کارآمد، و آماده به عهده گرفتن مسئولیت‌های فردی و شهروندی هستند. در این راستا می‌توان به برخی از راهبردها به شرح زیر عمل کرد:

- \* تعیین رویکرد و مقاصد نظام آموزش و پرورش به‌طور شفاف و تدوین اهداف کلی و آموزشی بر پایه آن؛
- \* اصلاح و بازبینی اسناد بالادستی بر پایه نیازها، نیازسنجی و تجربه‌های به دست آمده بعد از ابلاغ آن‌ها؛
- \* بهره‌گیری از یافته‌های علوم تربیتی (به‌ویژه یافته‌ها و تجربه‌های علمی بومی)؛
- \* برقراری هم‌سویی بین عناصر برنامه‌های درسی در سطح‌های کلان و خرد؛
- \* برقراری تطابق و هماهنگی بین برنامه‌های درسی قصدشده، ادراک شده، اجراشده و کسب شده؛
- \* فراهم کردن شرایط اجرای برنامه‌های درسی؛
- \* پرهیز از تمرکزگرایی صرف و تفویض اختیارات به‌منظور بهبود کیفیت آموزش و پرورش؛
- \* نقد و بررسی برنامه‌های اجراشده بر پایه ارزشیابی از نتایج و پیامدهای آن‌ها؛
- \* به‌کارگیری سنجش و ارزشیابی در سطوح گوناگون نظام آموزشی و پرورشی به‌منظور کسب آگاهی از نحوه کارکرد عناصر نظام آموزشی و پرورشی در راستای تصمیم‌گیری‌های مورد نیاز؛
- \* افزایش بهره‌وری (محصول تعامل دو عامل اثربخشی و کارایی) در آموزش و پرورش.





# درمان بیکاری

معصومه پورقربانی



دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

محبوبه منتظر عطائی



استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

به سمت انتخاب حرفه‌ای کارآفرینانه سوق دهند (شیری، میرکزاده و زرافشانی، ۱۳۹۶). مقاصد کارآفرینی فرایندی است که در آن فرد دارای ایده و فکر جدید، با بسیج منابع از طریق فرایند ایجاد کسب‌وکار که با مخاطره مالی و اجتماعی و حیثیتی توأم است، محصول و خدمت جدیدی به بازار عرضه می‌کند. در گستره هزاره جدید، آموزش کسب‌وکار و فرهنگ کارآفرینانه راهکار ارزشمندی برای ایجاد تفکر کارآفرینی و ایجاد اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی است. با این حال، ارتقای کارآفرینی با آموزش همواره با چالش همراه بوده و تحقیقات مرتبط با آن هنوز در مرحله اکتشاف هستند (قناعتی، نودهی، قدرتی و جلالی‌فر، ۱۳۹۶). همچنین، کارآفرینی، خلق کسب‌وکار، تبدیل فرصت‌ها به دستاوردها و ارائه محصولات جدید و هدایت منابع سبب اشتغال خود و دیگران و ایجاد ارزش افزوده می‌شود.

کارآفرین شخصی است که با بهره‌گیری از منابع موجود، به‌کارگیری خلاقیت، شناخت فرصت‌ها و پذیرش خطرها به راه‌اندازی و خلق یک کسب‌وکار می‌پردازد (سیدمؤمنی، ۱۳۹۷). درخصوص انواع کارآفرینان گفته شده است، کارآفرینان را می‌توان به روش‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد؛ از جمله: توسعه اقتصادی، انگیزه، تعهد، ویژگی‌های شخصی، مقیاس کسب‌وکار، و جنسیت. محققان دهه گذشته نیز طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای کارآفرینان دارند. (آنوخین و همکاران (۲۰۰۸)) کارآفرینان را در دسته‌های کارآفرینان تازه‌کار در مقابل کارآفرینان غیرتازه‌کار طبقه‌بندی کرد، با این تفاوت که اولین گروه از کارآفرینان، اطلاعات دارند و نسبت به دومین گروه مهارت‌ها و تجربه‌های محدودی دارند. در طبقه‌بندی سوم، کارآفرینان تمام‌وقت در مقابل کارآفرینان پاره‌وقت قرار دارند. کارآفرین تمام‌وقت تعهد قوی‌تری به موفقیت کسب‌وکار دارد، خطرهای بیشتری

کارآفرینی هر فرد به‌عنوان تغییر ذهنیت و خودتوانمندسازی در نظر گرفته می‌شود. کارآفرینی غالباً به نوآوری و توسعه منجر می‌شود و برای کشورهای در حال توسعه اهمیت زیادی دارد، زیرا رشد اقتصادی و پتانسیل نوآوری را در بسیاری از صنایع ارتقا می‌دهد. ایجاد شغل، توسعه اقتصادی و کاهش فقر معمولاً از مزایای اصلی کارآفرینی هستند. بنابراین، محققان و سیاست‌گذاران برای اطمینان از وجود مستمر کارآفرینان جدید در اقتصاد، باید از نیت کارآفرینی کارآفرینان بالقوه و همچنین عواملی که کارآفرینی آن‌ها را تشویق می‌کنند، آگاه باشند. انگیزه کارآفرینی برای ایجاد جامعه‌سازمانی پویا، به شکل‌دهی موتور رشد جدید برای اقتصاد کمک می‌کند (دیویدسون، ۲۰۰۳)، اما متأسفانه در مدرسه‌ها و در دوره‌های متوسطه به آن توجهی نمی‌شود. نیت کارآفرینی هنر تجارت است. عواملی وجود دارند که ممکن است بر قصد کارآفرینی تأثیر بگذارند (احمد و همکاران، ۲۰۲۰). دانشمندان تأکید کرده‌اند، پتانسیل کارآفرینی نقش مهمی در داشتن قصدی دارد که منجر به رفتار شود (چه‌ابرا و همکاران، ۲۰۲۰). کارآفرینی با تغییرات و خطرات زیادی همراه است که امکان دارد به‌راحتی در زندگی فرد قابل تحمل نباشند. از سوی دیگر، هنجار ذهنی به فشار اجتماعی ادراک شده برای انجام یا اجتناب از رفتار اشاره دارد. این نوع فشار می‌تواند از طرف خانواده یا به‌طور کلی جامعه باشد که فرد را به انجام دادن یا انجام ندادن وظایف خاص مجبور می‌کند (آگولا و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه افزایش نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان به مهم‌ترین مشکل اجتماعی اقتصادی کشور تبدیل شده است. با توجه به اینکه کارآفرینی عاملی مهم در جهت کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی است و همچنین یکی از عوامل پیش‌برنده ایجاد اشتغال محسوب می‌شود، بسیاری از سیاستمداران و برنامه‌ریزان در ایران تلاش کرده‌اند که با برنامه‌ها و طرح‌های متعدد، دانشجویان و دانش‌آموزان را



#### منابع

۱. سیدمؤمنی، سیدمجید (۱۳۹۷). بررسی تأثیر نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان، به واسطه آموزش‌های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی پیام نور شهر تهران). پایان‌نامه مدیریت کارآفرینی آموزش عالی. دانشگاه پیام نور استان تهران. مرکز پیام نور. تهران غرب.
۲. شبیری، نعمت‌اله؛ میرک‌زاده، علی‌اصغر؛ زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۶). ترویج رفتار کارآفرینانه در بین دانشجویان کشاورزی: رهیافت دومرحله‌ای مدل‌سازی معادلات ساختاری. مجله بین‌المللی مدیریت و توسعه کشاورزی. ۷ (۲).
۳. قناعتی، مهدی؛ نودهی، حسن؛ قدرتی، اکرم؛ جلالی‌فر، علی (۱۳۹۶). تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲۴ (۵).
4. Agolla, J.E., Monametsi, G.L. and Phera, P. (2019). "Antecedents of entrepreneurial intentions amongst business students in a tertiary institution", Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship, Vol. 13 No. 2, pp. 138-152.
5. Ahmmed, M., Hossain, M. E., Hossain, M. M., Azam, M. K. G., Sakib, A. H., & Sultana, A. (2020). Factors affecting entrepreneurial intention of young people: Bangladesh Perspective. Solid State Technology, 63(6), 5402-5411.
6. Anokhin, D Grichnik, RD Hisrich. 2008. The journey from novice to serial entrepreneurship in China and Germany: Are the drivers the same?. Managing Global Transitions 6 (2), 117.
7. Balogun, O. G. (2020). Entrepreneurship Education: A Study of Culture, Mindsets and Teaching Practices in Nigeria (Doctoral dissertation, University of Pennsylvania)
8. Block, J. H., & Wagner, M. (2010). Necessity and opportunity entrepreneurs in Germany: characteristics and earnings differentials. Schmalenbach Business Review, 62, 154-174.
9. Chhabra, S., Raghunathan, R. and Rao, N.V.M. (2020). "The antecedents of entrepreneurial intention among women entrepreneurs in India", Asia Pacific Journal of Innovation and Entrepreneurship, Vol. 14 No. 1, pp. 76-92.
10. Davidsson, P., Honig, B. (2003). The role of social and human capital among nascent entrepreneurs. Journal of Business Venturing, 18(3), 301-31.

را متحمل می‌شود، به منابع مالی بیشتری با هزینه نهایی بالاتر نیاز دارد و برای تعهدات شخصی، نسبت به معادل‌های پاره‌وقت آن‌ها، زمان کمتری دارد.

در نهایت، در طبقه‌بندی چهارم، کارآفرینان غیررسمی (ثبت‌نشده) در مقابل کارآفرینان ثبت‌شده هستند که دومی درآمد بیشتری کسب می‌کند، سطح تحصیلات و تجربه بالاتری دارد و معمولاً کسب‌وکارهای بزرگ‌تری را اداره می‌کند (بالوگان، ۲۰۲۰).

پیشنهاد می‌شود، فضای مناسب برای اتصال دانش‌آموزان به پارک‌های علم و فناوری استان به منظور کسب دانش‌های عملی و آشنایی هرچه بیشتر آنان با محیط کارآفرینی فراهم شود. همچنین، کارگاه‌هایی آموزشی در راستای کاهش نقاط ضعف و تقویت دانش و مهارت کارآفرینانه و به تبع آن افزایش سطح کنترل رفتاری درک‌شده در بین دانش‌آموزان برگزار شوند. با تقویت عوامل مثبت و مؤثر بر قصد کارآفرینی، تلاش برای شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در دانش‌آموزان بی‌میل صورت پذیرد. دانش‌آموزان دارای ایده‌های کارآفرینانه شناسایی شوند و به منظور فراهم کردن مساعدت‌های جانبی، به مراکز رشد و فناوری معرفی شوند.

به محققان پیشنهاد می‌شود، با بررسی جامع‌تر و استفاده از مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده و دیگر متغیرها، مؤلفه‌های مؤثر بر قصد کارآفرینی را به صورت کامل‌تر بررسی کنند. همچنین، تلاش شود تا در پژوهش‌های آتی فرضیات مرتبط با آمار توصیفی مطرح شوند و با آزمون فرضیات، مسائلی نظیر نقش والدین و مشاغل آن‌ها، نقش رشته‌های دانش‌آموزان و همچنین سن و جنسیت بر قصد کارآفرینی ارزیابی شود. در



# آموزش زندگی

## از دیدگاه وزیر آموزش سنگاپور

مترجم: مهناز نجیبزاده وامق آبادی

سید میثم موسوی

تصویرگر

دکترای جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمان

ابزارهای صنعت برای آموزش مؤثر به فراگیرندگان مطلع و به‌روز باشند.

به‌عنوان مثال، مهندسی خودرو را در نظر بگیرید. امروزه مربیان باید به کارآموزان آموزش دهند نه تنها با موتورهای احتراق داخلی سنتی، بلکه با نسل جدیدی از وسایل نقلیه هیبریدی و نسل جدیدی از وسایل نقلیه الکتریکی کار کنند. برای انجام مؤثر این کار، ما نه تنها به استخدام مربیانی متخصص در صنعت نیاز داریم، بلکه باید از افرادی که استخدام شده‌اند حمایت کنیم تا با مهارت‌های مناسب در طول حرفه‌شان همگام شوند و این در هر صنعتی صدق می‌کند.

در سنگاپور، پلی‌تکنیک و مؤسسه آموزش فنی (ITE) برای طراحی برنامه درسی ما، از نزدیک با شرکای صنعتی‌مان همکاری می‌کنند. مربیان از طریق این مشارکت‌ها به‌روز می‌شوند و مهارت‌های مرتبط با صنعت را کسب می‌کنند. برای مثال، جلسات «آموزش مربی» پلی‌تکنیک سنگاپور، مربیان را با متخصصان صنعت ارتباط می‌دهند تا برنامه‌های آموزشی و توسعه کلیدی را برای محل کار خود ایجاد کنند. با انجام این کار، مربیان می‌توانند مهارت‌های مرتبط را از متخصصان صنعت کسب کنند که به کوتاه‌کردن چرخه کسب و انتقال مجموعه مهارت‌های جدید به کارآموزان کمک می‌کند.

ما همچنین می‌توانیم صنعت را بیشتر در فرایند آموزش و توسعه برنامه درسی مشارکت دهیم. یکی از نمونه‌ها، برنامه دیپلم کار مطالعه «WSDip» است که شرکای صنعتی در آن نقش کلیدی را در ایجاد برنامه درسی مشترک با نیازهای در حال تحول صنایع و اقتصاد دارند. کارفرمایان شرکت‌کننده می‌توانند فارغ‌التحصیلان جدید را ظرف سه سال پس از فارغ‌التحصیلی استخدام و آن‌ها را برای ایفای



براساس تحولات فناوری، مدل‌های کسب و کار جدید رونق گرفته‌اند. همه‌گیری کرونا بسیاری از روندهایی را که در چند سال گذشته مشهود بود، تسریع کرده است و یک تغییر عظیم در تقاضا برای مجموعه مهارت‌های جدید، در گروه‌های فارغ‌التحصیل از نظام‌های آموزشی ما، ایجاد کرده است.

محوریت آموزش فنی و حرفه‌ای برای آینده‌ای موفق، به معنی تغییر در مجموعه مهارت‌های موردنظر است که آن را ضروری می‌کند تا به کارآموزان و نیروی کار خود کمک کنیم در طول زندگی در صنعت مرتبط باقی بمانند.

سؤال این است که چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم. هر بوم‌سازگان (اکوسیستم) مؤثر یادگیری مادام‌العمر از چندین عنصر کلیدی تشکیل شده است. ما به دوره‌ها و برنامه درسی مرتبط، راه‌های انعطاف‌پذیر برای یادگیرندگان و فرصت‌هایی برای پیشرفت ارتقا دهندگان، و توافق شرکای صنعتی نیاز داریم. اما مهم‌تر از همه، در هر ارتقای آموزشی، به مربیان مؤثر نیاز داریم. امروز بر این تمرکز خواهد داشت

که چگونه می‌خواهیم تیمی از مربیان مؤثر بسازیم تا نظام آموزشی مادام‌العمر مؤثرتری را برای نیروی کارمان فعال کنیم. برای اینکه مربیان بتوانند یادگیرندگانی مادام‌العمر توسعه دهند، باید مربیان خود را به سه چیز مجهز کنیم:

### مجموعه مهارت‌های مناسب، مجموعه ابزار مناسب، طرز فکر درست

برای اطمینان از اینکه مهارت‌های مرتبط به فراگیرندگان آموزش داده می‌شوند، باید مربیان را به مجموعه مهارت‌هایی مجهز کنیم تا نیازهای بازاری را که به‌سرعت در حال توسعه است برآورده کنیم. با توجه به ماهیت عملی و تخصصی آموزش فنی و حرفه‌ای، مربیان باید از آخرین روندها و



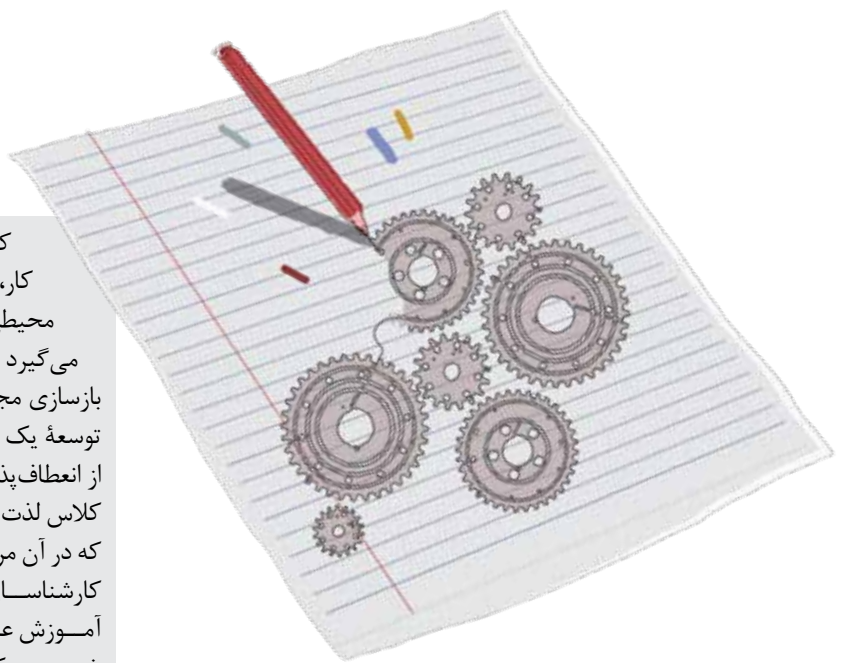


قدرتمندی برای بهبود تعامل با کارآموزان است. فناوری‌های واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) روش‌های تدریس سنتی را با آوردن فراگیرندگان به محیط‌های یادگیری عملی همه‌جانبه بهبود می‌بخشند. به جای تمرین در محیط آزمایشگاهی کنترل شده، اکنون می‌توانیم فرآیندهای (سناریوهای) گوناگون را در محیط‌های شبیه به زندگی شبیه‌سازی کنیم. این تجربه‌ها یادگیری کارآموزان را گسترش می‌دهند. ابزارهایی برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به مربیان کمک می‌کند تا نیازهای متنوع کارآموزان را تشخیص دهند و به آن‌ها پاسخ دهند. این امر، به‌ویژه با توجه به مسئولیت‌های متعدد مربیان و نیازهای منحصر به فرد هر کارآموز، اهمیت دارد. فناوری همچنین فرصتی برای شخصی‌سازی یادگیری فراهم می‌کند. عمل ساده بارگذاری (آپلود) سخنرانی‌ها و محتوا به‌صورت برخط به کارآموزان اجازه می‌دهد با سرعت

نقش‌های شغلی مناسب آماده کنند. تا به امروز بیش از ۴۰۰ شرکت‌کننده به‌عنوان مربیان کارآموزان WSDip شرکت کرده‌اند.

نکته اصلی این است که ما باید نظامی داشته باشیم تا از ثروت مجموعه مهارت‌های مربیان خود اطمینان حاصل کند تا بتوانیم ثروت مهارتی مجموعه مهارت‌های دانش‌آموزان خود را فعال و بیشتر کنیم. بنابراین، همه چیز با مربیان شروع می‌شود.

مورد بعدی که می‌خواهیم در مورد آن صحبت کنم، مجموعه ابزار مناسب است. ما باید مربیان خود را به مجموعه ابزار مناسب برای طراحی تجربه‌های یادگیری جذاب و شخصی مجهز کنیم. مدلی تک‌اندازه و تک‌بعدی دیگر برای ما کار نمی‌کند. تجربه آموزشی جذاب‌تر و شخصی‌شده‌تر به کارآموزان کمک می‌کند از یادگیری لذت ببرند و آن‌ها را وادار می‌کند تا آخر عمر به یادگیری ادامه دهند. فناوری ابزار



کنیم. مهم‌تر از همه، در تلاش برای انجام این کار، از آن‌ها حمایت کنیم. در سنگاپور، ما به ایجاد محیطی متعهد هستیم که یادگیری مستمر را جشن می‌گیرد و به مربیان فرصت‌هایی برای یادگیری، رشد و بازسازی مجدد می‌دهد. برای حمایت از این امر، ما در حال توسعه یک مدل اشتغال هستیم که در آن مربیان می‌توانند از انعطاف‌پذیری گذراندن زمان، هم در محل کار و هم در کلاس لذت ببرند. یکی از راه‌ها از طریق تبادل کارکنان است که در آن مربیان پیوسته‌های صنعت را برعهده می‌گیرند و کارشناسان صنعت به‌عنوان مدرس کمکی در مؤسسه‌های آموزش عالی (IHLS) یا مؤسسه‌های یادگیری مستمر خدمت می‌کنند.

برای مثال، طرح پیوست صنعت جمهوری پلی تکنیک از مربیان حمایت می‌کند دانش خود را با آخرین شیوه‌ها و پیشرفت‌های صنعت از طریق پروژه‌های صنعتی مشترک، و خدمات مشاوره ارائه‌شده به شرکت‌ها از طریق بیانیه‌های مشکل شناسایی شده متقابل تجدید کنند.

در عین حال، ما همچنین باید مشوق‌های سازمانی را برای تشویق همکاری‌های بین مربیان ارائه کنیم. این همکاری‌ها می‌توانند بر تخصص و مهارت‌های بی‌رشته تأثیر بگذارد و مربیان را به یادگیری از یکدیگر تشویق کند.

مهم‌تر از آن، دولت و نهادهای آموزشی نمی‌توانند همه این‌ها را به تنهایی انجام دهند. یک عامل کلیدی و ذی‌نفع برای ما در تجهیز مربیان به مهارت، ابزار و طرز فکر مناسب، صنایع ما خواهند بود. حمایت از شرکای صنعتی در حصول اطمینان از اینکه به مربیان بیشتر فرصت‌هایی برای کسب مهارت‌های مربوطه داده می‌شود و ذهنیت یادگیری مادام‌العمر را ایجاد می‌کنند، بسیار مهم است. این به نوبه خود به برنامه‌داری مرتبط‌تر و کارآموزان ماهرتر وارد نیروی کار منجر می‌شود. از این‌رو، به نفع شرکای صنعت ماست که با مؤسسات ما همکاری نزدیک داشته باشند، مربیان خود را به گونه‌ای تجهیز کنند که بتوانند به‌طور مؤثر یادگیرندگان ما را آموزش دهند. اگر نسل‌های مربی را تجهیز و آماده کنیم، آن‌ها به ما کمک می‌کنند نسل‌های بیشتری از یادگیرندگان را ارتقا دهیم.

تلاش برای ایجاد نسلی از یادگیرندگان مادام‌العمر باید از مربیان ما شروع شود. ما باید مربیان را به مهارت‌های مرتبط با صنعت، ابزارهای مناسب برای افزایش تجربه یادگیری برای دانش‌آموزان و طرز فکر مناسب برای یادگیری مادام‌العمر مجهز کنیم.

خود پیشرفت کنند. امروز قراردادن اطلاعات در یک ویدیوی یک‌ساعته یوتیوب برای یادگیرندگان جوان ما جالب نخواهد بود. لذا باید با «پودمان» (ماژول)های کوچکی همراه شود که نه تنها اطلاعات و دانش را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، بلکه آن‌ها را در یادگیری، بررسی پیشرفت خود و ترسیم مسیر خود درگیر کند. نظام‌های یادگیری تطبیقی ظرفیت یک رویکرد سفارشی‌تر را به ما نشان می‌دهند که با سرعت یادگیری هر کارآموز تنظیم می‌شود.

مؤسسات ما به‌طور فعال این فناوری‌ها را بررسی و مربیان را تشویق می‌کنند آن‌ها را در آموزش خود بگنجانند. این شرایط به چیزی بیش از سرمایه‌گذاری در زیرساخت، نرم‌افزار یا سخت‌افزار نیاز دارد. فناوری فقط یک توانمندساز است. آنچه مهم‌تر است، این است که آیا می‌دانیم چگونه از آن به‌طور کارآمد و مؤثر استفاده کنیم؟ از طریق فرصت‌های توسعه حرفه‌ای، می‌توانیم ظرفیت مربیان خود را برای استفاده از این فناوری‌های جدید، برای طراحی مجدد تجربه کلاس درس، افزایش دهیم. استفاده از ابزارهای مناسب همچنین می‌تواند زمان بیشتری را در اختیار مربیان ما قرار دهد تا تأثیر معناداری در کلاس درس ایجاد کنند.

من در مورد مهارت‌های مناسب برای مربیان و ابزارهای مناسب برای مربیان صحبت کرده‌ام. سومین و آخرین نکته به‌طور مسلم مهم‌ترین است. طرز فکر صحیح مربیان. مربیان ما باید در کنار کارآموزان خود بیاموزند و به‌طور دائم از صنعت پیشرو و شیوه‌ها و روش‌های تجاری و کسب و کار بیاموزند. آن‌ها باید فراتر از تخصص موجود خود بروند و به ارتقا و بازآموزی خود برای کسب مهارت‌های مناسب مایل باشند. اگر مربیان ما بتوانند این طرز فکر را به کارآموزان ما نشان دهند، می‌توانند قوی‌ترین اراده را برای یادگیری مادام‌العمر داشته باشند.»

برای القای این ذهنیت در بین کارکنان، باید فرهنگ و نگرش صحیح نسبت به یادگیری مستمر را در آن‌ها ایجاد

منبع

\* <https://www.moe.gov.sg/news/speeches/20220628-speech>

# بوم اقتصادی

فاطمه پازوکی



مدیر دبیرستان شهید محمد منتظری، منطقه ۱۳



برای کسب اطلاعات  
بیشتر، رمزینه را  
پویش کنید.

مربا آماده کنیم. بعضی می‌خواستند وسایل تزئینی آماده کنند. بعد از گذشت مراحل آماده‌سازی و تعیین قیمت تمام‌شده، با آموزش‌های موجود در کلاس درس با بچه‌ها جلسه گذاشتم و به آن‌ها گفتم حیاط مدرسه در اختیار شماست. حالا هر وقت صلاح می‌دانید، بازارچه را برپا کنید و یادتان باشد، هر کار تبلیغی، دعوت‌نامه و هزینه‌هایش به عهده شخص فروشنده است. طبق قرارداد دو درصد از درآمدها را که باید برای اجاره فضا در نظر می‌گرفتید، به تهیه نوشت‌افزار برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت اختصاص دهید.

در این روزها رشد و بالندگی و نشاط عجیبی در دانش‌آموزان می‌دیدم. مدرسه دست‌های پدران‌هاش را برای رشد فرزندانش باز کرده بود و دختران عزیزمان در حال یادگیری پرواز بودند. در آن روزها بزرگ‌شدن بچه‌ها را شاهد بودم. بعد از برپایی بازارچه و اتمام کار، با بچه‌ها جلسه گذاشتم ببینم نتیجه کار را چگونه دیدند. دانش‌آموزان مطالب جالبی را مطرح می‌کردند. اینکه چقدر برنامه‌ریزی در کار خوب است؟ چقدر کسب درآمد حلال کاری سخت و شیرین نیست؟ از این به بعد بیشتر پس‌انداز می‌کنیم و بیشتر قدر داشته‌هایمان را می‌دانیم. از همه مهم‌تر، چقدر مدرسه در طول دوران آموزش مهارت اقتصادی خوب و شاد بود؟ این نکته برای من مدیر بسیار مهم بود که دانش‌آموزان ما چقدر نیازمند کسب مهارت‌های زندگی هستند و چه فرصت مناسبی است که بچه‌ها اعتماد صدچندان نسبت به مدرسه پیدا کنند. چون مدرسه بهترین جایگاه رشد برای دانش‌آموزان است.

امسال نیز در صدد اجرای طرح بوم (برنامه ویژه مدرسه) بودیم. از شهریور کارهای مقدماتی را انجام دادیم؛ نیازسنجی و جلسه و جمع‌بندی نقطه‌نظرات. یکی از موضوعاتی که به انجمن‌های گوناگون از مدرسه مطالبه شده بود، مدیریت مسائل مالی بود. واقعیت این بود که مسائل اقتصادی برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها بسیار مهم شده بودند و این دور از ذهن نبود. در چندین جلسه با شورای مدرسه و شورای دبیران تبادل نظر کردیم، چون ورود به این قبیل مسائل و آموزش آن، همان قدر که ضروری است، اگر درست آموزش داده نشود، می‌تواند آسیب‌زا باشد. پس از بررسی‌های کارشناسی تصمیم گرفتیم که در کلاس‌های بوم، اول از همه از ضرورت کسب معاش حلال آغاز کنیم. برای تکیه و تأکید بر حلال بودن کسب در شروع این آموزش بسیار مهم می‌نمود از جایگاه کسب معاش حلال در دین و جامعه صحبت شود. سپس موضوع مهم بازاریابی مورد توجه قرار گیرد. بچه‌ها باید بدانند می‌خواهند چه کاری را تولید کنند، توانایی‌شان تا چه حد است و از همه مهم‌تر، آیا کار ارائه‌شده بازار فروش خوبی دارد؟ و یاد بگیرند متناسب با نیاز جامعه کوچک مدرسه، خانواده و فامیل دست به تولید بزنند.

در طول این دوران که بر کلاس‌ها نظارت داشتیم، بارها شاهد بودم بچه‌ها برای تولید دست‌ساخته‌هایشان خط عوض می‌کردند. بعضی که می‌خواستند لیف ببافند، بعد از بررسی بازار هدف می‌گفتند این کار درآمدزا نیست. باید برویم سراغ مواد غذایی. برای مثال سبزی‌های خشک آماده تهیه کنیم یا



# تغییر ماهیت مشاغل

دکتر بهزاد بیگ پوریان



## بیان مسئله

صنعت یک عامل مؤثر در ایجاد اشتغال و رفاه در سراسر دنیا محسوب می‌شود، اما برای اینکه جوامع شاهد این تغییر مثبت باشند، تمامی نهادهای اقتصادی، سیاسی و آموزشی باید خود را برای نسل‌های جدید صنعت آماده کنند. امروزه صنعت نسل چهارم که به رقمی (دیجیتال) سازی معروف است، با تکیه بر فناوری‌های روز دنیا همانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا، دوقلوی رقمی، یادگیری ماشین و کلان داده‌ها، تحولی عظیم در صنایع ایجاد کرده است. فناوری‌هایی مانند نانوفناوری، چاپگرهای سه بعدی و اینترنت اشیا واقعیت‌هایی را برای ما به ارمغان آورده‌اند که تا پیش از این حتی تصور آن غیرممکن بود. هم‌زمان با اینکه تمامی حوزه‌های سیاستی از جمله اجتماعی، مالیات، انرژی و سیاست صنعتی باید توسعه یابند، آموزش نیز باید خود را با این نسل جدید تطبیق دهد. باید در این راستا تفکر و تحقیق شود که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ما تا چه اندازه نیاز بازار نسل چهارم را تأمین می‌کند و در ارتباط با موضوع از دست رفتن بعضی از مشاغل (بهتر بگوییم تغییر نوع مشاغل) چه تمهیداتی باید اندیشید؟

## انقلاب صنعتی چهارم و بازار کار آینده

مفهوم صنعت نسل چهارم برای نخستین بار در سال ۲۰۱۱ در آلمان مطرح شد. انقلاب صنعتی نسل چهارم با به کارگیری فناوری‌های نوآورانه بر بازدهی و انعطاف‌پذیری تولید افزوده است. صنعت نسل چهارم با گسترش فناوری‌های رقمی، تمامی ابعاد زندگی ما را تغییر داده است. کارگران صنعت نیز از این بخش مستثنا نیستند. امروزه بسیاری از مهارت‌هایی که قبلاً به آن‌ها نیاز داشته‌ایم، دیگر مورد نیاز صنعت نیستند. برای مثال ربات‌ها در صنایع کارهای تکراری و سنگین را انجام می‌دهند. اما با وجود این، در دنیای جدید صنعت به مهارت‌های جدیدی نیاز دارد که باید شناخته شوند و برای آموزش آن‌ها به کارگران برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد.

## آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در پرتو انقلاب صنعتی نسل چهارم

همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، انتظار می‌رود شایستگی‌های کارگران در سایه انقلاب صنعتی چهارم تغییر

کند. برای تغییر چهره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سه حوزه به برنامه‌ریزی نیاز داریم:

- انجام پژوهش‌های فنی و حرفه‌ای و به‌روزرسانی پداگوژی‌های فنی و حرفه‌ای؛
- به‌روزرسانی مهارت‌آموزی و افزایش دانش رقمی مدیران، هنرآموزان و هنرجویان؛
- ارتباط نزدیک با صنعت.

## انجام پژوهش‌های فنی و حرفه‌ای و به‌روزرسانی پداگوژی‌های فنی و حرفه‌ای

به‌منظور توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منطبق با نسل جدید صنعت، پژوهش‌های این حوزه باید تقویت شود. تأسیس رشته آموزش فنی و حرفه‌ای و مهندسی در دوره دکتری یکی از اقداماتی است که می‌تواند کمک بسیاری به این حوزه در کشورمان کند. به‌منظور درک بهتر سه حوزه، که می‌تواند تمرکز پژوهش‌های فنی و حرفه‌ای باشد، نکاتی به‌اختصار بیان می‌شوند:

۱. دنیای کار: دنیای کار در صنعت نسل چهارم چگونه تغییر می‌یابد و نیازهای روز دنیای کار چیست؟ آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ما بر دنیای امروز کار منطبق هستند؟
  ۲. کیفیت آموزش: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با آموزش‌های نظری متفاوت هستند. بنابراین روش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و پداگوژی‌هایی نظیر آموزش در محیط کار واقعی، آموزش ترکیبی، آموزش مبتنی بر شایستگی و کارهای تیمی باید در هنرستان‌های کشورمان مورد تحقیق، مطالعه و ارزیابی قرار گیرند.
  ۳. هنرآموزان: آیا هنرآموزان ما مطابق با تغییرات جدید صنعت آموزش داده می‌شوند؟ هنرآموزان چگونه می‌توانند اهداف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را محقق کنند؟ آیا آن‌ها به دانش پداگوژی روز دنیا مجهز هستند.
- در این قسمت، نقش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بسیار حائز اهمیت است. چه تعداد از تحقیقات انجام شده در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه شهید رجایی تربیت دبیر شهید رجایی با این حوزه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای مرتبط هستند؟ برنامه این دانشگاه برای تربیت محققان آموزشی در کنار آموزش

صنعت روز دنیا چیست؟ برنامه بلندمدت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی در این زمینه چیست؟

## به‌روزرسانی مهارت‌آموزی و افزایش دانش رقمی مدیران، هنر آموزان و هنرجویان

برنامه درسی فنی‌وحرفه‌ای، محتوای درس‌ها و روش‌های تدریس و ارزشیابی باید مطابق نیاز نسل چهارم صنعت تغییر کنند. چند نمونه از مهارت‌هایی که در نسل چهارم صنعت موردنیاز هستند، عبارت‌اند از: دانش رقمی، دانش تخصصی رشته و مهارت‌های بین‌رشته‌ای و بین فرهنگی، اشتیاق برای یادگیری و به‌روزرسانی یادگیری مطابق با تغییرات روز صنعت، تفکر خلاق، مهارت حل مسئله، برقراری ارتباط مؤثر، کار تیمی و نگرش کارآفرینانه. امروزه صنعت به دنبال افرادی می‌گردد که می‌توانند خلاقانه در یک گروه تفکر کنند و قدرت حل مسئله در شرایط بین‌رشته‌ای را داشته باشند. این مهارت‌ها و شایستگی‌ها به‌جای آنکه به‌صورت جداگانه آموزش داده شوند، باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند آموزش در نظر گرفته شوند. مهارت‌آموزان باید این مهارت‌ها را در محیط واقعی تمرین و به‌صورت مداوم در ارتباط با فرایند یادگیری خود تفکر کنند.

با توجه به اینکه امروزه دانش رقمی اهمیتی روزافزون در تمامی رشته‌ها دارد، لازم است این نوع آموزش‌ها در فنی‌وحرفه‌ای تقویت شوند. روش‌های جدید آموزش همانند آموزش‌های معکوس، شبیه‌سازی، و واقعیت‌های مجازی و افزوده، در کنار آموزش در محیط واقعی، نه‌تنها فرصتی را در اختیار هنرجویان قرار می‌دهد که با شخصی‌سازی آموزش، مهارت‌های تخصصی خود را تقویت کنند، بلکه آن‌ها را به دانش رقمی مجهز می‌کند که موردنیاز صنعت نسل چهارم است. البته باید به این نکته توجه شود که این آموزش باید در تمامی سطوح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی درسی، مدیریت مراکز آموزشی، هنرآموزی و هنرجویی صورت پذیرد.

### ارتباط نزدیک با صنعت

امروزه با توجه به تغییرات سریع صنعت، مراکز آموزشی دیگر قادر به تطبیق کامل آموزش با نیازهای روز صنعت نیستند و هنرستان‌های ما باید با صنعت ارتباط نزدیک‌تری داشته باشند.

بازنگری مدل‌های ارتباط صنعت با آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، و همکاری وزارتخانه‌های مرتبط، مراکز دولتی و غیردولتی از جمله اقداماتی هستند که در این زمینه می‌توانند صورت بگیرند.

### نتیجه‌گیری

درک بازار آینده و انجام اقدامات لازم برای به‌روزرسانی مهارت‌آموزی کارگران. انجام پژوهش‌های فنی‌وحرفه‌ای و به‌روزرسانی پداگوژی‌های فنی‌وحرفه‌ای، به‌روزرسانی مهارت‌آموزی و افزایش دانش رقمی مدیران، هنرآموزان و هنرجویان و ارتباط نزدیک آموزش فنی‌وحرفه‌ای با صنعت از جمله اقداماتی هستند که در زمینه صنعت نسل چهارم و ارتباط آن با آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای می‌توان انجام داد. نگارنده این مقاله، با توجه با کوتاه‌بودن مقاله، تنها به شرح مختصری از این اقدامات بسنده کرد و خوانندگان را به تحقیق و مطالعه بیشتر در ارتباط با هر یک از این زمینه‌ها دعوت می‌کند.

### منابع

1. Thomas Schröder (2019). A regional approach for the development of TVET systems in the light of the 4th industrial revolution: the regional association of vocational and technical education in Asia. International Journal of Training Research, 17:sup1, 83-95, DOI: 10.1080/14480220.2019.1629728
2. Chui, M., Manyika, J., & Miremadi, M. (2016). Where machines could replace humans—And where they can't (yet). San Francisco, CA: McKinsey & Company
3. Halik Bassah, N. A. S. (2022). The issues and challenges of TVET in Malaysia: from the perspective of industry experts. In: TVET@Asia, issue 18, 1-15.
4. European Commission, Directorate-General for Research and Innovation, Breque, M., De Nul, L., Petridis, A. (2021). Industry 5.0: towards a sustainable, human-centric and resilient European industry, Publications Office. <https://data.europa.eu/doi/10.2777/308407>





# واکاوی درس کار و فناوری

سید میثم موسوی

تصویرگر

محمد حسین جوکار

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه

تربیت دبیر شهید رجایی تهران و مشاور مدرسه



## توصیف

مسئولان آموزش و پرورش و متصدیان نظام تعلیم و تربیت در سال‌های اخیر به انجام اصلاحاتی در نظام آموزشی کشور اقدام کرده‌اند. تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تدوین سند برنامه درسی ملی و گنجانیدن حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری در آن و همچنین تألیف کتاب‌های کار و فناوری از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه اول، از اقدامات اساسی در آماده کردن دانش‌آموزان در جهت کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری از حوزه‌های یازده‌گانه‌ای است که در برنامه درسی ملی لحاظ شده و شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری علوم وابسته، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، است. این شایستگی‌ها برای تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های گوناگون اقتصادی و زندگی اجتماعی ضروری‌اند. آموزش فناوری، کار و مهارت‌آموزی به پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه‌یافتگی خواهد رسید. شایستگی‌های این حوزه در دوره آموزش عمومی به‌صورت عینی، تجربی و بیشتر درهم‌تنیده با دیگر حوزه‌های تربیت و یادگیری و از طریق کسب تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد و زمینه هدایت دانش‌آموزان را با توجه به علاقه‌ها و توانایی‌هایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی فراهم می‌کند.

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه این موضوع، میزان توجه به سواد فناوری در برنامه درسی ملی در حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری بالاتر از حد متوسط است و تا حد بسیار زیادی به آن توجه شده است. بین استانداردهای سواد فناوری از لحاظ میزان انطباق با صلاحیت‌های در نظر گرفته‌شده برای معلمان، تفاوت معناداری وجود ندارد. اجرای مطلوب برنامه درسی ملی در حوزه مربوطه، نیازمند مساعدت و توجه ویژه معلمان و بهره‌مندی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی مناسب در نظر گرفته‌شده در این برنامه است. لذا مفاد آن باید در مهندسی نیروی انسانی و در برنامه‌های آموزشی، جذب و توانمندسازی و بازآموزی معلمان قبل از خدمت و در ضمن خدمت مورد توجه جدی قرار گیرد (ابادری، ۱۳۹۷).



یافته‌های پژوهش شاهواری و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که معلمان درکی سطحی نسبت به برنامه‌درسی کار و فناوری دارند. همچنین، غفلت مسئولان از دانش عملی معلمان و نبود راهبردی مناسب برای ارزشیابی، سبب بی‌انگیزی معلمان این برنامه‌درسی و کناره‌گیری تعدادی از آنها از گستره آموزشی شده است. بهبود نگرش معلمان نسبت به برنامه‌درسی جدید کار و فناوری با ارائه آموزش‌های مناسب ضمن خدمت، ایجاد بستر مناسب برای تدریس و ارتباط مستمر با مسئولان امکان‌پذیر خواهد بود و سطح آگاهی مدیران و والدین نسبت به اهمیت برنامه‌درسی جدید کار و فناوری به بازنگری نیاز دارد.

مقوله‌های اصلی پژوهش ادیب و همکاران در الگوی مطلوب آموزش فناوری عبارت‌اند از: ماهیت فناوری و مفاهیم فناورانه؛ رابطه فناوری با جامعه، طراحی و حل مسئله فناورانه؛ شایستگی‌های غیرفنی و فنی؛ توانایی انتخاب و استفاده از فناوری در زمینه‌های گوناگون از جمله فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، حمل‌ونقل، پزشکی، انرژی، تولید، ساختمان، کشاورزی و اقتصاد خانه. یافته‌های تحقیق **روگیرس** (۲۰۱۶) نشان داد، مربیان فناوری و صنعت در تمام زمینه‌های برنامه‌درسی نیازمند تکمیل برنامه‌های آموزش فناوری برای داشتن ویژگی‌های حوزه عاطفی مانند قابلیت اعتماد، وقت‌شناسی، صداقت، افتخار کردن به کار، توانایی همکاری با دیگران و داشتن نگرش ایمن هستند. **ساندرز** (۱۹۹۳) بیان می‌کند، هدف از آموزش فناوری، سواد فناورانه جهانی است. او در این زمینه به سه رویکرد آموزشی غالب در برنامه‌درسی آموزش فناوری (پروژه‌های دانش‌آموزی، حل مسئله فناورانه و بودمان آموزش فناوری) اشاره می‌کند. نتایج پژوهش **همیلتون و میدلتون** (۲۰۰۲) نشان داد، اجرای آموزش فناوری با دسترسی و مشارکت در آموزش ضمن خدمت، افزایش کیفیت، امکانات مناسب و تجهیزات، پشتیبانی از مدیریت مدرسه، بودجه کافی برای بهبود مستمر امکانات و خرید تجهیزات، بازاریابی فعال و ارتقای موضوع به دانش‌آموزان و دیگر کارکنان آموزشی، مدیریت مدرسه و مدرسه جامع گسترده‌تر، و مشارکت معلمان در توسعه برنامه‌درسی را بهبود می‌بخشد.

### تحلیل

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به درس کار و فناوری یا هر محتوای دیگر، کیفیت و نحوه پرداختن به محتوا و تدریس آن است. با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده، برنامه‌درسی کار و فناوری از نظر شاخص‌ها در حد مطلوبی است؛ هرچند ایرادهایی به آن وارد و نیازمند اصلاح است. لذا در این مقاله بر کیفیت‌بخشی به همین محتوای موجود تأکید خواهد بود. بسیاری اوقات تغییر به‌جای جایگزینی کامل پدیده جدید می‌تواند در نحوه نگرش و اجرای آن پدیده رخ دهد. پرداختن به روشی دیگر و از منظری دیگر می‌تواند بسیاری از اصلاحات مطلوب ما را با هزینه کمتر



۳. تولیدات محتوایی جذاب و اثربخش به منظور غنی‌سازی کیفیت، مانند پرداختن به محتوای درس‌ها.
۴. پیش‌بینی و اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های خلاقانه متناسب با ظرفیت هر بوم و منطقه به منظور عملی‌سازی محتوای نظری این درس.
۵. تدارک شرایط و امکانات لازم برای دانش‌آموزان به منظور کسب تجربه‌های شغلی در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای سپری کردن مراحل انتخاب شغل.
۶. ارزیابی کیفی میزان دستیابی به اهداف مطرح‌شده، از طریق نظرسنجی‌های مستمر و علمی از دانش‌آموزان و دبیران.
۷. توجه ویژه به نقش مشاوران مدرسه در اهمیت‌بخشی و افزایش کارایی این درس، از طریق تدریس مستقیم (بودمان‌های مرتبط) و ارائه خدمات مشورتی به دبیران دارای ابلاغ درس کار و فناوری.

#### منابع

۱. ابوالحسنی، زهرا؛ دهقانی، مرضیه؛ جوادی‌پور، محمد؛ صالحی، کیوان؛ محمدحسنی، نسرین (۱۴۰۰). کاوشی پدیدارشناسانه بر تعیین نقاط قوت و ضعف اجرای برنامه درسی کار و فناوری و راهکارهای بهبود وضعیت اجرای آن. علوم تربیتی، ۲۸(۱)، ۶۷-۸۸. doi: 10.22055/10.21.35606.3137.edus
۲. کوهستانی‌نژادطاری، آذردهخت؛ ابادری، زهرا؛ میرحسینی، زهره (۱۳۹۷). سواد فناوری معلمان در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری. فناوری آموزش ۱۲(۲)، ۱۴۹-۱۵۹. doi: 10.22061/10.21.1995.1510.jte
۳. ملکی، مهدی؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ نیلی، محمدرضا (۱۳۹۹). کاوشی پدیدارشناسانه بر تعیین مهارت‌های اساسی برنامه درسی کار و فناوری. فناوری آموزش ۱۴(۲)، ۳۶۹-۳۸۱. doi: 10.22061/10.21.4951.2141.jte
۴. شاهواری، کیان، نیکنام (۲۰۱۷). کاروفناوری: تجربه زیسته معلمان. دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی. ۴(۸)، ۱۵۹-۱۸۰.
5. National Curriculum of Islamic Republic of Iran. Tehran: Organization for Research and Planning Education; 2012. Persian.
6. Adib U, et al. Design and validation of the optimal Pattern of «Technology Education» Curriculum for basic education (Basic 9-1). [dissertation]. Tabriz University - Faculty of Psychology and Educational Sciences; 2016.
7. Rogers GE. Technology education curricular content: A trade and industrial education perspective. Journal of Industrial Teacher Education. 1995; 32(3):59-74.
8. Sanders ME. Technology education in the middle level school: Its role and purpose. NASSP Bulletin. 1999; 83(608):34-44.
9. Hamilton C, Middleton H. Implementing technology education in a high school: A case study. Learning in Technology. education: Challenges for the 21st Century. 2002; 152-60.

محقق کند. در این مسیر می‌توان ارتقا و بهبود عوامل موجود را اهرمی برای افزایش کیفیت و کارایی محتوای درسی به کار گرفت. به نظر نگارنده، عواملی مانند توانمندسازی دبیران حین خدمت، آموزش و توانمندسازی نومعلمان دانشگاه فرهنگیان قبل از آغاز خدمت، تولید محتوای چندرسانه‌ای جذاب و به‌روز، بهبود امکانات، تجهیزات و منابع موردنیاز و طراحی فعالیت‌های غنابخش در حوزه درسی کار و فناوری می‌تواند نتایج جدید مطلوبی را در این زمینه به بار آورد. پررنگ‌شدن نقش مشاوران در آموزش درس کار و فناوری به‌صورت مستقیم به‌عنوان دبیر یا به‌صورت غیرمستقیم به‌عنوان تسهیل‌کننده، و دادن خدمات مشورتی، در کنار دبیران محترم و از طریق برنامه‌ریزی فعالیت‌های بازدیدی، کارگاهی، بازارچه‌ها و جشنواره‌های مناسبی مرتبط با بوم و جغرافیای منطقه، می‌تواند از مواردی باشد که به‌صورت نظام‌دار به این مهم کیفیت می‌بخشد و نتایج آن بر خودشناسی، شناخت توانمندی‌ها، علاقه‌ها، و شناخت مشاغل دانش‌آموزان و در نهایت هدایت تحصیلی صحیح و اصولی ایشان تأثیر جدی و مستقیم دارد که یکی از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش است. پرواضح است، هرگونه محتوایی با توجه به روزمرگی‌های زمان و گسترش دانش و فناوری و نیاز بشر، نیازمند به‌روزآوری، تجدیدنظر و تغییر است. لذا همان‌طور که در نتایج پژوهش‌های انجام‌شده، برخی محتواهای کتاب‌های کار و فناوری غیرمفید یا غیرکاربردی تشخیص داده شده‌اند، توصیه می‌شود در کنار تغییر چنین موضوعاتی، به‌صورت موردی به موضوع کیفیت‌بخشی، نحوه پرداخت و عملکرد در موارد دیگر نیز به‌صورت جدی توجه شود. چرا که اگر محتوای جدید و بی‌نقصی هم تدوین شود، نپرداختن به عوامل اجرایی و عملیاتی و کیفی آن ممکن است موجب ناکارآمدی آن محتوا شود.

#### پیشنهاد عملی

با توجه به چالش‌ها و ضعف‌های موجود، این پیشنهادها می‌توانند در مرتفع‌کردن چالش‌ها و حرکت به سمت دستیابی به اهداف مهم درس کار و فناوری کمک‌کننده باشند:

۱. آموزش و توانمندسازی دبیران درس کار و فناوری به‌صورت جدی و با رویکرد جدید و عملیاتی با استفاده از ظرفیت گروه‌های آموزشی، آموزش‌های ضمن خدمت و رسانه‌ها.
۲. توجه ویژه به این درس در دانشگاه فرهنگیان ویژه دانشجومعلمان، از طریق پیش‌بینی سرفصل‌های جدید یا در ذیل واحدها و سرفصل‌های مرتبط موجود، مانند درس پژوهی و کارورزی.



نوشته ریک سالیوان



ترجمه احمد شریفان

# مهارت آموزی با کدام رویکرد؟

از مهارت شما در پرواز با هواپیما نیز ارزشیابی به عمل آید. مسلم است، استفاده از نظام آموزشی مبتنی بر زمان، به منظور مهارت آموزی و کسب مهارت در مدرسه و دانشگاه‌ها مناسب نیست و به جای آن می‌توان از رویکرد شایستگی محور برای مهارت آموزی<sup>۳</sup> یادگیرندگان استفاده کرد.

## رویکرد شایستگی محور به چه معناست؟

در نظام آموزش سنتی، زمان واحد پیشرفت تلقی می‌شود و آموزش معلم محور است. اما در رویکرد شایستگی محور، کسب دانش و مهارت‌های خاص واحد پیشرفت به شمار می‌آید و آموزش، شرکت کننده محور است. دو اصطلاح اساسی که در رویکرد شایستگی محور برای مهارت آموزی استفاده می‌شوند، مهارت و شایستگی هستند.

\* مهارت چیست؟ به تکلیف یا گروهی از تکالیف عملکردی می‌گویند که سطح خاصی از شایستگی یا قابلیت را شکل می‌دهند و غالباً برای اجرای آن‌ها نیازمند استفاده از ابزار و وسایل هستیم. بعضی از این مهارت‌ها مانند مشاوره، دانش و نگرش محور هستند.

\* شایستگی چیست؟ توانایی عمل به یک مهارت برای دستیابی به یک ملاک، تحت شرایطی خاص را شایستگی یا قابلیت گویند.

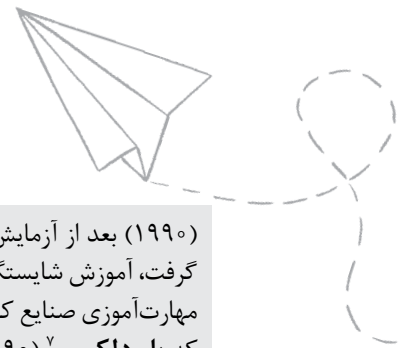
در حمایت از مهارت آموزی مبتنی بر شایستگی شواهد زیادی وجود دارند. نورتن<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) معتقد است، مهارت آموزی شایستگی محور باید در مقابل مفهوم قدیمی «یادگیری مبتنی بر زمان» به کار برود. فویستر<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) بر این باور است که استفاده از الگوی سنتی مدرسه به منظور مهارت آموزی، کارایی لازم را ندارد. آنتونی واتسون<sup>۶</sup>

روزانه در سطح جهان میلیون‌ها دانش آموز به مدرسه می‌روند. این دانش آموزان طبق یک برنامه از قبل تعیین شده، در طول هر سال تحصیلی موضوعات درسی متنوعی مانند علوم، ادبیات و ریاضی را مطالعه می‌کنند. اگرچه پیشرفت دانش آموزان در هر ماده درسی بر زمان مبتنی است، اما در طول سال تحصیلی، معلم انتظار دارد دانش آموزان از نظر پیشرفت در یادگیری محتوای درس‌ها در نقطه یا سطح خاصی قرار بگیرند. از سوی دیگر، همان‌طور که می‌دانیم، امکان پذیر نیست که همه دانش آموزان در یک زمان آموزشی مشخص (واحد) به سطح یا درجه خاصی از یادگیری برسند، بلکه این شرایط نیازمند برنامه زمانی خاصی برای هر دانش آموز است. به همین دلیل، معلمان آزمون‌های دوره‌ای را برای آگاهی و اطمینان از اینکه دانش آموزان مفاهیم و اصول را درک کرده‌اند، اجرا می‌کنند و نمره‌ای که دانش آموزان کسب کرده‌اند، برای تعیین رتبه و سطح یادگیری‌شان به کار می‌رود.

حال اگر دانش آموزی در آزمون به عمل آمده عملکرد مطلوب نداشته باشد (نمره خوبی نیابد)، برای معلم ناراحت کننده و دشوار خواهد بود که مطابق با برنامه زمانی از پیش تعیین شده برای آموزش دانش آموزان و اصلاح کاستی‌های یادگیری آنان پیش برود.

با اینکه رویکرد سنتی آموزش مبتنی بر زمان<sup>۱</sup> می‌تواند در طول سال تحصیلی پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی را به همراه داشته باشد، اما هنگامی که هدف از مهارت آموزی<sup>۲</sup> دانش آموزان کسب مهارت‌های مربوط به یک شغل باشد، استفاده از این رویکرد در مهارت آموزی اثربخش نیست و ناکارآمد است. برای مثال، فرض کنید در یک دوره خلبانی شرکت کرده‌اید. در پایان دوره، به آزمون نوشتاری درباره دانش خلبانی‌تان پاسخ داده و نمره خوبی نیز کسب کرده‌اید. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا داشتن دانش خلبانی نشان دهنده توانایی شما برای پرواز با هواپیماست؟ حتماً پاسخ شما منفی است. از این‌رو، افزون بر سنجش دانش، باید





(۱۹۹۰) بعد از آزمایش سه برنامه شایستگی محور نتیجه گرفت، آموزش شایستگی محور به منظور استفاده از دوره‌های مهارت‌آموزی صنایع کارایی دارد. افزون بر این، در مطالعه‌ای که **پل دلکر**<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) در خصوص برنامه‌های آموزش مهارت‌های پایه در تجارت و صنعت انجام داد، نتیجه گرفت که برنامه‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور کارآمد هستند. نورتن (۱۹۸۷) پنج عنصر اساسی نظام مهارت‌آموزی شایستگی محور را به شرح زیر توصیف کرده است:

- \* تعیین و تعریف دقیق قابلیت‌ها (شایستگی‌های مورد نظر برنامه)؛

- \* تعیین ملاک‌ها و شرایط سنجش پیشرفت؛
- \* تهیه برنامه آموزشی برای پیشرفت فردی و ارزشیابی هر یک از شایستگی‌های خاص؛
- \* سنجش شایستگی شرکت‌کنندگان در دوره مهارت‌آموزی از نظر دانش و نگرش‌های کسب‌شده با استفاده از تکالیف عملکردی؛
- \* پیشرفت شرکت‌کنندگان از طریق برنامه آموزشی، با توجه به ملاک‌های تحقق شایستگی‌های خاص.

### ویژگی‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور

چگونه برنامه مهارت‌آموزی شایستگی محور را تشخیص بدهیم؟ طبق نظر فویستر (۱۹۹۰)، دلکر (۱۹۹۰) و نورتن (۱۹۸۷) چندین ویژگی کلیدی برای شناسایی برنامه مهارت‌آموزی شایستگی محور وجود دارد که عبارت‌اند از:

- \* شایستگی‌ها به‌طور دقیق و روشن انتخاب شده‌اند؛
- \* برنامه‌های نظری با مهارت‌های عملی تلفیق شده‌اند. افزون بر این، دانش پایه برای عمل به مهارت‌ها، قبلاً توسط شرکت‌کنندگان آموخته شده است؛

- \* جزء به جزء شرح‌دادن مواد مهارت‌آموزی، کلیدی برای پیشرفت شایستگی‌ها و طراحی برای دستیابی به دانش و مهارت‌هاست؛

- \* الگوهای آموزش، یادگیری در حد تسلط را شامل می‌شوند و بر این باور طراحی شده‌اند که شرکت‌کنندگان توانایی کسب دانش یا مهارت‌ها را دارند. افزون بر این، زمان و شرایط مناسب با روش‌های مهارت‌آموزی نیز فراهم شده‌اند؛
- \* دانش و مهارت‌های شرکت‌کنندگان مورد سنجش قرار می‌گیرند تا مشخص شود این افراد به شایستگی‌های مورد نظر (دانش و مهارت‌ها) در حد مورد قبول دست‌یافته‌اند یا خیر؛

- \* سرعت یادگیری شرکت‌کنندگان بر پایه توانایی آنان تنظیم می‌شود؛
- \* رویکردهای مهارت‌آموزی در گروه‌های بزرگ نیز قابل استفاده است. در واقع، یکی از مؤلفه‌های اساسی، امکان انجام

فعالیت به‌طور گروهی و فردی است؛

- \* مواد آموزشی مورد استفاده از تنوع زیادی برخوردارند. به‌طوری که شامل مواد دیداری شنیداری، شبیه‌سازی، چاپی و نظایر آن‌ها می‌شوند؛

- \* به پایان رسیدن دوره مهارت‌آموزی برای شرکت‌کنندگان، مستلزم دستیابی به تمامی شایستگی‌های خاص از قبل تعیین‌شده در دوره یادشده است.

### مزایا و محدودیت‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور

اصلی‌ترین مزیت مهارت‌آموزی شایستگی محور این است که روی موفقیت هر یک از شرکت‌کنندگان در دوره متمرکز است. واتسون (۱۹۹۰) اظهار می‌دارد، رویکرد شایستگی محور «فایده‌های خاصی را در شرایط مهارت‌آموزی (جایی که هنرجو به تعداد کمی از شایستگی‌های خاص مرتبط با شغل توجه دارد) فراهم می‌کند.» نورتن (۱۹۸۷) فایده‌هایی برای مهارت‌آموزی شایستگی محور برشمرده است که عبارت‌اند از:

- \* شرکت‌کنندگان در دوره مهارت‌آموزی به شایستگی‌های مورد نیاز برای عمل کردن به وظایف شغلی دست می‌یابند؛
- \* در شرکت‌کنندگان دلگرمی و اعتماد به نفس ایجاد می‌شود که آنان در کسب شایستگی‌های خاص موفق خواهند شد؛

- \* شرکت‌کنندگان کارنامه‌ای مبنی بر اینکه چه شایستگی‌هایی را کسب کرده‌اند، دریافت می‌کنند؛

- \* از زمان مهارت‌آموزی به‌طور مفید و ثمربخش استفاده می‌شود و نقش هنرآموز، تسهیل‌کنندگی یادگیری است، نه کسی که انجام وظیفه می‌کند؛

- \* بیشتر زمان مهارت‌آموزی به جای سخنرانی، به کار کردن با هنرجویان به‌طور فردی یا در گروه‌های کوچک صرف می‌شود؛

- \* در طی زمان و فرایند مهارت‌آموزی، توانایی هر یک از شرکت‌کنندگان در مهارت‌های اساسی (شایستگی‌ها) سنجش و ارزشیابی می‌شود؛

- \* بهره‌گیری از دستیار، شرایطی را برای هنرآموز فراهم می‌کند که نشان می‌دهد خوب درس می‌دهد. همین عامل، کارآموز دوره مهارت‌آموزی شایستگی محور را به سوی معلم سنتی شدن سوق می‌دهد؛

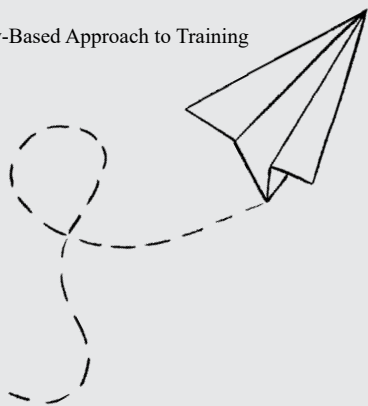
- \* واحد درسی در مهارت‌آموزی شایستگی محور، فرایند ثمربخشی است که به شکل بخشی (هویت‌دادن) به شایستگی‌های هنرجو (شرکت‌کننده) منجر می‌شود. حال اگر به شکل بخشیدن به این شایستگی‌ها توجه کافی نداشته باشیم، به احتمال زیاد نتایج دوره مهارت‌آموزی سودمند نخواهند بود؛

- \* هر واحد مهارت‌آموزی می‌تواند به‌عنوان یک شایستگی

مهارت‌ها استوار است. در حمایت از این نظر، تامسون<sup>۹</sup> (۱۹۹۱) نیز معتقد است، تصمیم‌گیری در این زمینه باید بر موفقیت شرکت‌کنندگان در دستیابی به شایستگی‌های مورد نظر برنامه مهارت‌آموزی متمرکز باشد. همچنین، فویستر (۱۹۹۰) بر این باور است که سنجش در برنامه‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور باید ملاک مرجع باشد؛ یعنی ملاک‌هایی که بر پایه شایستگی‌های مورد نظر تعیین شده باشند. در نهایت، ریچاردز (۱۹۸۵) چنین اظهار می‌دارد که برای سنجش شایستگی‌های کسب‌شده توسط شرکت‌کنندگان در دوره مهارت‌آموزی، باید با استفاده از نشانه‌های تحقق شایستگی‌ها در قالب فهرست‌های واری و مقیاس‌های درجه‌بندی، شایستگی‌های شرکت‌کنندگان را ضمن کار در شرایط و موقعیت‌های شبیه‌سازی شده یا بررسی نمونه کار آنان سنجش و ارزشیابی کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Time-Based Approach
2. Training
3. Competency-Based Approach to Training
4. Norton
5. Foyster
6. Watson
7. Paul Delker
8. Richards
9. Thomson



منبع

Sullivan, Rick (1995). The Competency-Based Approach To Training. USA: Jhpiego Corporation.

در نظر گرفته شود، اما مواد، وسایل آموزشی و رویکرد مهارت‌آموزی (راهنمای یادگیری، فهرست‌های واری، نحوه کارآموزی) در دوره‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور کمتر از این ویژگی برخوردارند و غالباً به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دوره مهارت‌آموزی را به‌طور کامل به پایان برسانند.

## انگاره‌ها و شبیه‌سازها در مهارت‌آموزی شایستگی محور

نورتن (۱۹۸۷) معتقد است، شرکت‌کنندگان در دوره‌های مهارت‌آموزی شایستگی محور باید در شرایط و محیطی که اجرای کار را در موقعیت واقعی تداعی می‌کند، به یادگیری بپردازند. دلکر (۱۹۹۰) نیز در مطالعه‌ای که در زمینه آموزش مهارت‌های مورد نیاز تجارت و صنعت انجام داد، نتیجه گرفت بهترین رویکرد برای کارورزی شامل آموزش یادگیرنده محور و استفاده از مواد چاپی، فناوری آموزشی و شبیه‌سازهاست. افزون بر این، ریچاردز<sup>۷</sup> (۱۹۸۵) نیز می‌گوید، برای سنجش و ارزشیابی شایستگی‌های کسب‌شده شرکت‌کنندگان در دوره‌های مهارت‌آموزی، باید از ابزارهایی استفاده کرد که توانایی آنان را ضمن فرایند آموزش و کارورزی در شرایط شبیه‌سازی شده مورد سنجش قرار دهند.

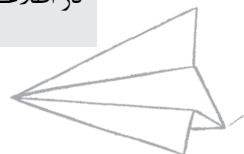
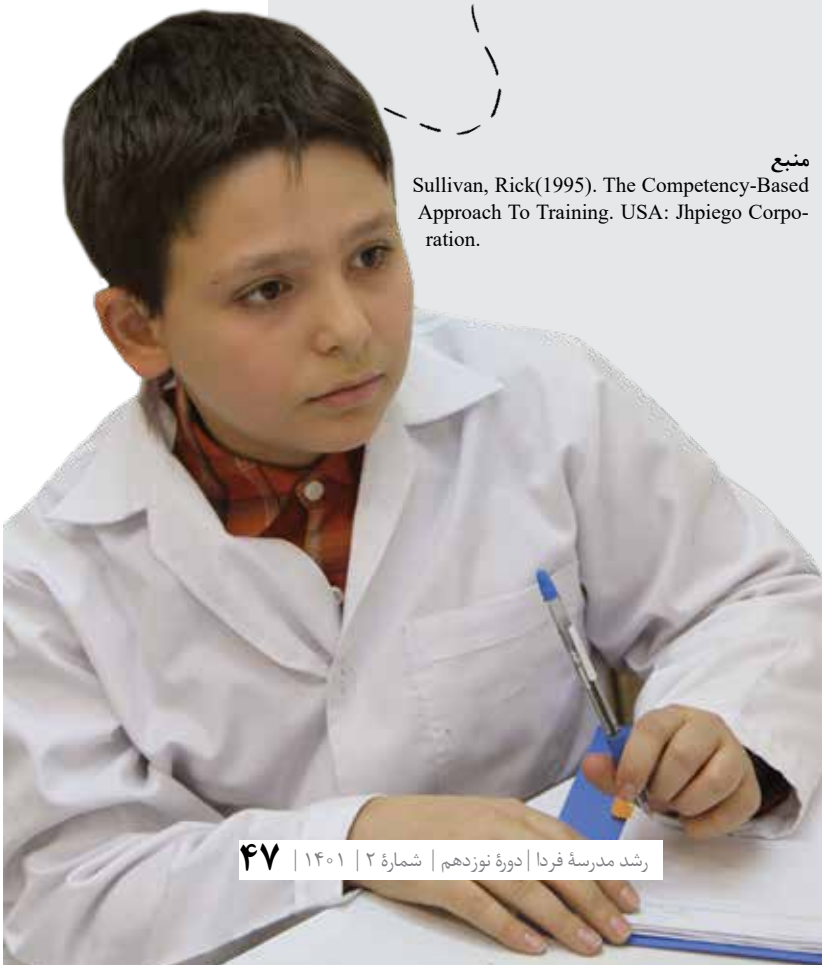
## موارد قابل توجه در کاربرد مهارت‌آموزی شایستگی محور

در مطالعه‌ای که واتسون (۱۹۹۰) بر اجرای سه برنامه مهارت‌آموزی شایستگی محور انجام داد، نتیجه گرفت که در اجرای این گونه برنامه‌ها باید به موارد زیر توجه شود:

- \* آماده کردن منابع و تطابق آن‌ها با برنامه مهارت‌آموزی؛
- \* استفاده از مواد دیداری-شنیداری مورد نیاز برنامه و تطابق آن با مواد نوشتاری؛
- \* تطابق فعالیت‌های مهارت‌آموزی با موضوعات (شایستگی‌های) مورد نظر برنامه؛
- \* تعامل با شرکت‌کنندگان در دوره مهارت‌آموزی و ارائه بازخورد به آنان؛
- \* ورزیدگی کارآموزان در زمینه و نحوه استفاده از منابع و وسایل مورد آموزش؛
- \* توجه به آموزش فردی شرکت‌کنندگان در دوره مهارت‌آموزی.

## سنجش و ارزشیابی در مهارت‌آموزی شایستگی محور

ارزشیابی در آموزش‌های سنتی بر اساس آزمون‌های دانش محور صورت می‌گیرد. در صورتی که در مهارت‌آموزی شایستگی محور، نه تنها بر سنجش تسلط شرکت‌کنندگان در اطلاعات مورد نیاز، بلکه بر اندازه‌گیری تسلط آنان بر





## گام دوم

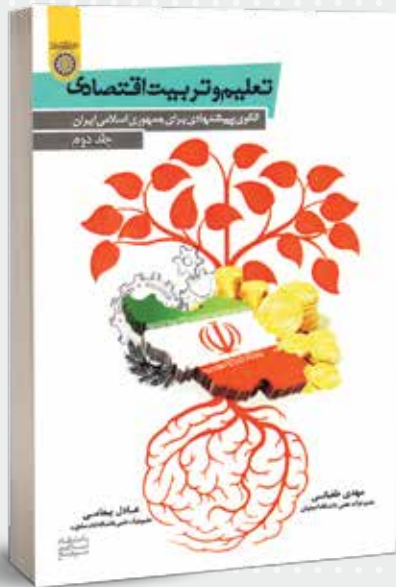
- نام کتاب: گام دوم
- ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
- تعداد صفحه: ۴۸ صفحه - جیبی
- چاپ: ۱۳۹۷

... بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (اروحنا فداه) هست»، نزدیک خواهد کرد.

(از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، مقدمه کتاب)





**تعلیم و تربیت اقتصادی (جلد ۲)**

**تألیف: مهدی طغیانی و عادل پیغامی**

**ناشر: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)**

**چاپ اول: ۱۳۹۵**

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می‌دهد، همه این کشورها از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردارند. این کشورها نسبت به هرگونه ضعف در فهم مفاهیم و کارآمدی مربوط به تصمیم‌گیری و تحلیل اقتصادی حساس هستند و برنامه‌هایی را برای مقابله با آن، از سطح کودکستان تا دانشگاه، از طریق برنامه‌های رسمی و غیررسمی تدارک دیده‌اند.

براساس اهمیت این موضوع، سرفصل‌های زیر در این کتاب تبیین شده‌اند:

- پول
- کار و آفرینش
- سرمایه
- بازار
- تعاون و همکاری



**سواد مالی**

**تألیف: عادل پیغامی و امین مرادی باصیری**

**ناشر: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)**

**چاپ اول: ۱۳۹۵**

امروزه بسیاری از کشورهای دنیا یکی از راه‌های اصلی مقابله با مشکلات اقتصادی کشور خود را ارتقای سواد اقتصادی و مالی مردم جامعه خود می‌دانند و تربیت اقتصادی و مالی افراد جامعه را، از سنین کودکی تا بزرگسالی، مد نظر قرار می‌دهند.

براساس اهمیت این موضوع، سرفصل‌های زیر در این کتاب تبیین شده‌اند:

- چابستی و ضرورت سواد مالی
- تاریخچه سواد مالی در غرب
- نهادهای مختلف فعال در حوزه سواد مالی
- استانداردهای محتوایی سواد مالی
- تربیت مالی در تمدن ایرانی - اسلامی
- استانداردهای ملی برای سواد مالی



وزارت آموزش و پرورش  
باشگاه پژوهش و توسعه آموزشی  
و تفریحات و هنری آموزشی



## فراخوان دوازدهمین جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشتگان

موضوعات جشنواره در گروه‌های سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:

۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

الف) موقعیت‌های متنوع تربیتی (مناسبت‌ها، مراسم، اردوها و جشن‌ها)؛  
ب) اتفاقات و رخداد‌های جالب مدرسه

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛ ب) مسجد و خانواده؛ ج) مدرسه، مسجد و خانواده

۳. کتاب درسی

محورها:

با آفرینی تصویری: الف) قصه‌ها، شعرها و...؛ ب) فعالیت‌های علمی؛  
ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت‌های ملی و دینی،  
محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین‌های قومی و منطقه‌ای و...).  
نکته: رویکرد جشنواره، استفاده مناسب از آثار برگزیده در تکمیل  
بسته‌های تربیت و یادگیری وزارت آموزش و پرورش است.

۴. بخش جنسی

۱. شعار سال (تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب‌های درسی، تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (زائر)های

عکسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیر مستقیم با کتاب‌های درسی ارتباط  
داشته باشند

نشانی دبیرخانه جشنواره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان بهار، خیابان سمنان، پلاک ۸

برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره به نشانی

[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) مراجعه کنید یا با شماره

۷۷۶۰۶۸۵۸ تماس بگیرید.



با پوشش رمزینما مطالب اطلاعیه‌ها  
مربوط به مقررات را دریافت کنید



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از عکاسان و تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در دوازدهمین جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می‌آورد. این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می‌کند با نگاه خلاقانه خود، بر اساس موضوعات جشنواره، لحظاتی به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش در بجهای نو به روی مخاطبان بکشایند. تگ‌های آندیشمندانه و آثار هنرمندانه شما نماینده جشنواره خواهد بود.

محورهای برشمرده این دوره از جشنواره، بر فضا سازی مدرسه‌های امروزی، روش‌های نوین آموزشی و نیازهای تصویری مجلات رشد، کتاب‌های درسی و عموم منابع آموزشی و تربیتی تمرکز ویژه دارند. عکاسان و تصویرگران می‌توانند در دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال: الف) عکاسان و تصویرگران حرفه‌ای؛ ب) معلمان و مربیان.
۲. هنرمندان دانش آموز: دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره: معلمان و مربیانی که در سمت‌های اداری آموزش و پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می‌شوند.